

Divan-ı Ragıp Paşa,

Rāghib, Muḥammad, 1698 or 9-1762 or 3.; دمحم، بغار.
[17--?].

<http://hdl.handle.net/2027/mdp.39015079130897>

HathiTrust



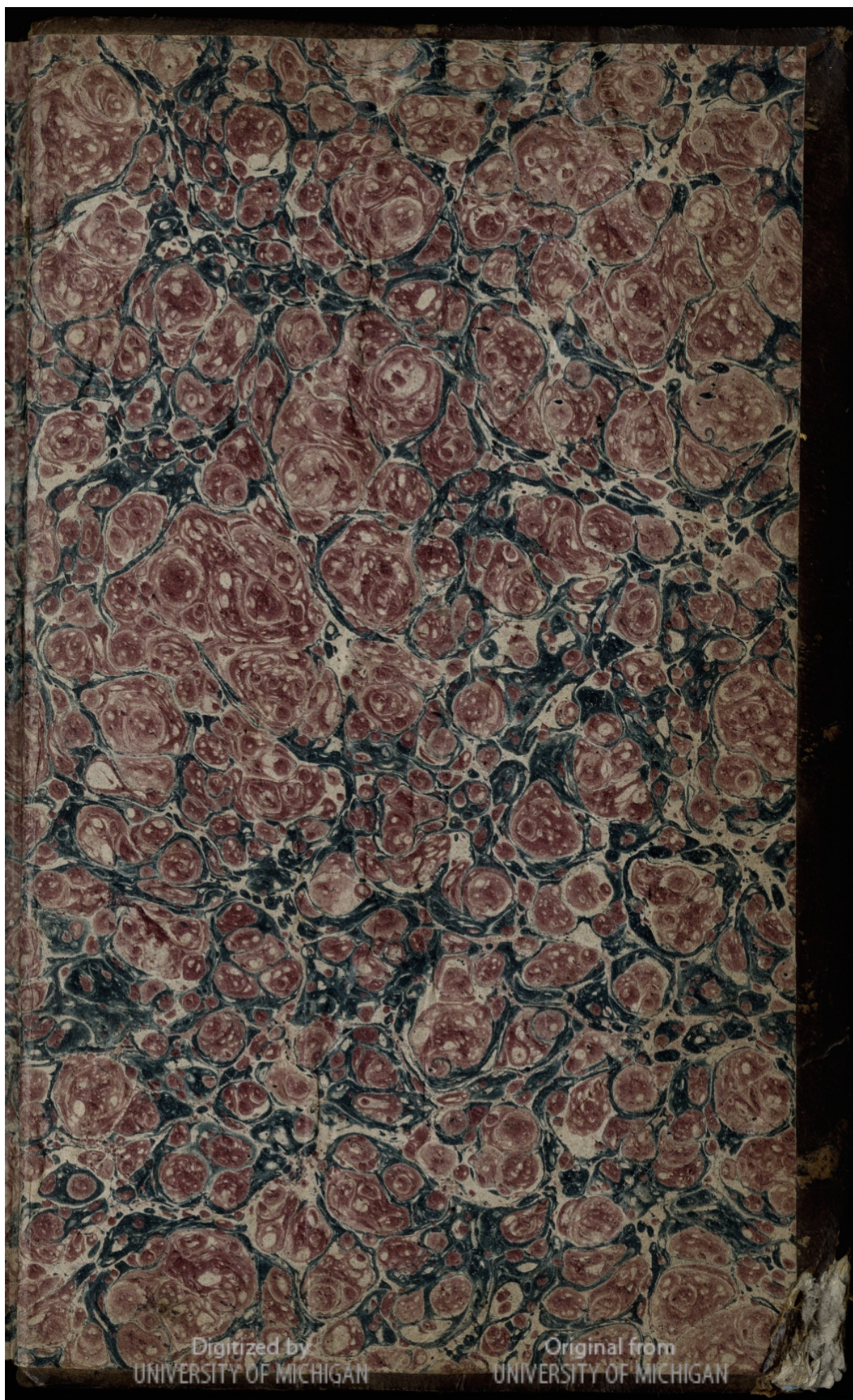
www.hathitrust.org

Public Domain

http://www.hathitrust.org/access_use#pd

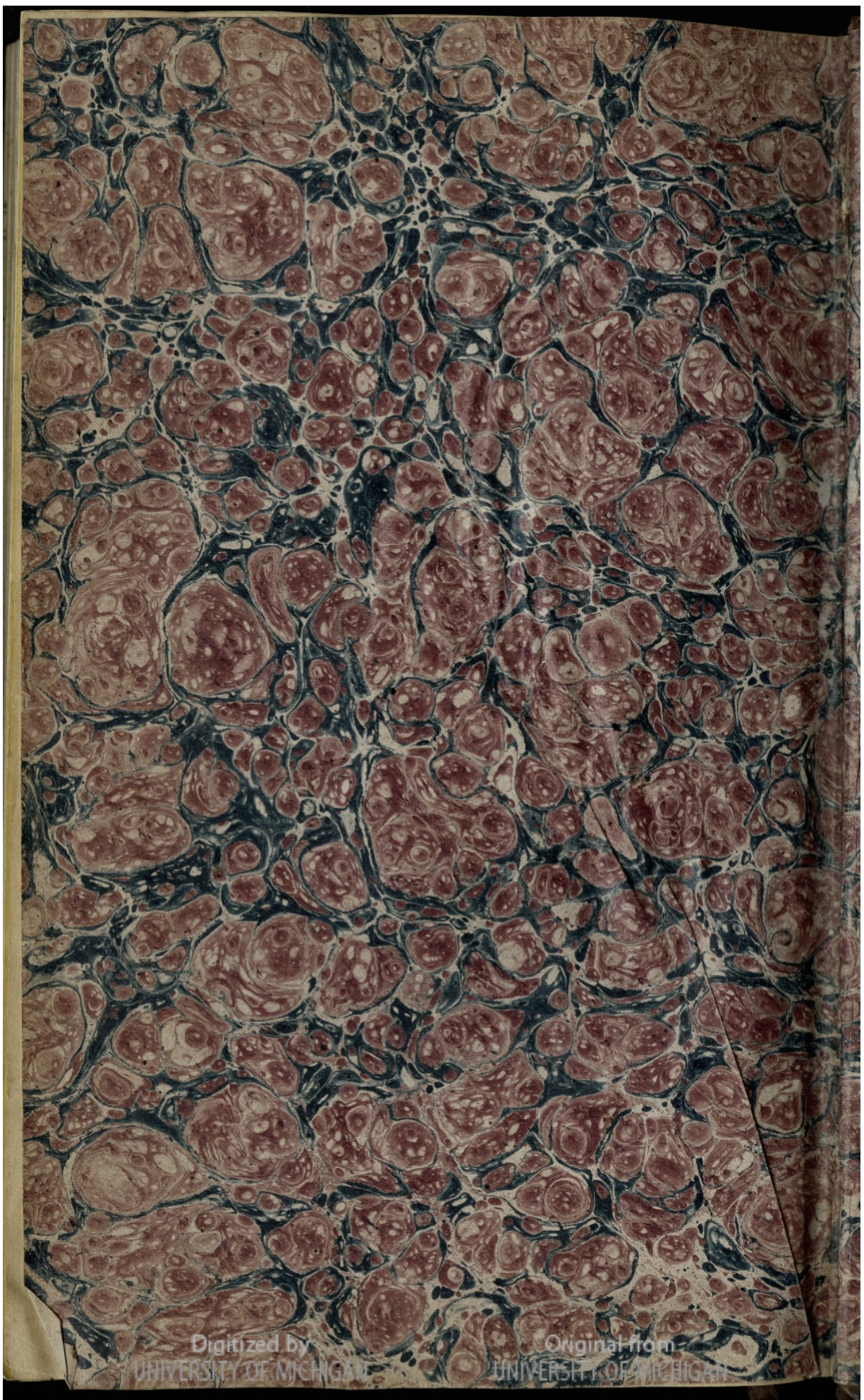
This work is in the Public Domain, meaning that it is not subject to copyright. Users are free to copy, use, and redistribute the work in part or in whole. It is possible that heirs or the estate of the authors of individual portions of the work, such as illustrations, assert copyrights over these portions. Depending on the nature of subsequent use that is made, additional rights may need to be obtained independently of anything we can address.





Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN



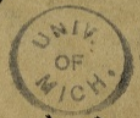
Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN

479
T. Dull

نوبت عارفت سید با
 المحقر سید با
 غفر له

من اللطیف نعم الله الواصل الی عبده طاهر افندی
 زاده السید محمد عاصم عفی عنهما بحرمه نسیه لکال
 امین غریب



استصحبه الفقیر السید علی فواد

422

دیوان راغب پاشا

نوبت عارفت سید با
 المحقر سید با
 غفر له

مغای نام
 صوفی سرور دانش انداز
 که در دیوانت رنجانا انکسورید

فرصت کو در این کتب کفایت
 نیست که در این کتب کفایت

کتابی که در این کتب کفایت
 نیست که در این کتب کفایت

خانه او خانه چشم نیست
 چشم من از خانه او نیست
 آه که منشی منشی
 آن زمان معلوم

سبح در وقت نوبت
 معیت را حظه ای آید از استغفار



حکمت کردن از ستاینه بطرف
صیقل و بعد ازین نظر کردن بجا
نه مجموعه

جناب برارن نه طباق افلاک • جل واته عن در
الادراک • رونق افروز کاشان سلطنت • و پیرایه
اریکه کاهرانی و دولت اولان • وجود عالمسود
اللی • و ذات مکارم نمود خلافت پناهی دین الی
الدّهور متکا پیرایه سرور و زمامت افزای
چمن صفت صفا و حبوید و ب • هر دم و هر اندرین
فرج و شادمانی یه قتران ایله • باعث آسایش عالم
و عاملان ایکندن خلا اولیه آمین • شوکت لوا قدم

ع

عنایت فیاض مطلق ایلده رونق بخت باهره لاسعاداری
 مثلوه هوارده کشایش لطافت و تنقل و تنزه
 میل و رغبت و قدری خلوص الیکدن ناشی بورو
 فیروز سیمت اندوزده روح جہان عالمیان و
 عین جہانیاں اولامبارک ذات کردی طینت خسروان
 فحی مانند آفتاب عالم تاب و اوی لکش لای شتائیه لرند
 صیفیه بهشت منظر یعنی محبوبیه اسمی ایلده ستمی ساطع
 لطافت آرا لرینه نقل رخسار جلال و تحویل ساط
 اقبال یوریلوب شوکت کوکرامستو ولی نعمین فخر
 حضرت نیک همیشه صفا و راحت دی موجب فرح
 بندگان صداقت نشان و فریل رح چاکران شکر
 الاحسان اولد بغنه بنا بو حرکت مستوجب المهر تری عالم
 عباد عطا وفت اعتیاد لرینه و بتخصیص عبد نعم پرور و بند
 عنایت مظهر لرینه حیطة تعبیردن بیرون و مرتبه
 تقریردن افزون مورث سرور انبساط و باعث لکش

و نشاط و ملغله واجبه دست عبودیت و لازمۀ خدمت
 رقیتم ادای فریضه تبرکات ایلہ و طیفه و عایہ ابتدا
 و مسہول کا طہ عا طفت بند نواز نہ لری و ملتق است
 ایلہ برائش مزین اسب رومی ترا داد اید اسنے کستاجانہ
 اجتر اولمشدر حق چاکرانہ ملک دائم الوقوع الطاف
 بی نہایہ بند نواز نہ لردن تقدّم عاجزانہ مک حیات
 و قصور ندن اغراض چشم سراج بیور ملتق نیازی تقدیمی
 ایلہ جناب رب مجید نو نقل و حرکت لرین سعید اندر سعید
 و ہر حال و ہر محلہ و ہر زمانہ و ہر مکانہ صفای خاطر
 و کشای طبع فیوضات مطاہر لرین بر مزید اید و بایام
 میمنت انجام لرین دائر احسن و آراش ایلہ خوشکد
 و انواع ذوق و سرور ایلہ نخبہ روزگار بکندہ خالی اولما
 و عوائق پیرایہ ککثرہ قصر جابت و اویزہ طاق معمار و
 حسن قبول و صابت قلند یعنی معلوم بہت معلوم

آجہ اریاری بیور لد قہ امر و فرمان

نقل

نقل کردن بکلمه بی از بنیاد

محبوبه به سنگام صیف

جناب حق جل و علا مایه آسایش بحر و بر و مایه الزفا
نوع بشر اولان و جو لطافت پرور ظل الهی و ذات می کام
کستر خلافت پناهی دین همون سر بر شکر مصیر
ناجدار بیدار بر قرار و ایام فرحت ابتلا دین نخبه ازما
داد و ارا یکدن خالی و ملیه شکر تو افندم حرد
خطه نیروز اولان آفتاب عالم تا بکافافاضه نوز
سیر بروج و قصون دایره اولد یعنی مشکو مهر منیر آسمان
سلطنت اولان وجود خورشید سعود پادشاه ایلد
هی نشانه بهجت و نصارتی بعضی منتزعات
دلارای تشریف ظاهر و مغلطه بوز فیروزه رو
با کمال المیه لب محبوبه دریا هر مشکل خال اولان بکلمه
نام ساحلخانه مینو شانه توجیه وجهه رغبت و امانه سگان
غریبت بیورلد یعنی انبساط طبع همایون خسرو اندرینه و ارا

و بولطیفه و لارا چاکر با ابتها لرینه موجب نشاط بیحال
 اولی حق حبیل و طیفه و دست عبودیتیم اولی رعایت رسم
 تنبیه باعث کسب اخلاقیات و وفایق و اوقات مذکوره
 مواظبت و غای غرور و دولت لرینه مخصوص و منحصر و لغت
 اشعار بر مجهر ساعت هدایت سینه مبارک است و لغت
 جناب برزنجی چرخ بوقلمون و گردش آفرین رخسار
 کریم اوقات و آفات ایام و لیا لیلین و امانت
 و صفایه مقرون و میقات مستقیمه الحركات
 اقبال و دولت لرین وقفه آسیب و اختلال در مصون
 اید و بزرنگ دولاب امور لرین هر بوط سلسله تو
 و سواد و ادب و مفاصل ار لرین کافه معضلاته باعث
 فتح و کشف و ایلیم آیین حق چاکر عبودیت پرور لرین و
 الطهور اولی مکارم غیر محصور بند نواز لرینه لرین مقتضای
 هدیه عاجزانه مکاتبات و حاراتی طرف زریار
 تسامح و اغماض در این استوار بیور لمق سینه خلوص و ان

مفاخر می طنین انداز طاس سپهر و آرمیور مدی با بندن

نقل کردن صاحبخانه هائو

بجانب ایوب انصار

جناب رونق آرای حدائق امکان جل عن شنبه و النقص

مایه رفاه عالمیان و ماده راحت و آرام جهانیان

اولان وجود تراست نمود خسر وانه و ذات لطافت

سمات ملوکانه لرین همون سیر آرای شجاعت و اجلال

وزینت افزای صاحبخانه دولت و اقبال ایدوب سال

بحر عنایتین بالشکاه اسراج اسره جباه و سائیکاه جهه

اصحاب و بهیم و جاه الیکدن خا اولیه آیین کیشو

افندم خسر وزیرین فسر خطه طارم چارم اولان خور شد

جهاننا سب ذوق برورک و دوازده برورک که و نندن هر بر

برجی شریفیند باشقه تاثیر و خاصیتی اولد یعنی مشل لکونیه

اعظم قطب سلطنت اولان ذات باهر اللطافه

جهاندار مدی هر خصوصیت نفیس هابوندری ایله ممتاز و مستثنی

اولان منتزعات دلا را و ساحل سربان بهجت
 افزا لرذن کاه و بیکاه بعضی بدین شریف بیور و قچه
 عالم و عالمی باعث افزایش طراوت مورث را
 طبیعت اولغله بوروز فیروز میمنت اند وزده
 انبساط تمام و انشراح مالا کلام ایله ساری مینا نالرند
 حرکت و نهضت و جوارابی یوب انصاریدن واقع
 ساحل سربان جنت نشا لرذن ساحلخانه بهشت
 کاشانه لرینه پر توانکن میل و رغبت بیور له بیی کشایش
 طبع هابون حسد وانه لرینه دل و بولطفه حسرت
 چاکر کثیر الابهت لرینه موجب فرح بهیال و ملن حبیده و طنقه
 و منت رفیت و لازمه عهد عیو و یتیم اولان رسم
 تبریک و تنسیه باعث کسناخی و جرات بوپنی
 وسیع الار جای عیو و یتلرندن حایزه قصبه سبق صد
 اوله یغیه باعث استلال عنوانیده برأس و بنشان
 روی نرا و اهداسه ار جای عنان مبادرت اولمشد

جواب

جناب جنبش بخش نفقه خنک که هر بخش ملکون دست
 و اقبال دین الی آخر الدوران زیران و لوتن بخت
 و اقبال دین علی الدوام بجام اراهر لرینه رام و نرم عنان
 ایدوب هر سیر و حرکت دین موجب فرج و سرور
 و هر ملکشت و زهره دین مستوجب مسرت و جور ملکدن
 خالی و ملیه آیین حق چاکر عنایت کستر لرند متعاقب
 الطهور مراحم غیر محصور بند نوازانه لرند هدیه عاجزانه
 و تقدیم چاکرانه پیشگاه شهاب مستکا و خلعت
 پناهند رسیده سر منزل حسن قبول بیور لوق ایلیم
 جای ستمندانم سبق آموز ابلق کردون بیور لوق
 بند کانه ایدیکجی طاعلم حایق شیل تا جدر لیدی بیور لوق

بروجهت اورمضان هر یک یک یکر بی بی کوفه عیدیه
 ارسالی ضمنند یازیلان لمخصک مسوده سید

جناب رب مجید جل شانہ و جم احسانه همروت
 غزه عید و همپر توجیه منون خورشید اولان ذات

فیروز خاقانی و وجود و بهیم فروز خسرو انیدین نیجه
 شهو و اغوام سریر بهت سیر تا جدار یکنه مستلک
 و حصول امانی و وجانید یله بکام اید و بایام و اوقات
 مستتبع المرات و امانات و ساعات مستلک
 المبر المنین رشک سرور و بهجت قدر و عید و تخصیص
 اشبواه رمضان مغفران پناه و هلال عید میمنت
 نوید کث فصول قدوس عید اندر عید ایلیم آیین بجاه
 من بعث رحمة للعالمین شوکت لوا فندم بخت خدا
 باهر الاسعاد لری مثل نور و نوق نام و ابتهلج مالا کلام ایلیم
 امامه سجد اایام و رابطه العقد شهو و اغوام ایلیم
 اوقات خجسته کی ایاک هربری فروخته چو اغان
 خالصینه نظر اگر چه هر روزی بر عید اکبر و هر شب بر قد
 برابر در انجی اجرای مراسم معناده ایلیم ممتاز دنیا و دلا
 اایام مخصوصه نکث تقاب و توار و هیض عرض عبودت
 ورقیت و اظهار لوازم ضراعت و سبله اتحاد اولنه کله کجند

ماعد بجایه الله الملك المنان بوسا فرزند فالد واقع
 شهر مبارک رمضان غایت صفا و سرور ایله کذا و افتا
 عالم تاب وجودها بوندی کمال صحت و عافیت ایله^{شعه}
 پیش فالیم سحت و شان و لمقدن باشد عید آئینک
 وخی انواع جور و اسعاد ایله رشک اعباد و لمسی قرینه حاله
 استدلال و لمغله بویه یام میا من اتاکت تبریک^{و تهنیتی}
 بند کان ستغرق الغمدرینه موجب مفاخرت و مستو^{حب}
 انواع مسترت و لمخین هزار شرم و قصو ایله خاکیک
 ملح و مور بر موجب و فتره به نامنه اعداد و ترتیب اولان
 دستا ویزنا چیزانه پایه سر بر خرد و انه لرینه معاد^ض العر
 اولان دایای سائر ایله مرفوع پیشکار و مکارم پناه
 خلافت مستکار باری قلند در حق چاکر نعم پرور^{لرند}
 متعاقب الطهور اولان مراحیم بزم احسن نوازانه کر
 مقصا سنج بوبابین واقع عجز و قصوم دامن عفو و صغح جهان^{ایله} بخت
 پوشیده و مستو و تقدمة حقیرانه کما طه حسن قبول خداوند کار ایله

ملفوظ و منظوم و رملق ایلده کلکون مرصع بحام مخرومه با هم سبق
آموزن و تسن کردن بیورملق با بسند امرو فرمان

لیله قدر و عرض لکنا سجا
و تسبیح ضعیفند یا زینب

شوکت و وفندم جناب رب قدیر جل عن شبیه و النظر
امامه سبحة سلطنت و اقبال و پیرایه محراب اتمت و اجلا
اولان در یکتای وجود فیض اند و جهان داری و ذات بهار
السعود خلافتنا همیدین همون رایش کلیل نصرت و تاسید
چار باش نشین و زکات دولت جاوید ایدوب کمال
سرور خوش گذاری ایلده هر روز لرین شک عید و هر شب
پر طرب لرین سواد نخته قدر سبب ایلکدن خالی اولمیه آمین
بخیریت اجل المرسلین شوکت و وفندم خال جمال
لیالی رمضان و عنبر دریای رحمت و غفران اولمق حبسیده
خیر من الف شهر اولان مبارک لیله القدر و ده پیشگاه
خلافتنا همیدین و تحریک سبحة رقیبت و بسطاب

شماره

عبودیت بندگان شاکر الاحساندین با عث ارتقاء
 قدر و شان اولد یغنه بنأ حقیرانه نسیه واعداد اولنان بر^{رشته}
 تسبیح و بر قطعه سجاده و مرفوع حضور لامع النور خداوند کائنات^ی
 قلتم شد رجناب حق و فیاض مطلق محض خیرانام
 و خیر محض خواص و عوام اولان وجود مکارم اندود
 حر وانی و ذات مراحم و فود جهان بنابرین سیر
 ایتست سمیر ناجدار بدنم دایم و لایزال و بونک کبی لیل^ه
 مبارکه نک عد داسمی قدر مثالنه ابصال ایلیه یمن بر معن^ا
 قدیم عرض و تقدیمه ابتدار اولنان دستاویز ناچیرانه
 شرف ماکس انا مل خردوانه و زمین بوسی پیشگاه ملکوت^{راییه}
 رشک فرمای عقد ثریا و داغ زن سینه اطلس سینا بیور^{لمت}
 ضمنت سجاده عبودیتیم پیرایه محراب مفاخرت
 و سجد رقیتم زیور جیب سعادت بیور یلوار اویس^ا

امر و فرمان

باز نیلای تحصیلت مسود و سید

عید فطره بر وجه معن^ا

جناب رب متعال منبج زلال فیض و فضل و معدن
 بر و نوال و لان وجود مکارم نمود بهیال و ذات
 کرد بی صفات مراحم اشما لدرین الی انقراض الایام سیر
 ارای سلطنت ابد قیام و رونق انزای شهو
 و اغوام ایدوب نوار دازمان و انات و تقاب
 اوقات و ساعتین افاضه سرور و شادمانی ایله منج
 نوز و زو عبید و افاده ابرست و کامرانی ایله سعید اندر^{سعد}
 ایلمک ضمنند مطلع الهه مجد و قبال و تمنع اجله^{خدا}
 سعادت و اجلال و لان ذات معالیستما خیره زینه
 خاصه بو عبید بهجت نویدی منج و مسعود و مقدمه مسرات
 متعاقب الورد و الیه آمین بجاه من همور حمة للعالمین^{للمین}
 شوکتلو افندم شیرین ساز کار عالمین و ذائقه پروانه
 مذاق جهان اولان سهاط لذیذ مناظر و فی النعمانه لرندن
 بهره دار نعم عاطفت و روز و هسکن فطور عنایتی
 اولان بندگان شاکر الا حساندی حصده حبیش ابرو

الاست

التفات خروانه و نایش وی خند نکات و درانه کر
 اگر چه رشک عید اکبر و بلکه هزار حش و نور و زه برابر در
 اینجا نینه بو مشکو بام معنا و بهجت افاده نکند فزوم
 دور و دی اظهار لوازم عبودیت و ایفای تسکیر غنیم
 الوسيله اتخاذ اولنه کلمه ممقدر پای ملح مور بر وجه محتاد
 هدیه نامیده بر موجب فتر اعداد و احضار اولنا دستا و نه
 با عجز و فصول هدایای سائر ایلد معروض بارگاه خلقت پناه
 ظل الهیدی قلمش در خزاین تفکرات فایز و شیرین
 نسبت ایلد بو گونه ارتکاب استاخی اگر چه کعبه به زرم اهدا
 و بحر خضمه قطره ششم ایفا کنند بی فرق اید یکی و ارسته
 قید ارتیا بدر لکن بو وضع عاجزانه دن عرض جا کرانه مجرود
 و اوجه ذمت عبودیتی و اضمنند مشمول کافه قبول ملوکانه کر
 بیور ملق منقبتک احراز یه بر فاقه هجرانه افتخار و امتیاز
 اید و کی معلوم اهبت مرسوم بند نوازانه لری بیور لری
 بو باب بن فصول و کسو عنایت منظور لری و امن عفو و صفح جمعی

ایله پوشیده و ستور بپوشیده

عید اضحاده بر وجهه

یا ز بیان منجی مسوده

جناب تبرک ارای خیفه منی و شرف افزای مقام و حصه
جل نانه و نعل خورشید آسمان بهجت و مهر منیر اوج شفا
اولان وجود میا منور نور ظل الهی و ذات مکارم اندو
خلافت پناهی بدین ما نقاب العبدان سیر^{الهی}
مصیرا جباری و تخت فرخنده بخت شهر بار بید^{نیت}
دائم و برقرارید و ب ایام مراحم اقام ملوکانه لرین^{مقار}
انواع صفا و سرور و ملازمت اصناف دما و جو
ایله رشک نور و زو عبید و تجویص بوعبد مغفرت نوی
اضحای سعید اندر سعید ایملک ضمنه مد عطفه عد
خردانه لرین کعبه الامال انام و ملجا و مطاف خواص و عوام
ایملکن خالی اولمیه آیین بالنسبه الامین شوکت و انیم
نیر حیز فلک سلطنت و افتاب عالم تاب برج معدلت اولان

دانت

ذات شفقت یات شهنشاه بدینک افاضه انوار عیانت
 و اشاعه شمع بر ورافت بیورد قدری ایام و اوقات
 حق بندگان شاکر الاحسانندن باجمعها نمونه
 عب و بلکه ملحه اشارت بروی عاظمه ابرار
 مسرتن بر مزید اید و کی جای کلام اولیوب انجی بولیبه
 هنگام سیمینت ارتامن ادای مراسم تبریک ^{تهنیت}
 جا کر نعم پرور لرینه وسیله عرض عبودیت اتحاد اولیوب
 و بو کیفیت فی الحقیقه نینه عبو احترامینه موجب ^{مفاج} بهتاج و
 مستوجب سرور و فرحت و ملغله مانند پای جراد و ستا
 نا چیزانه نامیده و اعداد اولیوب ایای حقیرانه م هزار
 شرم و حجاب و صد هزار تردد و پیچ و تاب ایله برهنو
 دفتر معروض کاتب خطاب خافندری قلند در مبارک
 بیسکاه خلافتینا هیلدینه بو مشلوله ایای کقدر و بربا
 تقدیمینک بیت مکرمه اتخاف زمرم و بحر خضمه اتقای ^{قطر}
 شبنم ن سیرق اید و کی هر چند ظاهر و هویدا ^{ایسه} و

حق چاکرانه مدح بوانه دکت مالوف و معاد اولد یغم مرآسم
 بمزاجم بسند نوازانه لرندن قصود و حقارتندن اغاض کخله
 وقت و لطفاً و غنایه مشمول نیم نگاه حسن قبول ^{طغفت} عا
 بیور ملق صمنندن نقدینه سرور و عید عالمیانک دفعه قولدینه
 احسانی ایلده هسان مالم لبریز راس المال افتخار و سربا

و ابتهاجم رسیدن فلک دوار بیور ملق بانه

نور و زبیه و ملق اوزر باز بانه

منجصر مسوده سید

جناب خالق بیچون وصفه نکار بسیط بو فلمون بر تقضای
 حکمت بر دوز و کمون و مودای نخلیات و شئون فجاج
 استزاجات قوای اراضی و سماوی و ثمرات از و واج ابا
 علوی و اتمات سفلی و ملق اوزر ارحام بطون خا
 و اصلاب اشرفات افلاکدن جلوه کر ممد ستهو و پیرایه
 قاط وجود اولان مولیده کانه دن اجسام نامیه و نبات
 نافذ خدمت نریبه و نامور کلعت تنبیه اولان دایه بهای

مطلع

بدایع انار مفند بر این وحدت و صغری سهند کحول
 بکائی الویسے اولدنی ستم ارباب انظار و مقبول
 قراج اصحاب آرا و افکار و لوب و بو طوط و نمود و بروز
 سوده مطلع و سبدا اول نقطه اعتدال ربی که اول برج حمله
 خرد و جرج دوار اولان شاه اشعه سیاه آفتابیت
 اشرف اعتبار اولمغله نیز جبال افروز ک اول محله
 نقل و تحویلی زمان اعتدال اولهار و میزان ت و بی لیل
 و نهار اولدنی خراج حکم بر و کار و ناید و کی کاشمرف
 وسط النهار ظاهر و بیدار و در بن علیہ بور و سرت اند
 جمیع آفاق و انظار هر نام نور و ز سکا ایله سرانه تقویم
 اشتها و رسم تبریک و تهنیتی ملنزم صفار و کبار و بنخصر
 و طیفه لازمه چاکرانه صداقت سخا و لمقدن ناسه بونین
 ورم خوین و شرمند غنایت چیر لری خورشید بمنه سبحان
 مرسه و شادمانی ایله حلول فریب اولان مقدم فرج توأم
 روز مذکور فیروزی عرض عبودیت صادقانه و اظهار

عاجزانه نه نعم الوسيله اتحادی صفتند رخت و بسات
 ضاعت منا طایله راسته و برکتوان عجز و قصوایله پیراسته
 بر رأس اسب رومی نژاد کشید سنگ رکاب خسروانه
 و معروضی سیکاه شفقت نگاه ملوکانه لری قلمغله هرزان
 نیل احوازی ایله حائز دستمایه افتخار و امتیاز اولیده نعم مرهم
 بیز احم بنده نوازانه لرندن متمول زین پوشش حسن قبول
 خسروانه و ملحوظ کاظمه عیب پوش که یانه لری بیورلق
 ایله سمند عالم پسند افتخاری سبق آموز توکسچهر دوار بیورق لری ^{باشنده}

بود خنور وزده باز بجان ^{مختصک}

باکله بر نفع القابیده

جناب زینب بخش نامیه بهار و قوت ده افسر
 حدایق و استجار نقالی کنه ذاته عن احاطه الافکار نحو شنید
 استاد دولت و مهر جهان افروز اوج سلطنت اولان و حج
 نوازند و قورطلیت کسرتنا جداری و ذات اشراق سماء
 و زده پرور خداوند کار یارین مانند نیر اعظم و پرتو عالمگیر قبال

ایله

ایله انواع سعوه همد واسعه اجلاس ایله هر دم و هر
 زمانه دین فرخنده و خرم ایدوب تقدیر امور نام
 و تنویه امانی خاص و عامه رشک معتدل النهار اولان
 زمان مکارم عنوان ظل اللهی و آوان مراحم عنوان خلافت
 پناه سیرین نصارت بخشای کشته ارا مال و طراد
 افزای شکوفه زار مجد و اقبال و مقدمه همتا ثیر ایا م هبار
 و رشک نور و ز فیروز زی اثار ایلکدن خلا و ولیه آینه بالین

الایین نهجست و افندم

فصلها بون و قوعند

بر وجه معنی یا ز بلان منحص

جناب تفریح بخش قوای ابدان جل عن السبیه و النقضات
 سلطان اقلیم وجود و زائران اقامه صمدان وجود اولان
 ذات لطافت سمات بادشاهی و نبیه عنایت ایا
 ستمت ایلدین هموار رونق ارای سیر صحت و زندگانی
 و بهجت افزای دیهم سرور کامرانی ایتکله کافه بنده گان
 و منحص

بوجا کرست اگر الا حسا ندین فائض است جاودانی
 ایملدن خالی اولیب آیین بابنی آیین شوکت و فہم
 حکم بالغہ خالق فضا و قدر مقتضای سنجہ عروق و اعصاب
 نوع بشر و فروع اعضان نبات و سجرہ ہنگام سربا^ن
 روح و قوت و اوان بہجان خرمی و لطافت^{ان}
 ریح نصارت آثارہ تنقیہ خلط و تصفیہ دم مراعتہ مرا^{عات}
 قاعدہ مرغیہ حفظ صحت و قانون معتبرہ حکمت و^{لمخلہ}
 اسبور و زیبا سن اندوزہ اجزای قاعدہ فضا^{تطیف} ایلہ
 فراج طلیت استخراج خرواندہ لرینہ میل و رغبت ہما بو^{نری}
 بیورلدینی جا کر مکت برور لرینہ باعث فیضان
 عروق و ارتجاج و موجب ضربان ک انبساط و لمخلہ^{بمکت} بوغز
 باہر الا صابت لری مستند کمال تندرستی و عافیت و ملق
 و عوائتہ تخریک نشتر زبان اجابت نشان اولمنہ در حضرت
 حکیم مطلق ہر قطرہ سن کلکونہ رخا رصحت و مستیع^ع انوا
 قوت ایمکلہ بدن طلیت پیرہن ملوکا نہ لرین محتاج

مذہب

مذیر و دوا و مستدر علاج اطبا ایملدن آسوده تر
 استغنا ایلدیه بین بو گونه تفریح طبع خداوند کار یارین
 اولان فصد هما یون مهمنت مفروضه نیک نیریک نهستی
 نعم الوسیله عرض عبودیت اتحاد اولمنق لازمه دمت رقتم
 اولمقدن ناسی هزار عجز و افتقار و حجاب بینما ایلدیه
 بتیه و اعداد اولن هدیه با چیزانه و گشت ویز حقیرانه مک
 کسین میسکاه عنایت گسکاه ظل اللهدی ظلمت
 بادی استار و اجتار اولمنق در حق جا کر ضاعت کسینه
 بوانه دکن جلوه کر محملی ظهور اولان بخایب عنایت بخت
 ولی النعمانه لرینه بود فقه دخی ارخای عن عا طغنت ضمنت
 بند کانه مک شمول کناه التفات و قبول یورلسی ایلدیه
 سمندر جای سمنده می جلوه آموز بوسن جرح و وارو
 قصب السبق مضمار ابتلاج و افتخار یورلدی بابند

شربت استعمالند و بازینه
 تمخیر معتمد

جناب تاثیر بخشای خواص اشیا تقدس ذات عن صمه
الحادث و متعالی روح ابدان عالم و نور عیان بنی نوع
آدم اولان وجود که دینی شیم آجداری و ذات سعاد
توأم خداوند کار یارین هموان مصون علت و سقم
و مقرون تندرستی و نعم اوله قدری حاله و بهیم خلافت
وسیم خسروانه لرندن دائم و برقرار و حراج لطافت امتزاج^{جلدینه}
مرکز اعتدال مدار ایملدن خالی اولمیه آمین بالنسبه
و آله الامین شوکت لوا فندم مقصنای قانون حکمت
و مبتغای طبعیت بشریت اوزره مهیج کیفیات^{لیفه} استخا
الانوار اولان فضول اربعه متداوله دن فصل بهار
نامیه کردار نخبه ایام تدبیر و تدای و منقیات
و مصفیایه اوان تناول و تقاطعی و ملقندن انتم بورو
فیروز لطافت اندوزده استقال تربیت مورث^{میل} الخفیه
و رغبت همان بیور لیدنی گوشه و جا که مکرمت^ک و رکر
اولمخله دار و خانه عنایت صمدانیه دن طبع لطیف معد^{لت}

تالیف

نایف ظل السیدینه هر قطره سحایه تن آسانی و تو
 و هر شمه سی ماهه اعتدال صحت اولق دعوانی مرغ
 درگاه اجابت و بو تقریب و لغزب و طیفه و منت
 بنده کانه ماولان عرض عبودیت و سیده مبادرت ^{مست}
 جناب تاثیر و هنده تدوی و تدبیر جل عن السبیه و النظر
 شربت و تنا و لنه اعتنا بیور و قدری و دای خفت
 بخش لرین ستمم کمال عافیت و سنجوب غایه تعدیل
 صبیحت ایدوب بینة قویة دولت و سلطنتین ^{مصون}
 عارضه سوا المراج و مستغنی غائله تدبیر و علاج الیکدن خالی
 اولیه آیین یایه سیر کرد و ب سیر جهاندار بلرینه ^{تقصیر} هر عجز
 ابله عرض و نقد بمینه اجترار و لنان هدیه حقیرانه و به
 سبزنا حیرانه مک عدم لیافت و وجوه ^{استند} حسنه
 اغراض کاظمه التفات ضمنت لفظا و عنایه مشمول نظر
 عاطفت اثر حسن قبول و لی النعمانه لری بیور لوق ^{مست}
 ستمدانه ماید و معلوم مکارم مرسوم تا جدار بلرین ^{مست}

خلوت بها یون تو محمد

بازیدان پنجک سود سید

جناب چمنظر صدیقہ افرینش نقالی شانہ کلین روش
ذات بیجہ سلطنت و اجل اولان وجودها یون مہانت
مؤمنین الی انقراض الدوران ہر ایہ خیابان اقبال و ارا
اراک و طلس ایدوب ورود لطافت مزاج
مکارم نژاد لرین رونق و کشا بشن ہر نک کلغچہ
خدا و ادلری بلدن حالی و ملیہ آہن شوکت و افندم
بطفہ تعالیٰ چند روزون برومات خاطر الہام مظاہر
مشکوٰۃ ہووہ صورت صفوت و لطافت ہویدا و لمقد
مانشی بوروز فیروزہ بعض منتزہات دلار تماشاسنہ
احالہ کمیت رغبت و ارادہ سیر گلشت بیور لہی بکھا
سبحانہ کمال انبساط طبع خسروانہ لرینہ وال ولد یغینہ بنا،
چاکر باہر الہی اللہینہ وخی ہو جبہ و رہیال و لمغلہ و اجبہ
دمنت عبودیتہ اولان عای عمر و دولتہ کی تکرار یلہ اجرا

رسم تبریک و نهیینه ابتدا اولمت در جناب رونق
 افزای بهار اقبال و صفوت فرمای جاض باض اجل
 ثم روح برور حدیقه سلطنت و شکوفه لطافت
 حوضه مجد و دولت اولان وجود مفاخر نمود خسر وانه
 الی اخر القرون کمال طراوت و بهجت مفرون و انواع اسب
 و افادن مصون ابد و ب هر گونه حرکت درین حوض
 بمن و برکت و هر در لوت فرج و متر ابدین مستوجب صفا
 و فرحت ایلکن خالی و لمیه آبن سمنار عبودیت لکن کم
 جولان اولان عبدشاکر الاحساندی اولدیم اجلدن برادر
 و نامش نکاح و روحش منظر اهداسنه تحریک مهمیز
 بهادرت و ارخای عنکاستاخی به جرات اول
 حق جا کرانه من و اغم الظهور اولان غایات غیر محصور بنده
 نوازانه لرندن نقد عا جرانه مک حارث و قصور
 زیر برکتوان عا طفت لرندن مستور بیور لوق ایلد نوسن فخر میا
 واصل افضی الغایه سرور بیور لوق با بند امر و فرمان

خدمت هایون و مؤمن

یا زیدان بخشک مسود

جناب حق و فیاض مطلق تعالی شانده و بهر برهان
مایه بهجت انام و ماه رونی و بشاشت و جوه ایام اولان
وجود فیض اند و خردانه و ذات مکارم آلود ملکانه
الی آخر الادوار سیر بهت مبصر ناجداری و دیم
سعادت خدم خد و ندر کار بدین ثابت و برقرار اید
منبع انشراح و انبساط اول مبارک طبع لطافت تخمین
طل اللیلدرین دناک شاهر وهران و زمان طرح انجمن و
وصفا اولمقدن خالی ایلیمه آمین بجا الیه الامین
شوکت لو فندم بمنه سبحانه آینه قبال خدا و اداری مستلوا
طبع مکرمست نهاد جهاندار بلینک کمال صفوت و کثا
و لالت ایدن ترتیب صحت خاص الخاص خلوت به کونه
رغبت هایون ندری چاکر نعم پرور لرینه و خرمورث مستر
و انشراح و موجب فرحت و ارتباح اولمقدن ایفای مراسم

شکری

تشکری عرض قیت مالوفه وادای عهودیت معاومه

نعم الوسیله اتخاذا و لنمغله رکوب هما یون جهانبا نلرینه

عدم شایستگی و لیاقتدن هزار شرم و خجالت ایله برار

دونا منش نکجا و مطبوع المنظر تقدیمینه جرات اولنمست

دائم الظهور بندن نوازانه لرندن هر نقد رنا چیز و بمقدار

ایسه دخی لطفاً و عاطفه کسین کذرگاه نگاه التفات

بیور لقی ایله بندن شهر منده لرینک سر ایتلج و امتیاز

ر سیر فرق فردان بیور لقی با

فراج هایونه بر مقدار علت طاری اولد یعنی استماع

اولند قن باز بیان مختصر

جناب رت فذیر جل عن الشبیه والنظیر مدبر اجسام قائلان

و مصحح علل جانیان اولان وجود لطافت اندوخته

و ذات خلافت سمات ملکانه لرین الی آخر الایام

سبر شوکت مصیر تا جدار بدن کمال صحت و عافیت

ایله استدام و صورتی و معنوی عوارض عللدن محفوظ و قائم

بره نام ایدوب عافیتدرین وسیله عافیت بندگان
 و تندرست و صحتدرین ذریعه فوت و قدرت جاگزین ^{ایکدن}
 خالی و لمبیه آمین بجاء من له قیام السموات و الارضین ^{کستو}
 افندم ذکات صحت ذات همایون مکارم مستوحشدری ^{لمق}
 اوزره وونکی کون عروض طریانی مشهود جاگزینم اولان ^{رضه}
 مانکت باعث اضطراب جسم بی نام اولدنی استعاریه ^ل
 واندفاعی استکشاف و استیجا ضمنت قلم بند کانه مایه
 تحمیر و تقدیمه اجتار اولنان ورقبار نک منظور
 نظر غایت اثر پادشاهانه و کذک مستاویر عاجزانه ^{مکت}
 مقبول طبع لطافت کستر شهنشاهانه اولد یغندن بشقه مایه
 اکیر سعادت و اسرار لال بضاعت مفاخرتم اولان ^ع
 خیر سریع التأثير ولی النعمانه لرینه مظهر تنی تبسیر بابند
 بباض اوزرینه کسید غایت بخش صدور اولان خطها ^{یون}
 نوارش مفرون ظل التسلیمی سایه انداز فرق بهنجاف و افتخار
 و ازادی بخش قبه آلام و اکدارم اولوب اسیر کشمکش ^{نخ}

اصطلاح

اضطراب اولان دل بی تأبیه باعث حیات مانع
 و مورث مسترت بی انداز و مغلله پائیدن فرزند^{بغ}
 انهای جایت اولان فرزند و عمر و دولت و زنی^{صحت}
 و عافیتدی دعوائی قطرات کریمه سرور ابله شاد و^{ست}
 نضیع اشتهال ابله مرفوع درگاه رب الارباب^{فلنم}
 جناب پروردگار زیور بایع سلطنت و ارایش کلین
 دولت اولان کلبه کت وجود لطافت نمود لرین^{موج}
 طراوت بایع بنم اعتدال و زینت بحس صدیقه مجد و قبا^ل
 اید و بعلی الدوام اصابت حسیم زحم روزگار^{مصون}
 و از روی خار خار اکر ارون محفوظ و مامون ابله آیین حق
 حاکم غایت پروردگار بولطفه بنده نوازانه لری و^ح
 الطاف مالوفانه لرندن بشقه کل روی سید التفات^{اطلاقه}
 سایان و شکر فراوانه ارزان لطف بیکران و مغلله صد^ن
 عجز و قصود ابله شکر سینه ابتدار و نندینی معلوم مکارم

مرسوم جهاندار یلدی بولوقه

طوب دو کله کی وقت

و عونت هما یونی منجی

جناب نظام بخش کارخانه تکوین و ایجاد جل عن الاشیا
والانذار مربی فزات مکارم و معنوی اسطقات مرام اولان
وجود خورشید نظیر ظل اللهی و ذات تابید سمیر خلافتنا انید
هموار سیر آرای شکوه و شہامت و ترتیب بخشای
اسباب فوز و نصرت ایدوب تنظیم امور مملکت و سلطنتین
کافه تدابیر و تدبیر لرین قالب تحسین و فبقنه افیاع و مدافع مهم
کرده انداز خسر وانه لرینه سینه اعدا و مخالفین و غایب بالای
واغ ایملدن خالی اولمیه آیین بجاه النسب الابهن شکیستون فندم
مراسم قدیمه دولت علییه و لوازم مستقیمه سلطنت
سینه لرندن اولدین فی اوزره بود فقه طوبخانه عامه لر کی کا
خانه سند قوالب مطبوعه متنوعه یہ سبک و اضاعه
اراضه هایون جهاندار یلدی بیوریلان طوبلرک مباهن بهم
خسر وانه لرینه دو کله کی نظامی یزیرای انجام و اجزاء سبک

واندی

واندای رسیده سرحد التمام و قوام اولمغله ان شاه الله يوم
 مبارک سبده اختیار اولنان ساعت فیروز سده
 ریخت و فراغدرینه مبارکست مصمم و منوی اید و
 علم جهان رای پادشاه لرینه روس و جلی اولو
 و کاه و کاه بومست لود و کم موسلمند مفیض بین و برکت
 اولان قدوم بهجت رسولر یله طوبخانه عامره لر لطفنا
 و عنایت شریف و باجمله حضار بنده کان و او جاغ
 فرزورک رجال و ضابطا نشین نواز شمس و لطیفدری مقضایه
 بند بر وی و مبتغای شیشه عنایت کسری لری اولد
 بشقه تخصیص اضافه اکیر نظر مکرمات اثر لریله طوب و
 طوب بچیکرک ایلدری التون و عمل است صنعتدری مطبوع
 اولمگنه جزا خیر علت نامه مشابه سند اولد یعنی محتاج
 و لیل برهان اولامغله بمنه سبحانه یارنجی روز فیروز
 شنبه در طوب زرین مهر منیر قلعه افق شرقی سندن نشر کرات
 اشعه و انوار ایلد تسخیر اقلیم ایام و تدبیر حبیب طلام در کار اولد

یک ساعت نجومی گذارند ساحت هیبت ساحت طوخی این
صیت و صدای آنها مندریه و لوله انداز بسط غبار و حصر
زین بوسه عنایت لری امان فسیله عطف لریه این
پرواز و عابور ملق وزن مفرد کشتن ادای ساحل لریه
توجه فکله عنایت و تحریک معاذیف کرم و عنایت
بهور لری متناسی تقدیم تمخیص جاکرانه مع باعث اجتر اوله
محاط علم الهام انسانی شمس امان لری اوله قد بر منوال
محرر هم تماشای صفت اصاغده به امانه کحاطه مکرمست و هم
عاجزانه ترتیب اولنان توله حاضر بنده کانه به حاله بنان بل
و رغبت بیور ملق ایله باروی افتخار و عبودیتم تخصیص و
وساطت اعتبار رستم ترین و تمکین بیور ملق بنده

نخبة الملوك نامند
اولنان فالبون الحجة

جناب فرمان فرمای جبر و بر و فیض بخشای عوالم خشک و
معالی سانه عن بطرق العیر مایه آسایش عباد و مادی

اراسل

آرامش بلاد اولان وجود دریا جود خداوند کار
 و ذات شہامت نمود تا جدار یدین مادیام اجتماع ^{فدین} القز
 زبور سلطنت برین وزیر فکله حکومت بحرین ابد و
 نسایم غرایم خسروانه برین موج انکیز بحر شکوه و شہامت
 و طوفان خیز خضم مهابت و جلالت ایلکدن خالی اولیب
 آیین شوکت و افتخار بمنه سبحانه عنوان بحر رانی سلطنت
 و شان حکم مطابق دولت تدبیر و تدبیر اوزر و مفر سفایین
 اقبال و مرسمی مرکب اجل و کمال و کمال رتبه عامه و رتبه
 محافظه سواحل و جزائر و محاربه مراسمی و بنادیرا چون ^{الدوام} علی
 ترتیب و انشا و تجمید و احوال رینه اهتمام اولونه کلان
 قالیون کوه نمونردن بواشانه معارفی بهمت شاهانه
 و هندسه کاری غایت شهنشاهانه لریله لشکر انداز
 ساحل انعام و سنجق افراز کنان اختتام اولان مراد به تحفه
 الملوک نام ایکی قطعه قالیوندر ان شاه الله تعالی بار نک
 مبارک خمیس کوفی ساعت اوچدن اکین روی دریا به انشا

در معاد قدیم نخبه نعت سهولت و درخواست فروز
 غرور و دست یکنه فوج قزاقین و ادعیه اجابت آیین مرا
 اجرا و لقمه تعلیم و لوب علی باجری العاده تشریف
 بهما بون کمرست افاده لری امینه سیده تبرکات و نبت جای
 آسایش و تماشای بولمق ایچون فیودانه هما بونری صد
 اختیار و سایبان ظلیت عنوان ناجدار بدری نصب
 و اختصار و لقمه محض عطفوت بند نوازانه لرندن لطفاً
 واحساناً وقت موعود و موعودن نیم ساعت مقدس مجرای
 مکارم احتوای پادشاهانه لرندن حرکت و توجیه کلان
 فکله غایت بیورلمق امید به زوارق آمان بندگان
 دستخوش امواج انتظار در سن بریدن لنگر اخطار
 اولد قلندن غیری رونق مسکن و بیای بی اولان^{اطلس}
 مانی رنگ دریا سمند بگری صندل هما بونریله
 احراز شرف پای اندازی زمبسنند شهره نیاز و تمنایه
 جبهه و نسا ایدیکی معلوم مکارم انتهای ملوکانه لری بیورلده

فیض

فیض خدا نام فالپون در باب الف اولند قی یازین

تخصیص موصوفه

جناب مرسل الیراج المبتدا و مجری البحار المنست
تقدساته عن نقاب بعض الصفات غده ناصیه سلطنت
برین و دره اکلیل حکومت بحرین ادلان و جودیه
خسروانه لرین همواره تحریک نام توفیقان^{نهیج}
مخایل نایبات ایل موج انکیز شکوه و شامت و طوفان
خیز مهابت و جلالت ایدوب و رضه دولت اید
قیام و لیمان سلطنت سطوت اتا مدین رسای سفین
اقبال و مقرر اکب اجل اولمقدن خالی ایلیمه آمین
سوکست لوا فندم بتوفیق سبجانه لازمه شان دولت^{ایست}
ماثر لر ی اولدیغی اوزن محافظه سواصل و جزائر و محار
راسه و بنا در ایچون علی الدوام رسانه عامه لرین
انتا و ابلع و ترتیب اخرا علی در کار اولان فالپون
بود دفعه معاری فوضات خسروانه و هندسه کاری عطا^{ست}

ملوکانه لر به رسیدن ساحل انعام و زیب افزای کنکاش
 اختتام اولان فیض خدا نام قالیون کوه نمون ان شایسته
 یار یکی مبارک سبت کونی ساعت او چن یکمین و بی دین
 الف و معتاد دیرین اوزن تحدیث لغت سهولت
 و فرونی نمود و دستری ایچون فج فرا بین و او عجب اجاست
 قرین حراسمی اجرا اولمنق مصمم اولمقدن ناست علی ماهو
 المعناد شریف همایون بهمنز افاده لری و قوعنده
 ذات خلافت سمات خافانبدی ایچون تبرکا
 و بهمننا آسایش و تاشایه قیودانه همایون لری صدری آتیا
 و سایبان طلیت عنوال لری لضب و احضار اولمنق لطفاً
 واحسانا وقت معهود موعودون تخمینا نیم ساعت
 مقدمه حضور مکارم مو فور پاوستا هانه لری اسند قاسمه
 سخن مال حضار بنده کان مال مال حموله انتظار و جبهه
 بساط ارز و هر به حال اسوج کنار اولد فدردن باعدا پیر وجود
 و سخای بی انتهای لری اولان خواجه ثروت استنار در باخا

شکسته

شکسته موج دریایی و اطلال مسکنای مایند سمند بحری فلک
 بها بوندینه احراز شرف پای اندازی امبدیه هر حلقه
 موجه دن بردین بر جیح انتظار ی کشاده و باز ایلد کی
 محاط علم محیطی الانای عالم ارای ظل اللبیدی بورد ^{فد}

منصوریه نام یکی قطعه قالیبو
 کنینند یازیدان نمنجیک سیده

جناب فرمانفرمای ما و طین و حکم ران اقطار سموات
 و ارضین جل شان و بهر برهانه مایه آسایش عالمیان
 و مانه ارامش کون و مکان اولان وجود مسعود پادشاه
 و ذات منصور السمو و شاهنشاه پیر بن مادام اجتماع
 الفرقه بین عنوان طراز سلطنت برتین و علم افراز حکو
 مته بحرین ایدوب عواصف سطوت خسروانه لرین طوفان خیز
 شکوه سهاست و نمایم مکارم ملوکانه لرین موج انگیز
 بحر شفقت و عنایت ابمکدن خالی اولیه این بجاه
 النسب الامین شوکت لوا فدم عنوان مجمع البحرین سلطنت

و فخر من مطیع السعیدین و دستری اولد یعنی اوزره مرط
 سفاین توفیق و نصرت و مرای مراکب اقبال و شفا
 اولان ترسانه عامه و لرزه محافظه جزایر و سواحل و محار
 بنا در و معارف اچون علی الدوام ترتیب و انشا و تجوید
 و اجزای ماصدق و له احوار الممشات فی البحر کلا علم
 اولان قالیون کوه اندام و دن بود فقه و حنی معارفی همت
 بهینا و بهندسه کاری غایت اعجاز غالی ابله زیور
 ساحل انعام و جلوه کفایت اختتام اولان منصوبه
 و مسوویه نام ایکی فطه قالیون که فخرین بحر طویل نصر و شفا
 انشا الله تعالی بار ایکی اثنین کونی ساعت اون
 ایکی بی جاربک مرورنه روی در بایه الفا و بر معناد
 قدیم تحسین نعم الهی و درخواست فزونی عود و دست
 خلافت پناهی اچون فوج فرا بین و رفع اعلام و غنیه اجابت
 آیین و اسمی جوا اولمنق مصمم اولد بغنه بنا، علی باجوی العا
 تشریف هما یون کمرست افاده لری امینه سبله تبرکاً و تمیناً

بحالی

جای آسایش و تماشا بهور ملق چون دو نهای هما بون
 قایم نمدن اوج انبار لیکن صدری اختیار و سانه
 ظلیت عنوان پادشانه لری نصب و اختصار اولمغله
 محض عطف بند نوازانه لرندن مطلقاً و تکما وقت
 موعود و معهودن مقدمه شریف هما بون مکر متمفر و نه تو
 سکان فکله غایت و تحریک مقادیر زور فیه
 عطفوت بهور ملق بهواسیله سفن امانی بندگا و سحر
 چهار موجه انتظار و رسن کس لیک آرام و اضطراب اولمغله
 غیری رونق شکن طلسم آسمان اولان خار شکنه
 سوج دریا های بحر صندل هما بوندرینه احواز شرف
 بای اندازی زینندن جبهه فرسای ساحل نیاز و استعدا

ایلمد کی معلوم و و لندری بهور ملق

مرثیه جریسته هکد کن بر وجه معانی از بیان المنجی

جناب تبرک بخش کن مقام شرف افزای خدمت خیر
 و رونق آرای منقبت قلبتین اولان وجود فیض آلود خمره

و ذات یمن اذ و دملو کانه لرین مطاف فواقل اقبال و مسکا
 و فوداجلال الیکدن خالی و لمبیه آمین بابنی الامین کینلو
 افندم غزه ناصیه دوران و واسطه العقد فردیه زمان
 اولان ايام مباح من اتمام ظل التمسید بنک هرجه
 مظهر امن و امان و مجلدی رفاه عالمیان اولد یغنه بونه
 عمیمه المیمنه و داخلی براعت استملک و نعم الفال اتحاد
 اولنان حجاج ذوی الایضاج سعادت سہلاج و با
 رامله بندان طوائف بیت الله اکرام و مستافان
 زیارت روضه مطهره سید الانام بتوفیق الله الملک
 العلم مصحوب امن و سلام و قرین فاه و ارام اولد
 حاله اغتنام نعم عود و قنول و بلدن شام بہت اہل
 اما حہ جمان و وصول ایلد کلرینک خبر بہت اثرینی حاد
 و برعت اقدیم فافله رحمت رامله حجاج ایلد استصحاب
 اولنان لوی سعادت التوا و محفل میمنت احوانک
 محسنہ سلیمین محنوی حجت سرعہ و سائر تحریرات ایلد

مرثه جی ہائے فولتری بوکوند و رود و بوئید جانتش
 جدید الیہ جملہ بندگان اخلاص شامدینہ افاضہ سرو
 ناسعد و دایمہ بویہ بویہ فیروز ایام مبارک خط
 الہام مطاہرنا جداریدینہ مخمورث نشاط و انبساط
 اولہ جی مجرّم جا کرانہ م' و مقدم ہائے و رود ایدن بجزا
 بعینہا منظور مخاطبہ عنایت شورری ہو رملق اچون مرقع
 رکاب مستطاب جہانداریدری قلند بقی معلوم مکام

مضمون خلافت پینا بک بولند

دعوت ہمایونی شعر

یازینا نخصک سید

جناب مفضل البر والنعم مغالی شانہ و تقسیم برہانہ
 سعدن من بیکران و منشاء نعم بجد و بی پایان اولان
 وجود فیض اند و خسروانی و ذات و ہب آلو جہانیا
 الی انقراض الادوار و بہیم جلالت ندیم تا جداریدینہ و انیم
 و برقرار و ثابت و پایداریدوب رونق شکن تیرا عظم

اولان وجود سعادت توأم ظل اللمیدین مانند افلاک عالم
 شمع پیش قطار جهان و پر توریز و ریجه امانی و آمال عالم
 اینک سباقین افاضه نور قدم بهجت نشور ریله زوایا
 بیوت جا کرانی رشک بیت الشرف خور و رواقی پیش
 بند کانه روشن بخش سرور ایملدن خالی اولیب آتین
 شوکت و فخر مبدول کافه جهانیان و مبط و اثره کون
 و مکان اولان الوان نعم فراوان و اقسام کرم بی امتیاز
 حلوا لذائق رفعت و اعتبار و بلند طاق کاستانه مینا
 و افتخار بولن فولادی مایه خمیران و نعمت و ماده منتقا
 چمنان کننی اولان ولی النعم کروبی سیمینک علی الدوام
 شیرین ساز کام آرزو و ذائقه نواز مرام و بگو
 اولدیغی معجز روح پرور عنایتی وقت و وقت زیور
 مبلغه زرین آواز و آرایش حقه فخر اکین اختیار اینک
 امینه سینه سیده ترتیب سهاط عبودیت و زین سهاط
 رفیت اینک نکلان خوانجه عادت و پیرایه کناره

نکته

شهرت اولوب و بتخصیص اعقاب اعیان و مسرت مباد و
 امری و معناد و ملق حبیده بنده سمنه لرنیک و
 بود فقه زرتیب ساز قدرت عاجزانم اولان نواله و
 حقیقانه سمنه حواله انگشت اجابت و اماله کوشه
 جسم عنایت پور ملق مقضای سمنه کریمانه و بتغای
 بنده نوازانه لری اولد یغنه بنا، و حق جا کر نعم پرور لرنیک
 الی هذا الان سرزده سنج و ظهور اولان محکام غیر محسوس
 ولی السخانه لرنیه اغترار مبارک سمنه لرنیه میا من و دیف
 خسروانه لرنیه سدی ضرعت ناوای بند کی یه انجانه
 انواع خیر و برکت و افاده اقسام مین سعادت پور
 مناسی تقدیم حاضر استکانت و ابتها له باعث ابتداء
 و اجزاء اولمدر هر چند کوه هر عالمهای اکلیل سلطنت
 و مهر جهان ارای اوج اقبال و دولت اوله ذات کز و
 سماحت خسروانه لرنیه شایان و معروض پیشگاه
 عنایت مستکانه ملوکانه لری و ملغیه ارزان اسباب

واجبه تعظیم و تکریم و اثاث لازمہ تجلیل و تعظیم بیرون و درون
 وسع و قدرت و خارج مانع آب و مکتوم اید و کی طاهر
 به استبداد ابصر مالوف و معاد اولد یغیم مرحوم بجز احسن
 شهنشاهی و مکارم شفقت ملازم عطوفت پناهنده
 ان شاء الله تعالی استو مبارک اثنین کونی داغ اهل
 اولان اسم بکرمست نوید لر یله ساعه پنهانی
 جاکرانه هم بکوکبه سپهر دوار و سر صداقت اثر
 بند کانه هم رسیدن وزوای اعلا اعتبار و افتخار بیور
 اسند عاصیله در بچه دین ارزو و امید کشته شمره
 انتظار و کالای جبهه نفع و نیاز خیال پای اندازی سمنده
 بیتاب و بیقرار اید و معلوم نموا رسوم بند نو زیدی اولد

صدر سابق علی پاشا حضرت نیک ایمنی دفعه صد
 تشریف دهنه اسکدر فرینده محمد پاشا قصر ندرت
 اونان بیکلکه کاب همایون احسان اولن
 دونا نشر اسب و مینک لشکر بی شعریا زیدان مختصر

حاج

جناب کاشیخ شش غنچه اقبال و جنبش نای خوش
 خوشترام اجلال نزه دانه عن الشبه والمثال وفق مسعود
 کمین سلطنت و پیرایه کرسه طغرای دولت اول و وجود
 سعادت نمود ظل الهی و ذات مهابت یات ^{فت} خلا
 پناهی بیدین و همون سرب کاشیخانی و فرغ مابین
 مستدام و شبیدیز تند بجام ایامی عنان را دست
 خسروانه لرینه رام ایدوب ^{طفند} خوان لذیذ النعمای ملا
 نقب زوای باویه کردن فرقت ایملکن خالی اول ^{تین} و لینه
 بجاء النسبه الالبین شوکت لوا فندم همتا نیر کسیر امانی
 و امان هم فیض نوبتای جلا بخشای سعادت اقبال و لان ^{شکست} خا
 سرب بهت سمیر لینه نوبت و دین رفقت و تکبر بر و ^{شکست} سنا
 جیم ضاعت لغتی که اشک کن قول اولن مصرع ^{کده} سلطان اولدیز
 مصرع پرایه فص زرنگار اعتبار و مطلع منظومه ^{کده} مستند
 و افتخار پیر اول لغت غیر مترقبه عظمی و اول منقبه
 جلیله عالمها ناکت ارزوی نیل و غمتنامی عنان ^{کده} ربا

تکار آرام و طاعت فرمای مطایای اقدام اوله رقیب
 دلکشای اسکدره بیککرت ترتیب اولان نصر محمد شاه
 وصول سایه عنایت ظل الهی برین براعت استیلا
 مقامنه فایده سانه کلخ دلارایه بنزول شانسده چاکر مکر
 پرورد برین لرینک از قدیم یکم از عرصه عبودیت برینده
 قصب السبق نوازش عاطفندی اولد بقی تا کید اصطبل
 عاطفت ولی النخاع لرندن احسنم عنان شهنشاهانه کرد
 اولان برینش بفرین دل دل خرام و سمنند فرزند
 بطل مطلق بجام ایلده پیاده نطق رقیبندی رتبه و نشین
 رفیع و اعلام و فرس بیاب لیاقت و استیلا تان
 جنبش و قوت اعطایه بور مغله حق چاکرانه مدد نزول
 و دور بوانه دکت جلوه کرد مجلای ظهور اولان بنجایه بوال ملک
 لرینه بو عنایت بنده نوازشی فی خیال و بال و لمفدن تاشه
 نوسن اقتدار عاجزانه می پنهانی عای عمر و دوستدارن ببقرار
 ایشمش در جناب برارنده چرخ بوقلمون و جولان و هندی نفقه

خاتمه

خفت کرد و نالی نقضاء الدوران طاق معلا روق
 سلطنتدین سجد کاه اکاسره ازمان نخل کلکون
 سطوت مهابترین دواغزن پیشانی کشتن ابدو
 کوکب اقبال خدا دلبرین مانند کل خورشید تابنده
 درخت و درویش اعدا و خدا دلبرین صوب جان فخر فخر
 ایله کوی عظمای ایملدن خا اولیه آیین بحره البنی الامین

تبریکت هنگام ندای طبع هایون و عرض تقدیم اولی
 بدایای محمودیت منجون قبولی رجاسته حاوی بازیدان منجید

عرض بند ببقدر بود کج سوکت کوکرامتو مهابتو
 قدرتمو ولی نعمتم افندم یادشاهم جناب تاثیر بخش
 ندای و تدبیر جل عن الشبیه والنظیر روح جوم عالم و تو
 عیون بنی نوع آدم اولان جوهر وجود لطافت کبیب
 ملوکانه و همیکل ذات شفقت تخمیر خردانه دلبرین مفاقی
 اعراض اسقام و مقارن صحت تندرسته نام اولد قلک
 حالن سریر ایتبت مصیر جدار بدندن موبد و مستدام ابد و ب

بینه دولت و سلطنتین مصون عارضه سوء المزاج و مستغنی
 غائله تدبیر و علاج ایملدن خالی اولمیه آیین بالین الیه
 شوکتلو کرامتلو قدرتمو ولی النعمتم افندم بر مقضا
 حکمت بالغه صمدانی نسخه عجیب الت ترکیب انسانی
 اسطفاات متضاده کیفیات و خلط متباینه الحاله
 متالف و اعتدال فرجه آدمی بهر حال تنویه بین الاضداده
 اولمقدن ناشی کاه و بیکاه استغنی خلط غالب و تغلب
 صورت مختصر متغالب الیه تدبیر طبایع بشری بتخصیص
 روح جسمان جهان اولان لطیف مزاج طلبت امتزاج
 کسر لربنک مراعات بضعفه و تنقیه سی باعث صحت
 عالمیا و مورث تندرستی ادمیا اولد یغنه بیا، بوروز
 فیروز عافیت اندوزده اراکه الهام افاده مداوایه تناول
 شربت دفع الثقل مورث الخفیه میل و رغبت هما یون
 بیورلد یعنی باعث الشراج چاکری و مورث ارباب نغم
 پرور لری اولوب شرب تناولنه اعتبار بیوریلان

دوائی

و دای لطافت افزا رینک مستند کمال صحت و شویب
 غایه صفا و راحت و لمسی و خواننده در کار و بو تقریب ^بتفریب
 و طیفه لازم بند کانه م اولان عرض عبودیت با دئی ابتدا
 و اجترار و نمش در جنا خالصیت بخش عفا فیر و اجزا
 و ترتیب فرمای مقدمات قانون شفا مطب ^بتخت
 ربانیه و دار و خانه عاطفت سجایه ^بسند احسان ^بکفایت
 حسن تاثیریه بود بید و لپیذیر برین قوای لطافت ^بانتها
 خسر و بند برین مایه تعبدیل و ترویج و مواد رویت لازم الارله به
 مودی تنقیه و تنقیح ایدوب همون وجود لطافت
 اند و دلو کانه و ذات خلافت شهو شهنشانه لرین غلبه
 اخلاط اکدار آلامدن مصون و صوری و معنوی انواع
 علل و اسفادن نامون اینمکله الی آخر الا زمان بیتنه سیر
 سلطنتیه افاضه روح و قوت و انا فانا افاضه روح
 و بضارت اینمکدن خالی ایمیله آیین پایه سیر بهت
 سمیرنا جدار بیدینه هزار عجز و فقر ایلده عرض و نفقه ^بجنا

اولنان هدیه حقیرانه و برکت سبزه چیرانه مکات
و خاستند انماض خطه التفات ابد لطف و عنایه ^{مشتمل}
نظر عواطف اثر حسن قبول پورلق مسئول مستند ^{مستند}
جا کرانه اید و کی معلوم مکارم مرسوم ظل الکبر پورلد ^{قد}
امرو فرمان و عنایت و احسان شوکتو کرامتو
مهابتو قدرتو و آئی نعمت فندم پادشاهم حضرت نیکدر

نغمه طیبه طیبه ایچون و روایه خط هایون و شوکتو ^{نکست}
جواب و بعض جا کت بجایش و تبدلاتی مشر فخر

عرض بندگی همیشه بود که شوکتو کرامتو مهابتو
قدرتو و آئی نعمت فندم پادشاهم جناب فیاض لایزال
فخو الکرم المتعال حضرتی زینب فرمای لوازم دین ^{مبین}
و تنسیق نای مراسم دولت ابد قرین اوله وجود عنایت
اکو دجهانی و ذات و خود کثور ستاینده بن همیشه
آرای تاج و تخت و لکین ابدوب ارا، صائبه شهر بار
و بار، ناقبه جهاندار بدین تنظیم امور دولت و دین و تمیم

شون

ستمون سلطنت ابد رهینند قربین توفیقات ربان و فرزند
 تقدیرات صدقانی ابدیه آیین شوکت لو کرامت لو مهابت لو
 قدرتمو ولی نعمتم اقدم عطا فرم اولان قلم عبس م شاهی
 ابدیه بیاض اوزرینه کشید و یکید بیوریلان مبارک خط
 مکارم نطق هما بولدی راحه پیری عبدریقت انما اولوب
 اولدینی مضامین بابت قرینی مفهوم و معلوم جا کرانه م
 اولدق هر بر حوض نیجه احکام دیانت ارسنه ظرف
 وزلال معنویات سطوری اویله ماکن ملائک شوکت اجرا
 لوازمی بیاندن مانند بحر شکر فاولدینی تیقن اولمشدر
 جناب رب العزة امور خصوص سلطنت سینه لرین دم بدم
 عنایت از لیه سینه توأم و قدم بر قدم مراضی جلیه سینه رفیق
 و همدم ابدیه مرد و فرمان هما بون بیورلدینی اوزره تعمیر طیبه
 طیبه به مامور و نسیر قلعه حق قولدی بمنه نقار انکی مبارک
 جمعه کونی بعد التغبین برینه بوندن اقدم فایضای جا کرانم
 و قندرنه کتذالق خذ متذرع سخدم اولوب اوان

لوازم نامور به سنده فی الجمله کنت و درایت ایله موصوف
 و مقادیر بند کان صداقت نشانی مراعات ایله موصوف
 و احواله بنده اصلاح موجود کور بنان پیر مصطفی اغا قو لدری جمله
 مذکور سندن اعداد دولت پادشاهانه لرند کنشائست
 و بار ایش قو لدری و ملق حبیلان شایسته الباری ذیل
 طمعدن و خی عاری اولدیغی ملحوظ اولغله مومی الیه قو لدری
 ستمک کنشائلق خدمت سندن استخدام اولمق و انک ^{حلند}
 سپاه اغا لقی فی الاصل غالیق مرفوم ایله مرسوم اولله حال
 باشن فی قوی کوسه علی اغا جا کر لرینه و انک بریخی مقدا
 بر و فعه منصب مزبون نامور اولوب فی الجمله کار کدار لقی
 مشهور اولله عیدی اغا محلو کلرینه عنایت و احسان بیور ملق ملحوظ
 عبد رفیق استانار لری اولغله ترتیب مذکور قبض استانا
 اولله آراء، ناهناک جهان پیمانه لرند و خی روشن و هویدا
 مشاهد بیور لدری فی حاله مومی الیهک بر وجه مسطور خدمت
 مرقومه به تعیین و نامور قلم لری خصوصاً سندن اذن و تراست

تتم

خزن آبدار یاری ارزانی و جاری بیور پلور ایسه و با باده
و هر کویه سوال جواب امر و فرمان و عنایت و احسان کینلو
کرامتو مهابتو قدرتو ولی غنیم افندم پادشاهم

حضرت سیدکدر

بعضی حدیث محافلینک بحسب الافضا
تبدیلاندرین استیذان ضمنی یازیلان تمخضدر

عرضیند بمقدار بود که شوکتو کرامتو مهابتو
قدرتو ولی غنیم افندم پادشاهم جناب موجه ناز
ام و مرتب مطالب نوع بنی آدم جلالت الاذه و تناسل
نفاذه حضرت می تنظیم بخشای کافه امور و تنسیق فرمان
سرحد و شعرا و لان ذات مراحم مو فوراً جداری و وجود
ماور شهر یاریدین هموار رونق افزای اریکه جهانیا
و سریر آرای بهت و کامرانی ابد و ب فیاضه دریا با
عنایتدینی مضارت بخش مزارع آمال و شارقه
مکرمست مدار عاطفتدین بهجت افروز کاشانه اجلال

اولیه خالی آیین شوکت کو کرامت کو مهابت کو قدرت کو
ولی نعمتم افندم بوندن اقدام مبارک پایه و بهیم کرد و به
خدم خسروانه لرینه عرض و تقدیم اولند یعنی وزره بو خلا
سحه دولتند وقوع بولان بتدل اختلال حسب ایله دولت
مرفوعه ایله محمد و اولان سرحدات وزیرای عظام
بنده لرندن احراز شان و نام تشریف و لدرینک وجودی
مقتضای حاله موافق و مزاج مصلحه مطابق تصور اولند یعنی
بناء حایه محافظه سند اولان صدر سابق محمد پاشا
بوسنه یه تحویل و مشار الیهک و امدادی اولوب سلا
سجانی متصرفی اولان وزیر حسن پاشا قولدری فی حق
محافظه سینه نعین بوسنه و الیهی حسن زاده عبدالله
قولدرینه دخی سمد ملک سلا سلا سنجانی توجیه اولمنق
بابنده مساعد بهیه ملوکانه لری جاری و ارزانی بیور
لکن دین جانب لری دخی دولت مرفوعه به ملاصق سر خدا
اولوب جانب مزبور هر دخی تحصیل دستمایه دفع و استی

ایمن

ایدن و زراون برینک تقریری و بلغزاد محافظه سینه
 طوایف عسکریه نک وخی ارانت صورت توقیری کذ
 اقتضای وقته نسب و بصورتی مشارالیه محسن
 عبدالستار پاشا بنده لری نیکبولی سنجائی ایلده و دین محافظه
 و دین محافظی مصطفی پاشا قوللری وخی سلاطین
 ایلده بلغزاد محافظه سینه تعیین اولمادی امر مستصوب
 اولمادی مطمح اشعه الهامات ربانی و مهبط اجله
 صمدانی اولانی مبارک ضمیر لوح سمیر خرد وانه لرندن
 تقریب و تصویب بیورلد یعنی صورتی عواطف علیه
 ملوکانه لرینه برینوال محترم مشارالیه عبدالستار پاشا قوللری
 و دین محافظی عثمانیده نیکبولی سنجائی و سلفی مشارالیه
 مصطفی پاشا بنده لری بلغزاد و محافظی وزیر احمد پاشا
 قوللری محبتند خدمت محافظه به قیام سر طبله
 سنجائی توجیه واح و او مرمر بفره لری اصدار و
 لرینه ابتدارا و لنمون بایسند اذن همایون عطا فت نمون فی

ری سبذول و از رانی بیور یورایه اعر و فرمان و لطف
و عنایت و احسان شوکت و کرامت و مهابت و قدرت و
عظمت و عطا و عفو و ولی نعمتم افندم یادشاهم حضرت ^{بنگد} ^{نیکد}

نخچ چاساری و متفقه سه چاریچک همعنان و ادنی بوار
اولمسخ اخبار و بعضی دایر مصالح ضمنی عرض و تقسیم

فنان مخیص لطافت شعارور

عرض بندیم بمقدار بود که شوکت و کرامت و مهابت و
قدرت و ولی نعمتم افندم یادشاهم جناب سبب ^{سبب}
فوق الموفق بلا اریاب حضرت قری قطب دائرة بخت خدا
و فور با صرة دولت خلقت بنیاد اولان و وجود ملا
امداد و پادشاهی و ذات سلیمان نهاد و طلیت پناهیتین
نیجه احباب و سنین اورنک سنین بطلت و تکلیف ابد و
ایام فوز انجام همایون و تدبیرات قدرمهمات الهام
مفروندین استیود دولت روز افزونه مایه فیوضات
کونا کون و سبب ملتجائی صنایع بدیع سکون ابدیه آمین

نوشته

سوکتو کرستو مہابتو قدرتمو ولی نعمتم افندم
 قوت بخت جہانیانی و ہمت خورشید رخت کشور ^{نیک}
 اثر و اثری و ملق اوزرہ ابتدا نچہ چا ساری کبی دشمن بد پیمان
 رہر و ورکات نیران اولسندن و بعد متفقہ سی کور ^{نیک}
 چارچہ خبثت تشاکت دخی خضرہ حوامان چا سار مسعود
 ہمعقان قلمسندن نچہ دولتی دائرہ سندن و بلکہ عموماً اوزرہ
 اہالیسے بنیرندن و قوع بولان اختلال و انحلال کہ اکثر
 بعضیہ موجب خسار بیشمار و نچہ آخر لہ سبب فوائد
 بسیار اولہ جنی واضح و اشکار در بناء علیہ دولت علیہ
 روز افزونی دخی حکمانہ حرکت فی عین السکون و ادیدن
 بہت نمون اولق مصلحت وقت و حالہ مطابق و از جملہ
 بوخلالہ نچہ لویہ احمہ و اولان سرحد آتہ ^{الیم} حراز امتیاز
 قولرندن برینک بولنمے حلیب منافع مزاجنہ موافق ^{سی} کور
 و ونکی کون در مکت مفر علیہ لرینہ بیان و استبدان اولند
 اوزرہ حالا خانیہ ہ اولہ صدر سابق محمد پاشا قولر

نجه کفره سنگت ابتدای نقص عهد من ساله التماس
 و قترینه کلنجیه دکت و دین سرحد لرینه وار دوی های پونگی
 عسکر لکته نامور و مختصن بوزلق حبیلہ عون عنایت باری
 و مختصن ہمت جہانداریدری نتیجہ سہ و ملق اور زہ مسفور لک
 مبتلا اولد قمری لوازم قمر و تدبیر و دولت علیہ لرنیک
 موافق قلند بنی لویج فتح و ستیجہ مشارالیه قولد لرنیک مشہود
 و مجرب اولد یغدن بشقہ کفرہ ضابطہ ایلہ نجه دفعہ محاربہ
 و مشاجرہ سی درکار و لذت طائفہ مرقومہ بیمنند
 وخی رتبہ اعتباری بیدار و اسکار و ملق لمحوظ و محفوظ ^{لمخلہ}
 مشارالیه قولد لرنیک بویله و قترہ بوسنہ سرحد تنہ
 بولنہ ساز لرنہ ان لب و بو حالنک بمنہ سبحانہ
 نجه فوائد خفیہ بہ مودی اولد جنی روشن و میرامن کورینو
 بناء علیہ کند و یہ بوسنہ ایا لقی توجیہ و بران اقدام محکمہ
 سوق و تسیر قلنق عین تدبیر تخیل اولنہ در خصوص
 مرقوم مجملای حایق اشیا و حرات صور الہامات

فی منہ

بی مستها اولان نهایی فیض استوای جهان ارا لرنگه مره
 بعد از وی وقت وزمانه البق و احوی شایده بیورله
 صورتی بود دفعه آق دکر محافظه سنه نامور قلنان قره و له
 قابولندینک برینه ریاله سنجائی ویریلوب قره و له مروره
 محبتنه نامور ویکر قره و له نک و اق دکر فرقه لرینک
 آوز لرینه باشیغ نغین اولمنق و جهیله دولت علیه
 صولرینی محافظه اید رک حاینه به وار و بشار الیهی خانی
 سلا نیکه و سلا نیک متصرفی وزیر حسن پاشائی و
 خانی به نقل خصوصت سهولت کیفیتی درکار و شلا
 متصرفی موی الیه دخی کند و نک دامادی بولمنق تقریبی الیه
 اقتضاییدن مواسسه و دواب و ساز لوازم طریق و ذنبا
 تدارکندن خیلی مدار اوله جنی اشکار اید کی معلوم هابون
 جهاندری و مرسوم طبع الهام منج خداوند کار بیری بول
 الحاقی اولان هر سکت سنجائی الیه بوسنه یالنی بر متوال
 محرز بشار الیه صدر سابق محمد پاشا قولدرینه و حاینه محافظه

دخی واماوی حسین پاشا مملو کلرینه و سلائیک سجاش
 دخی سمدیک بوسنه دن منفصل اوله جن محسن زاده عبدالله
 پاشا بنن لرینه توجیه و احسان و اقتضای بدن اوامر علیّه
 عنایت اشتغال لای بعد الا صدر هر برینک طرفه لرینه تسیر
 وار سال قلمغه ساعده با سعاد کشور ستانیدی بندو
 وار زانی بوریور ایه اولبا بدن امر و فرمان و ایضای لولوم
 شکوه و شان شکرشلو کرامت شو قدرتمو نهاتلو

ولی نعمتم افندم پاشا هم خضر
 بینکدر

نادر شاه عاقبت تبا بدن و رودایه ان الیمچی خان
 عقد اولان ان مجلسه و فوع بولان مکالمه نکتمخصیه

عرض بنن بمقدار بودی شکرشلو کرامت شو نهاتلو
 قدرتمو ولی نعمتم افندم پاشا هم جناب رب العزة
 باعث امن و رفاه انام و مورث رونق و بخت ایام
 اولان وجود مکارم اندود و خروانه و ذات عوارف
 سمات ملوکانه لرین الی آخر الا دوار دیهیم جلالت و سیم

باجدا

تا جدایدن ثابت و برقراراید و دولت روز افزون
 ظل اللیدین هر حالین توفیقات صدانیه سینه تا بیرون
 و تا بیست سجانیه سینه محاسن تا بیره و مرهون ایکن
 خالی اولیه آیین بالنسب الایمن شهنشاه مستلو
 قدرتمو ولی نعمتم افندم فضیلت لو امام اول افندی واسعد
 و خلیل افندی داعبدری معتبریه بهاریه نام ساحل
 ایران ایچیدریه ملاقات و بعد اجراء الرسوم بعض و
 تعبیرت ایلده کلامه غاز اولنوب ایلمی خان جنابدریه
 بویه بر مجله وخی استیاقمزد در کارایدی مداحمد والمنه
 ابهتوشاه حضرت نیک دولتین بیندن و طاعتین
 میانندن بو گونه موجب تالیف و التام اوله حق حالا
 ایضا عیله جمله اهل اسلامه تحمیل منت بیورش در کند و
 دولت علیه عثمانیه نیک دوستقدن بغیری و مجتهد
 و مودتن اوز که بر باشه اراهر و نبی بو قدر روز بر و بر
 و سوال نیک ناکه و استقامی خواهشند در جه و دستا

ادا ایله تحریک سر رشته استفاق اولند فیه کند و کرد
 و بیاجه اید قسم بیه عنوان ساز و بربر بیک سوز لرین
 تصدیق و تحقیقه و مساز اوله رق شاهنر حضرت بیک و
 مقصود و مرادی انجی بوا یکی دولت عظیمه بیک کمال اتحاد
 اولوب و بوالتام و اتفاقا کثره سی و ملق اوزره بربر
 لغاضد و تعاون این رک و وقت طائفه اسلام
 اطلاع ایدائی خاست داعیه سنه اولان کفارتیه کار
 قهر و تدمیرینه صرف اوقات ایلمک شاهنر ک اقدام
 و بزم بو غیر کونه فکر و بتمیز بودر انجی سوبش ماه بی سوه
 پادشاه عالمپناه حضرت محمدن التماس بویوشلاید
 ایکی ماه سنه عذر فر و اردور بیورلدی بو عذر لری افندیله
 حضراتی بر بیان بیور سوند و یلدیله سار الیم داعیله و
 مادین معهودتین اولان عذار شهر عبیه بی تقریر و تفصیل
 بوند معلوم اولدی لکن بزر بو مصلحتک تمشیت بولور
 و بوا یکی دولت بیند اولان قیل و قال طرف اولور بیدیه

هند وستانها بر دلی مرا حل اید و بکلمه سرور سندی
 بویله تنی هست خودت اید و ب زحمت بد بزمها اولسون
 دیوینه ایکی ماه نکست اسعافی نیازنی تکرار لرند بزم ایله سر
 بیکره قطعاً موجب منافسه و باغضه اوله حق امر بو قدر
 و حاشا که دولت علیه نکست بر دور لوسز لره و انرسو
 قصدی اولمش اوله لکن هر حاله حزم و احتیاط لازمه مشانه
 دولت دن اولمخله انجق کندی ملکتمز کت و رعایا مرکب
 محافظه و نظم کندی ملا حظله سندن بوز ما و امکه شاه حضرت
 جانبندن جامعیت اسلامه منافی بر حالت ظهور اینه
 دولت علیه طرفندن دخی خلاف مصافات ^{جمله} برو
 حرکت اولنمز و اولنمز احتمالی دخی یو قدر ^{ایله} فالدیکه بوسطه
 طرفکزدن منافی ملحوظ بر حرکت و قوعندن بو طرفدن دخی
 دفع صائل مقامندن کند بزمی و ملکتمزی محافظه هر مجبور
 و معذور و اولور زجهو مقابله اولند قن و عوای خلوص طو
 یینه ایراد قسم ایله تا کیده عاید رکت مطلب و مراغمز ^{انجق}

حالی استعارتیک کیفیت مختصر

عرض شدن به بقدر بودی شوکت و کرامت و مهابت و
 قدرت و ولی نعمتم افندم بادستاهم جناب خداوند قدیم
 جل عن السبیه والنظیر قطب فلك سلطنت جانیان و بلاد
 امن و راحت عالمیان اولان وجود مهابت نمون خسروان
 لرین همون سیر آرای شجاعت و اجلال و رونق افزای سعادت
 و اقبال ابد و ب منقوح ریاست شهاستدرین رسیدن سیه
 برین و بدخواه دین و دولتدرین انواع قهر و خذلانه قرین
 ابلیکدن خالی اولمیه آیین بالنسبه الایمن شجاعت و کرامت
 مهابت و قدرت و ولی نعمتم افندم بغداد و الیس و وزیر کم
 احمد پاشا بنده لرینک بعد المغرب مخصوص اناری الیه
 تحریاتی و رود ایدوب خلاصه مفهولرین خانان نادشاه
 فی الجمله حائز نقیب و امتیاز اولان نظیر عالیشان
 اولمق اوزره بر قطعه مکتوب و قائمه رسم وار و مودا
 عاشق
 مضمونی کوبا حقیقی ادعاسند اوله قدری مذهب جعفری فرزند

مورث

مورث شبهه و خلاف اولور حالانک دفع و از آنکه
 مقصود شاه ای و ملغله بوجانبین اولان اهل سنت
 علمای سیده مباحثه و مناظره ایچون بغداد علمای سنی مناسبت
 کور پور و یا خود دولت علیه عثمانیه به بعد الاستیذان و
 خاقانیه علمای سنی اختیار اولنور واکا حاصل علما و ان^{یک}
 نفوذات معتبرک جانب ابرانه ارسالدی خصوصاً
 مستر اولوب و خان مرفوکت بمقوله تخریراتی شاه
 مشارالیهک و معتبر حسن علیخانک مقدم در و واید تخریرات
 ترهات سماندن و سرج اولنان مباحثه منافی ظهوری
 مسیح و متواتر اولان ضعف حالدی موبد اولقدن^ش
 بوکونه تخریردن غرضدی نه ابدیکنه وارز وزیر مشارالیه^{ینک}
 لمحوطی اولان احتمالات علیه بی کندی فائده سندن استعار
 و تطبیق و خان مرفوکت فائده سندن جواب اولمن اوزر
 طقدن تخریر ایلدی کی مکتوبک ترجمه سنه وخی ارسال
 و نسبیه تیمکله مجموع تخریرات و خان مرفوکت فائده مزبوره^{سه}

زجه سی مرفوع رکاب مستطاب جهاندار پیری قلم سر
 فی الحقیقه بو تحریر یک مفهوم و موداسی علی ای حال ضحیف و قوی
 وال اولدینی اقرب ملحوظات دن اولوب ایختی بو تحریر
 عاشا و عدم عاشا کیفیتدی اینک اطراف و انحا
 وزیر و بالاسخ کر کی کبی ملاحظه و تأمله موقوف امور دن
 ایدیکی محاط علم الهام ستمول خسروانه لری بیورد قد امر و فرمان
 شجاعتو کرامتو مهابتو قدرتو ولی النعمت افندم

پادشاهم حضرت نیکدر

فریم خاتون آستانه صدر اعظم کلنجی وک مکت و توفیق

منعوا مقام طرفه ناز بانه

عرض بند بمقدار بود که شجاعتو کرامتو مهابتو قدرتو
 ولی نعمتم افندم پادشاهم ارانین مراسم دولت و پیر
 لوازم اہبت و سلطنت اولای مبارک وجود عنایت و فو
 پادشاهی و ذات مکارم آیات شهنشاه پیر بن جناب
 حق و فیاض مطلق سیر سلطنت سیرا جدار پیر بن و غم

بہ دواز

و برقرار و تدابیر امور جهو دولت با هر الهه اربین توفیق است
 جلین سینه موفقی ابله دایم و استوار ابدیه آیین بحرته
 من له قیام السموات و الارضین شکرستلو کرامتو
 مهابتو قدرتو ولی نعمت افندم جلاوتو خان عابین
 بنده لربنک و زبیر اعظم حضرت ندی کلنجیه دک اسمانه سعادتو
 مکث و توقفه خواسته وار میدر و یا خود مقدما تقسیم اولند
 اوزره بوم اثنیند غنیمت و حرکتی تجیل می ایدر کند و
 استمرج اولنوب قفنی سقی اختیار ایدر ایه ماسعد
 هابون جهاندار ایدری رزانی بیوریله جفن مشعر جا کر سندن
 خطا با بیاض اوزرینه شرفخش صد وراولان خطا هابون
 عطاوت مقروندری موجب کیفیت کند و دن استمرج
 اولنق اوزره مشار الیهک فیو کتخدا سے فولد ری نزد جا کر
 کنور یوب مراحم بنده نوارانه ملوکانه لرندن اطاعت
 شق مرضی و دخواهنگت کند ی اختیار بنده حاله بیور که
 مرقوم فولد ری و ساطیله فاه و افهام اولنقد کمال مست

اطهاری و فروغی و دولت ظل الهی بدی تکرار بده اگر چه
 صدر اعظم حضرت نیک شرف ملا فائده شرف و نجوا
 بند کانه ام اولوب کن هر حاله پیشنها و اعتنا و اعتبار
 تحصیل رضای میا من ار رضای خسر وانه لری و لمغله هر نه
 بوزون امرها بون جهاندار بدهی ار زانی و جاری بیور بپورا
 اولو جمله حوکت مخی باعث شرف و مفاخرتم در جو را
 مراسم ادب ایله براد جوا بی قیو کتخدا سه قولدی طرف شار
 البه دن اولق اوزن افاده و تقریر ایله بی محاط علم عالمی
 ملوکانه لری بیور له قن امر و فرمان نهجستلو کرامتو نهجستلو

قدرتو ولی نعمتم افندم سلطانم حضرت نیکدر
 مستوفالنه و از کیفیاتک مشورتی ضمنه عقد اولنان

خلاصه سیده

عرض بند بمقدار بود که نهجستلو کرامتو مهجستلو
 قدرتو ولی نعمتم افندم بوشاهم جناب حق و فیاض
 مطلق مدار نظام و دولت و قطب فلک سلطنت اولان

وجود فیض اند و خسران نه لرین الی آخرالادوار و بهیم نه است
 و سیم ناجداریدن مستدام و اوان است افزان ملوک
 لرین انواع توفیق و نایب ایله نخج اعصار و اعوام ایلیه بین جای
 البته الایین ششلو کرامتو مهابتلو قدرتو
 ولی النعمت افندم بوانتاه مسلولو ایله در میان کیفیات
 زیر و بالاسه و بالا فضا طرف چاکریدن مسقوبان
 و کبینه تحریری تضمین و لنان کاغذک رسالی خصوص
 مذکره انجمن وزیر مکتوم بجای پاشا و قیودان پاشا و اغا پاشا
 بنده لری و فضیلتو امام اقل افندی و صدرین افندی
 داعیدی و دفتر دار افندی و شریف افندی و سیاه
 و سحر دار غاری و جبهه جی باشه و طوبی باشه فولتری برکون
 سرای چاکر لایه دعوت و عقد انجمن شورت اولنوب ابتدا
 طرف دولت علیه لرندن مسلولو یه اعطا اولنان عهدنامه
 هما بوندین انهای مقتضی مواد و بعد طرف چاکراندن
 باشه و کبینه تحریر اولنمق اوزر فله لنان مسوده مکتوب

و خود سامانه و ذات ستم است اند و خسر وانه لرین به
 سیر برای سلطوت و جلالت و رونق افزای اینک است
 و جلالت ابد و ب ملاحظه امور و دست اندازن جمله بندگان
 اخلاص نشانین مظهر محاسن تدبیر و مصدر آثار و لایزال
 ایملدن خالی و لمبیه آیین بجایه النسب الایین شمسو
 کراستو مهتسو قدرتم و لی نعمتم افندم طینت
 و رایت خیر خسر وانه لرین مرکز اولان جوهر حقایق نمای
 رسد و نهاری مقتضای سنجه هنوز جلوه که مجلای ظهور او
 جبابای امور هیچ عواقب بین بصیرت الهام سیر لرند
 نمایان و غیر مستور و لمقدن نامی اسلوب مرغوب حکمت
 رعایت و اجرای مراسم حرم و احتیاط طه میل و رغبت ضمیمه
 سرق جانب لرین واقع حدود و تعوز خافیه لرینک محافطه
 و تقویت حجه سرکرک عنوانیده بر وزیر تعیین و نعمتی سببه
 و با خود اقصای وقت حاله کون محافطه نامیده می ارسا
 مسعود بر خصوص مرفوی خیر خواهان این و دولت و جوهر

ایمان

اعیان سلطنت سینہ لریہ کر کی کبی مذاکرہ و استشارہ و وقت
و حالہ مناسب و خیر لوا و لانی مبارک رکاب ہما یوں
ظل اللہ بیدینہ عرض و تخلص و لائق باسند بایض اوزر
سرفیافتہ جد و را و لان خط ہما یوں حکم نمون خسروانہ
لری مضمون اصابت مقرونی اوزرہ بکون بعد صلوة الجمعہ
سماحتوا فندی داعیلری و وزیرین مکرمین قیودان پاشا
و اغایات قولندی و فضیلتوا امام اول افندی و صدرین
محترمین و سابقا رودوی ہما یوں فاضلی سید افندی داعیل
و دفتر دارشق اول عاطف افندی و این دفتر سابق شرف
خلیل افندی و روزنامچہ اول سابق و لاحق یوسف افندی
و مصطفی افندی و کسریہ لی احمد افندی و سعدیہ افندی
و سیاه سلحا را غاری و جبہ جی باشہ و طوبجی باشہ و غربہ
باشہ اغار فولاری سرائی جاگری یہ جمع و دعوت و مبارک
موی الہم ایلہ اوان محو مذاکرہ و مسورت اولندفن چونکہ ہر حالہ
تحرری و احتیاط و ملاحظہ انجام و عواقب ایلہ تیقظ و انتہاء

حالتی محض توفیقات الهیه و در کیفیت اولاد بینه بنا، حواله
 مذکور نکست تقویت امر رینه اهتمام و اعتنا کیفیت عین است
 اولاد بیتی بی استبانه اولوب لکن امر تقویت بهر حال امکان
 مرتبه بر جمعیت ایلد بر متبصر و متبسط سر کرده نکست مأموریت
 محتاج اولمخله اگر چه ارض روم و ایس و زیر ولی پاشا به
 باسجود غلق نامی ویرلس و معینه وخی بر مقدار عسکر تعیین
 بیورلس لکن بر وزیر ک عسکری عنوانیده مأمور معینه
 اولان غوایف عسکریه نکست نیزالدن اجتماع واحشاده
 باعث کریمتی و شیراز اخوا جمعیتی اولمخله بو کیفیت باسجود
 مستغن صورت پذیرا ولیه جنی بالخرجه معلوم اولوب
 و عسکر لک الفاب و عنوانی مجر و محاربه و مخاصمه صورت
 منخر اولوب و ولت علیه ابدی الاستمرار ک طرفند
 محافظه مالک و بقاع و تعمیر ثغور و قلاع و عقد مصاحبه
 و مسالمة مشلو امور وخی متعین عسکر لک و تعیین اولد
 کله بکندن قطع نظر ستم کچال دن مجب لک و مقرر عسکر اتحاد

اولان

اولان صحرائی ارض و موم و مخی را سرحد و دایره سکر او
توافق مسافه اولمق حسیله عسکر بغین اولمقند بر باس
و محذور ملاحظه اولمق مغلله جانب مزبور و وزیر عظام
قولرندن مجرب الطوار و ضبط و ربط عسکره صاحب اقتدا
بو قولرندن نامور و یقین بیورلسن بالاتفاق استصواب
و استخار ایلد کلرند نصکره ایوم انا طولید اولمق وزیر
عظام بنده لرندن قفغینی مناسب و تحسن ملاحظه اولمق
و مخی جمله حضارست را لیهدن استجواب و استنطاق اولمق
حالا انا طولی و ایسه اولان وزیر بخان پاشا قولرندیک
دفعه بندر و کفه جانب لرندن وقوع بولان عسکر کلرندن
سلوک و حرکتی و طوائف عسکریه ایلد موانع و موافقتی شهید
اولمقندن نامتی شد یکماله مقصود اولان محافظه ملکست سر
لکهنه سارالیه قولرندیک حیران قصود اولد یغنه اگر چه
اتفاق اولمق در لکن خصیصه ذات هما یونلری اولان
الیه مقضایه تنقیق استیلا و تعمیق غرور و مزایا سلم نهاد

الهام آشنای خلافتنا هیلدی و مغلله کرک تعین بنویس
 قوله نیک انتخاب و تخصیصی و کرک نام و عنوانک نمیشد
 و تخصیصی خصوصیه لغلق ارام حکمت افاده جداریه
 منوط حالاندن اولد یعنی معلوم جلا و ترسوم خداوند کاریه
 بیورله قن امر و فرمان و رای صابت نشان شطینلو
 کرامتو مهابتو قدرنو ولی نعمتم پادشاهم حضرت ^{شکده}

تالیفه قالیله اولان

سالمه منجید

عرض بند بمقدار بودی شطینلو کرامتو مهابتو
 قدرنو ولی نعمتم افندم پادشاهم جناب ربلم یز
 عزاسمه و جل حضرتدی سیمان منش زمان واسکندر
 روش و دران اولان وجود و هب آلود خاقانی و ذات
 عنایت و فود خسر و ایندین الی یوم التنا و زیارت
 بخت خدا و وارایش کلشنری خلافت رب العباد
 اید و بعبه آسمان منقبه خداوند کاری و سنج ایت

علاوه

عنه جهاندار پیرین و مبدوم مرج و فودملوک اتم و قدم
بر قدم ملنجای عطای صنادید عالم ایلمیه امین تسبیح
کرامتو مهابتلو قدرنو ولی نعمت افندم در علیه
انما لردن انالیله قرائت التماس استعدا ابدا یکی عقد
مسالمه به مساعف با سعاده شهر یار پیری ارزانی و جابر
بیوریلوب بودند اقدام اخذ و اعطا اولنان متکلمه
شرط قلند یعنی او زره قصد بفرمانده حالادیا اسکند
اثر پاوشاه پسرین مقیم مرضی بگرام لرینه وارد و اصل
اولف ^{دولت} ~~الملک~~ ^{بها یون} ~~السلطان~~ ^{است} مفرون ملکانه لردن
مشاور الیه ویربله جگ نشان تلیت عنوان آجدار پیری
ایلمه مبارکه و النسی بالاستبدان مقتضی و ملخه اسبو
روز فیروز که مبارک رجب المرحمت ایکنجی سبت کوه
ساعت نهاری در تن ایکن مرضی مرقوم کنور ویلوب
شان خلافتقوان جهانیاندینه شایان وجهله کندویه
نوارش اولنه رق امر مبارکه تمام و بو خصوص ^{افنا} ~~افنا~~ التفات

بر قدم ملتجای عظمای صفا و ید عالم ابدیہ امین تسبیح

کرامتو مهابتو قدرتو ولی نعمتو افندم و رعایتو^{خلا}

انما لرندن اناليه فرائد الفاسق استعدا ابدي كي عقد

مسالمة به ماعنف با سعادۃ شهر یاری گیری ارزانی و حار

بہر بلوہ بوندن اقدم اخذ و اعطا اولن ان بتکلم و

ش ط ق ن ی غ ا و ز ر و صد مضامیر حال و احوال کنند

[illegible]

مولا

او متوجه بهایون بهت شعرون و کاهه گردن

مشار لایه ویریه جفت نشان سفت همون ماجدار بر

ایله مبارکه و همگی بالاستبدان معضی و مغله

روز فبروز که مبارک رجب المرحوم یمنی سبت کو

ساعت نهاری و رتنه ایکن مریض مرقوم کنور دیلو ب

شان خلافت خوان جهانیا ندرینه میان وجهله کند ویه

نوارشن اولنه رقا امربا دله امام و بو خصوص اونا التف

قدر سمات شاهانه لری برله پذیرای حسن ختام اولستدر
 تنظیمات امور برده سنج ایدن لظوق هما یون الهام نمون
 ظل اللیدیرین من عین الله روح بوله کلدیکی پیداوروشن
 و هر حالن بر امر میرهن ایدیکی چونکه تجارت متعدده ایلده معلوم
 و خاص و عام عند من مفهوم و مجزوم بر معنادر لذلک بمساله
 مرفومه نابیده اولمق حالت لری معده مازبان لوح استیان
 پادشاهانه لرینه جوابان تمیشتن بولنوب کیفیت مذکور
 اولوقت مرض موی الیهک دایره رحصند خارج بولنوب
 حسبیه مسالنه مرفومه فرائجه و انکلیز و سازنا بید معنوک
 اولان ستا سنلده قیاس ایلده تنظیم و نابیده لفظی ماده کنه
 مرض مرفومه قرالی طرفنه بشقه جه فاده و ز فیم الیمشتن
 لذلک لظوق صدقا صدق هما یونری دولت مسفونیه
 باعث انشراح کونا کون اولمخله ازول و جانا بید لفظنک
 نصیر بجنه خواهان اولوب قصد بقیامه لرین اودوجه و زره
 تنسب ایلده کلری مرض مرفومک استخارندن تفهم اولمستدر

حضرت

حضرت چون ایام اقبال و اجلال پیاویدین و مبدع افزون
 ایدوب قطب و اراده خلقت اولان ذات کرامت
 ایات خداوند کار بدین مجموع دولت و ملاء منظور جهور
 و قراعدا و بدخواهان صمنند اظهار و لا وجو و بیت ایندی
 شادان و سرور ایلیم خدا و لسان تصدیق نامه لری کما
 کامیاب جم خد بکرینه عرض و تقدیم اولند بخی و خی معلوم
 ایت مرسوم خسروانه لری اولدق بینه امر و فرمان شو
 کرامتو قدرتمو ولی نعمتم افسندم ایستاهم حضرت بیکدر

عرض بند بمقدار بودی نهجستو کرامتو مهابتو
 قدرتمو ولی نعمتم افسندم ایستاهم جناب نظام آرا
 امور و کاسبخشی جهو جل شانه آرا بند سربر
 و پیراییند اکیس چلاوت اولان وجود و مهابت اود
 خسروانه و ذات مکارم نمود ملوکانه لرین همواره حکمران اقطا

جهان و مراتب فرمای زمره بندگان کان ایدوب نیز
 مکرمت خدا دلیرین پر نور بر اطراف و افاق و بحر را
 بی اندل دلیرین موج انگیز مراحم استفاق بملکن خالی اولیه
 آئین بالنسبه الاین شجاعت کرامتو مهابتو قدیمو
 ولی نعمتم افندم ماکت محروسه الملک خدا قبتنا هیلند
 سواحل بحر سیاهن واقع جانبک سنجانی حالا طربزون
 بکلر یکس اولوب وان محافظه سندن اولان او جیحی
 راه عمر پاشا بندن لر یله در کاه معملاری قیوجی باشلند
 فاتحه لی احمد غافور لرنیکت بر وجه مناصفه واسترا
 مالکانه اوز لر فتن اولوب لکن مونی الیه مالکانه و نه دن بر
 بپندرن واقع منافسه و عداوتی بر وجه سلمه پز برای
 اصلاح و نه بیر اولامفدن ناسخ بالنفس کند
 بپندرن متعذر الوقوع اولان بینات استلاف و اجتماع
 اعوان و اتباع علی بپندرن وخی رسیدن درجه مستناع اول
 بوندن افندم احد طرفینک بر بر لرینه منافی آخودن وقوع بولند

شکایت بدینه بناء محکمه اخصار ضمما و بعد الترافع حقیقت
 حالی در دولتدار لرینه اعلام و انما اینک اوزره درگاه ^{معلای}
 قیوچی بایستادن و اسراف قضایان مباحث تعیین
 اولان عثمان بیک و سلیمان افندی قولدرینک بولشا
 و روایدن کاغذ لری بوندن اقدجه مرفوع رکاب مستطاب
 جهاندار لیری قلمغله پاشای مومی الیهک اول امره ^{مستعی}
 و بجن فرزند اسماعیل فاته لی احمد غانک و عونه و بجه
 سنک بیلرین و وقوع بولان مفدت و بوندن بولیه
 اجراسه و اجه سنک اولد قدر خاست و شقاوت
 باجمله معلوم و فایق مرسوم ظل اللیلری اولت در بولدر ^ک
 کند لری بیلند مستعل اولان ناره خصوصت و عداوت
 اتباع و متعلقات بدینه دخی سوار پاشا سربیت و لغله
 لواء فر بورون بالکلیه قطع عروق تعلقات بدینه حواله تبریز این ایتما
 اولند یعنی صورت فساد و شقاوت لری بوما فیوما متزاید و ضرر
 و خسارت لری مستطاب ساید رفت خسروانه لری اوله سکا

ملکت و فقرای رعیت پیراج و عاذا و له جی کالشمس و وسط السما
 ظاهر و هویدا و مومی الیه فاتحه لی احمد غا قوالدینک و نه
 هر و جمله سزاوار عاظفت و شایسته عنایت اولد یعنی صبیحه
 استعداد و استیانتان غایان و پیدا و لمغله عواطف
 علیه ملوکانه و عوارف سینه شایسته لاندن مومی الیه
 رتبه سامیه میر میرانی الیه کفه ابالی احسان و توجیه باجمله
 کند ویه تعلقی اولان توابع و لواحقی استصحاب و مبارک
 مومی الیه عثمان بک معنی الیه کفه جانبیه مرور و عبور
 سرعت و شتاب ایلمی خصوصی ستقل امر شریف الیه
 تاکید و تبیین و کذا کت عمرایه قوالدینه متعلق اعیان
 و کائنات و خنیینه مبارک مومی الیه معرفتی الیه لواء مزبور
 رفع باطل تعلقی برله پائین آری مومی الیه معینه ارسل
 و تسبیر لری و لواء مزبور کت مالکانه متصرفی مومی الیه
 طرفداران و ملق و زر و ضبط و ربطی و استیقا مقوله سناکت
 اودی و مال میرینان جمع و تخصیصی خصوصیه چون و خنی درگاه

محل

معالری قیوچی با شیدندن اولوب رسید و متبصر
 و بو مقوله حذامات محمد سندن کلکه قدرتی طاهر اولان
 حال قیودان پاشا کتختاسه عبدالرحمن بکت قولدی
 منتم نصب و لغین اولمنق خصوصلری معیار حقایق
 سیخ اشیا اولان مبارک ذهن دراک فیض انما لرنده و
 سنجین کفه استیجی بیورلدی بی صورتی بر وجه محرر اقتضا
 ایدن او امر شریفه لری اصدار و بران اقدام تسبیح و اسالده
 ابتدار اولمنق باینده ساعدت همایون خسر وانه لری سبذ
 و ارزانی بیور یورایه امر و فرمان و لطف و عنایت
 و استیجی نجاتلو کر استلو مهابتلو قدرتمو
 و فی نعمتم افندم پادشاهم حضرت تکیه

همون نیم نرم خاص الخاص نسو الفت و مقیم زوایای
 زندگانی و عافیت اولدی و عوانی بقدمیله نهایی تعجابه بود

حکیم فلم اعجب به رفتاری اولان نامه مباح است آمیز و رفیع
 زبانت انکیزری واصل اولوب مضمون کذا کفون
 ولاف سنجونی زیور صحیفه استعجاب ویرایه بیاض
 استغراب اولند قد نص کرده بومقوله زبانت بمعنی و کلمات
 مالا یعنی نکت جواب با صوابی صمت و سکوت اید و ک
 بی اریاب اولوب کوم صنفه عجزند زبانت السز لخمه ندر
 فحاشی اوزره عجز مزه حل و لنتق ملاحظه سیده سر جنبان
 و لا حول کویا کمیت سبکت جولان خامه به بوزین اوزره
 ار خای عنان اولنور که بهی یاد کار اگر بود وقت دکن عسکر
 نه حاله و الیوم نه محلله در و کیفیت و کمیندی ننوال
 اوزره در کای منغی خیر و آگاه اولما فر اعتقادند ای کز زبای
 رست و زکاوت و اگر معلوم اولد یغن سز لر دخی بیلوه
 که لاف نمیزنم بمیرم موداس اوزره مجرد غرض که بر لاف
 عجمانه و کذا ف معز و رانه ایسه زبای بله و حاققت و احکام
 لغیرات مکتوب غزابت اسلوب کز دن مراد و معصود فهمندن خصله

صعوب

صعوبت در کار و ملقن ناشی و افزاین بازار ستیله و نه
 و پو بندرگاه عاقله هر جستجو صکره دلالت خواجه خود
 و ان عرفان ایله بونگته تحصیل مکان اولد یعنی بعنایه الله
 و حسن توفیقه عسکر فیروزی سپهر عثمانی بک محمل افریه
 و رودی سزله هوشربا و ارام فرسا اولمخله کال هیچ و تا
 واضطر اکبر و ناسخ اقتضایدن خط و ماغیه دن سرزم
 الفاظ بی رابط و کلمات بی ضوابط قبیلند و اولمخله تحصیل
 معناسنه قوت فکریه القابنه محتاج الی بیان المعنی فی بطن
 مصداقنک با صدق اولمش اوله مثل معناسی راه کرده تابع
 اصطلاح جدید قائمندن فرض اولمش بیلد و نه دن بدو
 معلوم صغار و کبار و مرسوم صحایف اثار اولد یعنی اوزن
 بشیون سنه دن منجا وز مالک و وسیعه الار جای رو
 فرمانفرنا و مملکت آرا اولان ملوک ستور ملوک عثمانیه
 مدار افتخار ایران اولان شاهان پیشیندن نام صاحبزاده
 و اسم عالمگیری ایله کوی ربای میدان شتهار اولان نیجه

قوی الاقدار ایله طرح انداز مکافحه اولوب حول و قوت جساب
 رب العزت ایله هر برینک و باغ کیراند و نه صعود ایدن
 بخار خوت و غوری سته ستمیر ایله تحلیل و تقطیر و جوسمان
 سلطانین انجزة کشفه عد و اندون لطیف و تطهیر اند کلندن
 ماعد و دل سارده دن اخلاس و لسان نیجه مالک و قلع
 و رباعن مالک محروسه عثمانیه به ضم و احاق ایله توسیع
 دانه ملک و تکثیر سواد و دولت بیورد و قریبک اناری الان
 بدیدار اولان بدیهیات جلته قبیلندن اولمخله و ارسته قید
 انکار و سرع بنا که اساس مصون الاند راس و دولت عثمانیه
 و فاعل سلطنت خاقانیه نک ثبات و قرار لر ی شخص
 واحد وجود نه بسته اولوب و انما تأییدات محمدانیه و تو
 سبحانیه به اعتماد و استایدن کلدر یله بر مقتضای فاعل کون
 و فاد و تبدلات صو عالم ایجاد معروض و ال و فنا و
 اولان بر ذلک وجود یله فقار و اعتضاد و منتهی سزک
 ساکت اولد یکنز کر یوه عجب و غرور و سلوک انیموب بلکه

دستخط

وسمندن بومقوله شاهن تخت و غمورا و ملش لبه بزره
 مقدمه فوز و نصرت اوله گلکین جابگزک وخی بوخیری احوال
 وسمایه نصرت فال باخیر اتحاد و مصلحتی بود که بوخصوص
 طفره تحمیل منت ایش شسزور بکن مغرور اولمیه کیم میخانه
 اقبالن بزهزاران مست و متذکرست خارین کورسز
 مضمونه ماصدق اوله حق مستزاد منظومه نخوتکز اولان تغییرات
 اشناسند سزور بتر روی ترکش عثمانی ایکن بینه فادراولت
 بوندن صکره کله جگت عسکر کز نه البش کون جگر در بزره
 فیصرومه و وزیر اعظمه منتظر زیجوه غلبه و انتصار کزی سواد
 تقدیر دن تحقیق ایش شس مشلولو بیه و اولی محابا منفور خدا
 غفور اولان کبر و عزون اجزایدوب و حاله عسکر طفره اهر
 تعیین اولنان وزیر اعظم سابق جلا و تو عثمان پشاه و فقه
 تعلما بیدویت، حضرتی و معتبرینه ماثور عسکر نصرت
 ماثرن شکسته زبان خامه کزده ناجیهان کتاخانه ادایله
 ذکر و اعلامایدوب و کیش خواننده اهل خود که نام بزرگان

بزرگوار و مضمون نازن نایب المیسر کز اوته دن بر دولت
 قاهره عثمانیه نکست مدار افتخاری وجود شخص واحد موقوف
 اولیوب کسی که تو پر واز واهی شاهینست لامعه
 بندگان آستانه ندن هر کیمه فوت پر واز و مکنت
 استیاز ویرالیه همان بنر روی تیرکس و افانده
 عبارت اولوب و اوته دن بر و عادت و برینه لری
 هر دشمن اوزرینه بالذات پادشاهان قوی لافند و تو
 مقتضی اولیوب بانهاه عدوان اولندون هر
 فزا خوراسته اونه کون عت و عت و ابله بند لرین
 این کلله بیه سزک دخی مقابله کرده فدر کهایندن افزون
 عا کر طفر مفرون ابله وزیر مشارالیه حضرتی عسکر تغییر
 انتمش مع هذا که وزیر مشارالیه حضرتی دانا و زمانه
 نیجه خدات جلیله احوال نام و شان انتمش بر وزیر
 ولبر و اصف خجسته تدبیر اولوب بزم کبی بی سر
 و سامانیر بن حرف انداز اوله جنی هرزه رجالدن اوله قلونی

روز بازوی توفیق ابله بند کند و در اثبات اید و جگر
باطنی دار و حقیقت ظاهری خواهد شد ان شاء الله الرحمن
بو چند مدتی کلور را کون لم حلوا یزیر فرجنا بکزه نه حلوا یزیر
کر کرد و گفت و زلف مردان میباید انکزه نه پاپوش میکرند
و اول خرد فرو شد مگر که بازار کرا کرم و او دوستداری
روز کار زار هر بقعه لم نه کونه سنگین متاع صا تو بنه سنگین
بهاره اله کر کرد و بمنه مقالی بوخت و غور و بخت
جبارانی و ملق اوزره در ده ساله مدتی بر و لطمه خوار
فره عثمانیان و لان دیار هنرمیت قرار ایران از سر نو مشهد
و خراسانه و کت خواب و ویران و غراب و بوده آشیان
اوله جعی و ابسته الطاف مستقم و مستعان را شای میا بکزه
خان حضرت بنک یاز و بغی کاغذی وزیر مشارالیه حضرت نند
طلب ابله سزد و بوخت بر اینمیش سزد اگر بوندن مقصود طفره
افاده حال ابله کاغذ مرقوم طلب و حضاری اوج دور
کونه محلج اوبوب لکن وزیر مشارالیه سزد یاز و بغی کاغذ

یا نکرده موجود و بر ساعت طرفه ایصالی ممکن و مصلحه کرک
 ابدی که کاغذ مرقومی رسال المیه سز روی سفید الیوم بود^{نمود}
 قطع نظر درون فلقه اولان مؤمنین و موحیدین اولان^{است}
 جناب رب العالمینک لطف و عنایت بدینی و دنیایا^{لعرط}
 اسباب عادیه و ناولان مدا و غریبه انتظار ابله خو گرفته
 مصابرت و ملش ایکن جا بکره بو خیر خواهن و بو شفقانه
 نصیحت ندن اقضا ایلمشدر اگر با بنیزه جا بکره قدر عاقبت
 اندیش و دور بین بر نظر یوغیه چند روز صحبت کردنی متاثر
 اولاشدور حزن بر خویش کم یا بو فاداری دوست^{نهیجک} بو
 اقتضای اولد یعنی حال بلیه طرفه دن لازم ایکن سز لره بو^{کث}
 ندن نشات ایندیکی محل نجب و کلیدر اگر چه بر مقتضای برور
 آب و هوای روم مجبول و مفسور اولد بغیر نیمه مرآت
 و ملکه فتونه بنا و تحریرات جبرتا یا نکره بو قدر دخی مقابله^{فقا}
 اینتر ابدی اینجی کلوخ انداز را پا داس شکست مضمونه و^خ
 بالضرورت بعضی محله رعایت اقتضاسندن نامی تحریر نموده

بمادرت

مبادرت اولندی والسلام علی من اضرع الوری واستمع
الحق واتبع الهدی راغب پر خلوص صافنہاد و فترتی

خوبینہ بغداد



422



بسم الله الرحمن الرحيم

اما فتحا لك فتحا مبينا چون مضج ابواب فوز و نصرت
و مرتب اسباب توفيق نصاب غلبت تعالی شان تو
بده و حسنه مغانج چیره هستی حکمت باهره و مقابله
اعجاز کارنی قوت باهره سی ابد رنگ اهرام کوه بنیاد اولان
بر طلسم استوار بند دشوار کشاد کش فنج و نسخیر بن مراد
ایلد کن ابتداء عمل و اسباب بن ایجاد و مبادی و مقدمات بنیه
و اعداد و ایلک مقتضای فیض عادی و مفاد امکان استعداد
اولوب و بوندن قطع نظر عظیم امور و عزایم ارباب

دور

وهوره سرزمین ساحه ظهور و زبازد بر اعدای لفظ و شعور
 اولان بعضی اوضاع و حالات و تغییرات و کلمات
 علی طریق انتقال کیفیت نال روزگار و چگونه انجام حال
 و کار استلال و لکنه کله یکی بنوبت یافته حریفان
 اولمغله مقدما بیک بوز او تو زمار بخن مصلحت وقت
 و حاله نظراً دولت علیه ابدی الاسرار الیه نجمه بومینه
 مناوله و محاطات اولنان شربت مصاحبه ناکوار
 و سلف ناصاف مسالمة ضروری الاختیارک همیول
 عقد و تمهید بنه مست ربح عرفان مرحوم و هبئی معجز بین
 صورت آرای حسن تغییر اوله رقی شیراز بنده تخریر اوله
 رساله صلحی سندن خوار نشود قدر دین عارض اولان کدر
 و در دسرک نمیکند اولان جام مصاحبه ایله دفعه تنه
 و نشانی رصهای انصاری عصر آخوه تا خیر ایامک اولنیر
 کورلدی و یور بخت پیا له نصرت ابتدکی ادای و لینه بر
 بروجه فی خلاصه و فایده جمال اولنان فتوحات جلیله خدا

و بتخصیص تنجیر محظوبه غیر المنال بلخرامه بر ائمه استمال و غیر
افعال اتحاد اولی و تمسیدی بنا، علی ما سبق بوندن اقدم و اسیق
سلطنت سینه و انم القرار ابله تمسید و استوار اولانم بار و
مصاحبه مؤبدن جمله شین آسایش و پسترای آرمش
اولان جاریچه عهد کسین منشا و بخت کنگره اقطار و افاق
اولان ستان مرز کشنار میثاق و موافق بر نه ماورائی
سرم و جاسح کبی جا کوزه نه بنجه غدر و ستاق اید و
ورای جدار غنچ و دلال غدارانه دن اظهار سیوه جنگ
و جداله ابتدار و متفق نیکو اه و موافق مخالف اشتباهی اولان
جاسد تبار دن استمداد و استنصار و اولدخی کا اقصیه
و اصلاح مابین و کاه تحریک مواد سور و سین ابله ظاهر
ز غنجه اظهار صورت مردی در جویته صرف مقدرت و احقق
بواوان میمنت اقرا من جلوه و فوع و ظهور نه راه از لیه
رست غفور رقت ابدن تنجیر دار اجماد و بلغزاده کویا اعداد
اسباب سهولت ضمنن کالبا حش عن حقه بطلفه

تنجید

تشیخه حاتم خصوصیت و ممالک محروسه الممالک
 اسلامیة به علی حین غفلة من الهما طالة اقدام جارت
 ایتیمیدی منبقت مستوجب الفخر والاعتزاز بعضی کریمه ^{الذکر}
 جاهد و ایتیمیدی بنتم سبلنا سرناة مشور معالی نشور خلافت
 و پیرایه نگین شہاست رہین سلطنتی اولان بلحا انا خم
 اکاسره زمان ملاذ اعظم قیصره دوران مؤطد قوایم
 سر بر سر قویم مشید و عایم سید دین مستقیم غره جسیه
 ملت بیضا صباحت جبهه شریعت غرا روشنا ^{جسم}
 فتح و فرصت بر کزین و ادوار آسمان وزین حاکم
 مطلق العنان وسعت آباد ما و طین سحاب کوهر بار
 همت موجّه اندام زخار جمیت شہر شایان اوج پرو
 ختم اندازی صدای کوس بلند آواز سرفرازی تشیخه
 خورشید جهانگشایی پروماجه رایت ملک آرای ^{هر}
 شمشیر عالمگیر شجاعت کوهر کلیل مہرتنوبر صراحت ^{صن}
 دودمان سلطنت کیتی ستانی نفاوہ خاندان ارکان عثمانی

فخرش بان جم شکو و زبانا	ملتجای کره و داران
حاشی خون مسکانه	ما سخی ظلم و نابغمان
نامی و شش طور و طرز هر محمود	عالمه حسن خلقه مودود
خادم خاک حطه حرمین	فرز کردون توان فی القدر ^ن

و هو سلطان بن سلطان و الخاقان بن الخاقان السلطان
الغازی محمود خان ابن السلطان مصطفی خان ادام الله
دولته محمد و الظلال علی الخاص العام منصو الکتاب
مظفر الاعلام و ابد سلطنة مدیاله الفتوح و البسائر و مدیراً
علی عدائه اسو الدوائر لازل اسمه السامی حلیه المنابر و زینة
المناسیر و غرة نواصی الدیام و الدنانیر فی اهنی عیش و یمن
قال و فی جمیع حسن حال الملع حاسم البرق من قر البغام
و اقرب صمصام الاسنة فی رقاب الظلام حفر تریکات
جزء اعظم ترکیب طلبت علیه خروانه و ضمیر مایه فطرت
سینه پادشاهانه لری اولان سینه کریمه غیرت و حمیت
و شش فدیة سلوت و صر مندری مقتضایه مفسود و
لرن

موجود جنودنا معدود و درون لشکر پنجم سرحد لرینه متخیم
 و مصایق و ملاصق و متقارب و گاه تخوم و ثغور و حدود
 و سور و دخی طرف طرف ترتیب کمانب و عسکر
 و سوبوشیب مهات و ذخائر ابله جل هم شاهانه لری
 اخذ انتقام دشمن غذائ مصرف یعنی عنان بکران صلا
 غیورانه لری دفع یکدست چار مکان معطوف ^{ملغله}
 جانب دشمن خاندن هر نه جانب شیرشکر و قفق سمت
 بجهیز نابور و عسکر اولندی اب حامیان حامی بن اولان
 جنود و ایتنک رانند دور باش نیز و تمسیر و و مانع
 جانخواش قهر و نه میر لری و ملغله چار اناکارک
 سواغالی پیچید پای ای و ماصدق حالی رج بجای خین
 مثل ای و لندی و ارا و به کید افجند اهرم ^{بیت} آخرین
 نکارند این همایونش بقول حکایت چنین کرم
 کلخه نور بخت و قایع و احوال بو و جمله سبک قالب اجل
 فلنور که حال افض نکین صدارت و خاتم یمن ملک و و و

اولوب اول ايام فيروزي انجمن رتبه والای عسکری ایله
 و دین جانبندن علم افزانه امتیاز و منقبه هوش فرسای
 کسری ایله قطار دیار کفایت و لوله انداز اولان وزیر صف
 نظیر مشیر شری تدبیر خمیر بانه رسد و کجاست اگر تکبیر
 فهم و فراست واقف فایق امور عارف سدر جمهور
 بار بخت بین و دور اندیش حجت آیین و غیرت کیش
 حائز خصال حمید فائز شمائل برگزیده شایین تاروی
 مدار وی عدالت قطب دایره استقامت اخراج
 پردلی و حماسه کو هر دین کمالی و سماحت محیط مرکز جا
 و جلالت محدد جهات مجد و اقبال سفینه مرام و اشفاق دینه
 محاسن اخلاق فارس جلوه شجاعت حارس حله شهاب
 نور حدقه صدرت عظمی نور حدیقه و کالت کبری مجمع نوال
 و کرم منبع ابادی و نعم خیر خواه و تیغ حجت کس و دین
 حق کوی و راست کردار خوب روی و خوش کفایت ستمی خیر الوری
 یعنی به صدر الصد و راجع محمد پاشا اطال الله بعافه فی صدره

و صانه عايشانه في شانه و قدره ما دار الشري في مدار التذو
 للتدبير و ما سار المش من محاسن الامير و ما اثر الوزير حضر تديكت
 و ضمن بيان سكن ابله بتدي و قوع جكت و حضانه ^{العقاد}
 مصاحبه مسامت انجامة و كن علم ميدان ظهور اولان جنبش
 و ليرانه و و سبر و جدرانه لري ثبت صحايف اثار و نقش
 كتابه استهرا و لمغله اكر حيه و ارسته فيد لغزيفدر لكن بوجه
 مختصر و كنك حاوي و ليدني فتوحات و و صائل صلاح
 و مصافات بعضا بالذات و بعضا بالوساطه مشار اليها
 ثمرة خلوص طويت و نتيجه حسن سعي و همت تدري او لمق ^{حسبه}
 و اسطة العقد اعتبار اولان ما اثر جليله لمدن بر مقدار ي مقدمه
 صفوت سطور قلند رازان جمله بسط جناح حراست اول ^ي
 و دين قلعه كنك نزع و تسخير ي قصدي ابله علم افراز ميدان
 كين اولان مخا ذيل مشد كنك مبهه رايب نخوتين ^{مخيه}
 آهن تاب همت تدريه اولامت رابيه حضر تدري كمون
 و پست و و ضمن و كنك و هله و لين علم كيدت

و مضر ترین غنیمت هر من که از جلا و تفریه عاقل و نکست ایتموله
 الفضل للمقدم صد اقله ماصدق و دشمن خبیث انما طرفدن
 بعد الاستیلا قلعه نیکست و خواسترداد و استغفانه بدقه
 بهمت و حمیتدی رهنما و ملعله فاتح نبش و بلغزاد القابنه حمر
 و البلق اولد قلدن ماعدا قلعه خیال فتح و تسخیرینه رسانی
 کمند و بام محال و باروی ارزوی استخلاصه اطان حانه
 نصو سلوب الاحمال و لوب عنایت جناب سمل
 الصعاب ابله بیک یوزاللی بر سینه کشیدن آغوش تسخیر
 و ستر و منظومه مالک شهر بایر کشور کبر قلنان اطه کبیر قلعه
 باجمله اطراف و انجا و اصقاع و ار جاسنه خار و امنیکیر
 کفار دن و اسن شیر سقله تاثیر غیر تریله تصفیه و تطهیره
 ما حصل اقتدار و سال فرخنده فال فتحه ارجمی همایون حواله
 فتح الاسلامه سایه انداز اختتام و انتصار و ملزوم مقدم بعنوان
 عسکری قلعه مرقومه نیکت حصر و قضیقینه ابتدار بمور مله بویه
 و سوار اخلاک سہولت کثایشنه بادی و همان قلعه مرقومه

فتح وکشت و نه دخی بونکرک دان مفتاح سخی و کوششندی
 سبب عادی و لدینی معلوم دقیقه و انان امور و بلکه سلم
 کافه جهو دور عون و غایت فلاح بچون و قوت بخت
 هایدون شهر بار ربع سکون ایله اول سنه متیننه کسب
 و احراز اولمان فوائد فتح و نصرت و مراجع فوز و غایت
 ایچون مصروف ایادی و سع و اقتدار اولان نقدینه مساعی
 بحصر و شمار خواجه کیان بندر مشو باقی سنه مرقومه فتنه
 داد و ستد بازار کارزار دن تهنی ساز همیان جینس و قدر
 ایتمکله بر مدت تحصیل انس المال استراحت و جمع ثمره
 قوت و کمکت ضمنه میان طاق سنه طاق قدرندن
 حل نطق حرکت و ابدان بیاب و توانمندن سلب
 جوشن مجاهدت ایله طرز مالوف اسلاف اوزر هشتالرنه
 پهلو نه پستراسا بسن سر نهاده بالین ارشاد و ملحق لازمه
 متاعب سابقه و مقدمه نارب لایحه ایکن سردار حمیت
 شعار اولان مشارالیه حضرت نیکت مرکز طبیعت شجاعت

و محاسنی اولان سجیه مروی و مروندی مقتضای سنج چند رو
راحت چون فوت غریز المنال فرصه صحت معالی مقتضای

رضعت و تجویز بیوسوب

کتب احکام الفضائل علیها و علی المحسنات جلاله
مؤداسه پیشنها و غنیمت و مانند حشرات و هوام خرمین سو
اختفا و آرام اولان کرده و یکدست پڑده مشرکینک آنا
جست اکیندی برهمزه قهر و دمار و فرحای جهاز سرویه
لرینه تنگ و مارایمکه شد زیر تنگ همت و طرف ط
سیر کمانب و سراییه مبادرت بیور مدله اول نستان
فوز اقراند وخی بخواد و طمشو رجو الیدینه و ک خس طینتان
کفارک و و چار اوله قدری توه جمعیتدین سوخته بارقه ستمیه
و سیر سیلاب تد میراید رکت شیرازه نظام و ساماندی قین
انحلال و انحرام و بیان تاب و تواندی کایینی ر این رخنه
و انشام او لغله بو کیفیت پرده شتک سنه مرقومه بهار من
منتهی اوله قدری جهش و حکتدینه وخی ایراث و هن و فتور

ابتدیی

ایندکی مشهور و نامستور ابدی مشارالیه حضرت نیک کدوان
 سرحد تقیر و بیرون قلم و تحریر و تعبیر و لایان نوار نثار مستوجب
 المفاخری روز بروز جلوه کریمای استنار و پرتو افکنی
 مسامح صفار و کبار و له رق مرتبه استیصال و درجۀ
 ری شهنشاه و قایم شمع حضرت نیک دخی بالاستماع صحیفه
 قریحه طبع لغا و لرین رسیدن غایت ارتفاع و ملغله مهر
 برج دولت و سعادت و لایان مهر صدارت و مکی استقل
 خاصیت و کاستدین جانب مشارالیه رسال و حال
 مطلع کریبان استیصال دین بابان و درخت بیور و قدند
 استانه سعادت آسیانه دن لوی خضری فخر الوری علیه
 السعۀ التجایا سایه سندن مستقد خروج و محکمت و متنی توجه
 و غنیمت و لایان اردوی همایون نصر مقرون صدر اعظم
 مشارالیه حضرت مرینه اورنه صحرا سندن ایصال تسلیم و لایق بنشد
 شرف بخش صدور و لایان فرمان سیرج ابجر بان خسر و ایندی
 بو خدمت باهر المنقبه رکاب همایون قاضی وزیر کرم سعاد

احمد پاشا حضرت ملی نامور و تعین و چند روز و بیت امور
 قائم مقامی ایچون قیودان دریا غرتو سلیمان پاشا حضرت مل
 مشار الیه جانشین بیور ملغله اردوی هما یون طرف آستانه
 و صدر اعظم حضرت ملی دخی جانب و دیندن خوام و تنز
 ایله سر لوصه تقا ویم اعوام اولان بیک یوزاکی سینه محرم
 سکنجی کونی فضای زهت افزای اورنده سایه انداز جل
 و بارگاه افراز مجد و اقبال و لوب ر و مال علم فخر عالم صلی
 علیه و سلم ایله حران و ستمایه مفاصحت و مباهات و باجمله
 ارباب دیوان و رجال و ضابطان ایله اجرای مراسم ملا
 بیور و ب بعد بر قج ایام دخی معکر قدیم حضرت ارشام
 اولان پیشگاه ساری هما یونن ضرب خیام آرام و اندن
 دخی صوفیه صحرا سندن رکز اعلام اولنوب فرق کون مکنت
 و قرار ایله ایام چایراندن امرار و بعد صحرای بنس مخیم ار
 طفر کیش و مشیدی چند روز تجلیل عت و عتاد و نینه زاور و
 اجناد و لند قد بضرکه قصد جانب بلغزاد اولنوب ولا

غایت

غنایت رب مجید و رهنمو فی اقبال شهریار باهر التائید ابله
 شهر مرقومک اون او جیحی کونی صحای سمند و نجیم ارووی اسلام
 و کران رفتار و سبک کردار اولان کبیر طویدرک و بعض اوقات
 بطی الحکامات و وصولدینه انتظارا بر کون محل مرقومک مکش و ارام
 انناسند کفار خذلان شعار عرض کالای قوت و اقتدار و نشتر
 سواد نخوت و اغترار ابله من تجالس ابله اشاره سن علی عظم قوه
 غنیمت منجی الزمیت ایتیمک صمنند کرده کفاره نظر استکفای
 و وز خدن نمودار و جانب اسلامه نسبت بهنای فرخزای مستند
 صفار اولان حصار حق صحاسنه ایکی بجی ساعت و ریب
 بر محله ترتیب نابور و جمع و تلیق اجزای شتر و سوار ایتد کلری
 مقدنه لشکر عنوانی و جنود سلیمک نخبه و شجائی ابله چندرون
 مقدم جسمه موره دن ایلر و تسیر اولنان وزیر جلادت سمیر
 روم ایلی و الیس غم تو علی پاشا حضرت قری طرفندن اعلام و خیا
 اولنوب و چونکه نابور مفهور کن بو کونه جنبش فضولانه و تمار
 مغرورانه سمندن کوباعا کر نصر تائری استقبال داعینه فاسده

سند و لد فدی متبیین و طاهر و لمقدن ناسخ سمندر صحرا^{سند}
واقع یوم اراکت اخشامی که لیلہ جلای فوز و اغتنام در لاجل^{حساب}
در کاه معلای کیمبردی و جانی قبل الف صحرای مرقودن^{کنت}
واسرا و نمخله سردار طفر کار حضرت نیک صحرای مرقودن^{نصفت}
و حرکتی وقت معاد اولان هنگام باده توقیف و لنق
لازم ایکن مجلای انوار فوضات اولان و هن ملکوت استالینه
سفر ایدن الهام ربان و تنبیه آسمانی اقتضای سنج مانند مہر اسفہ
سپاہ الملک رایت حرکتین طوبی تبار صبحہ اخیر ایشک بن
ماہ شبکو و ظلام سوز کی نصف اللیل نحر یکت اعلام کیتی فروز میوز
تجربہ نصف طریق گذران اولد فلن کرده خذلان پشود کفا
وخی یوم مرقودن بر کون اول مفر طاہور لری اولان محلدن^{کنت}
و حصار حق جانہ توجیه و جہن خبت اید و بخل وارون مکر
و خدعت ایلہ روم ایل و البس مسار الیہک معبتن موجود
حببت نمودن اردو رینہ انارہ غبار سینون ایچون پیادہ
و سوری انتخاب ایلد کلری او تو زبکت مقداری اشرار ایلہ غمہ^{صنہ}

فوز و نصرت اولان ابتدای فخره علی العظمی و زر لرینه هجوم و افتحام
 و نازده زود سوز جنگ و یکاری ذات الضرام ایتمه بیه شکاک
 خون آشام اسلام صحنی اساله زهر بسمتیه و امطار قطرات
 خدنگ و تیرایه میدان غالی بگریتا و سرب سامان کفار
 جاب زخار قهر و دمار تنگه در کار اوله قدری با کون حدی
 فوز و نصرت اولان کله نوبرین استررایه انها و اخبار ^{قد} الوند
 تقسید لبان تاب غایه فاضله زلال اعانت و اذاعه
 شراب خوشکوار تاب و طاقت قصیده تحریک مهنیز
 اندر تیز سارعت و بلاترود و توقف همان بنزد کاهه نشسته
 جلادت اولنوب بر منوال محرر کنار نجیم اسلامدن طرود ^{بتعید}
 اولنان دشمن عنید قضیه حصار جبار یک ساعت ^{بعید}
 محله متجز و متکمن اولان اصل طابور و مترسده تحصن ^ق النجا
 و متجلدانه رفتارایه شعال نازه حوب و قتاله تسمیر ساق
 وفاق اینده کلیدن ماعد جیوش دریا خوش و لوب
 مانند رود و وجه تنگ مجرا اولان جدول طریقک بحر طویل طونه

ساحلنه پوسنه اوله یعنی محلله نمونه ننگ مردخوار واردر
 ژولید پیکر اتسبار التمسر پارس طوب جکر بش قطعه فالین
 کوه اندامی لسنکر انداز آرام اولوب بیدر پی القای دانه
 طوب و اجرای لوازم سینه و استوب ایله مرور لسنکر منصوب
 سنگ راه اولمق داعیه سندن اگر چه قصور ایتیم لاید
 لکن بو تر تیلری سیلاب تند خیز تقدیر و خار و
 تدبیردن اتخا ذسد و سیر مثللوبی فاند و تاثیر او
 یر دلان اسلامه رهنن مرور و عبور اولمق و کل و قضا نیم
 کخطه زرد و ناله دخی ماله حسم التفات ایتدر میوب
 خرام لا ابالیانه و رفار بی باکانه ایله اول مسافه بی بیمو
 حظوات جلالت ^{ایده قطع} یدوب محل معرکه یه تقرب اولد
 بروجه سابق قبیل العاسمنده رهنن تقدیم و اسرا و نغو
 اید و ده بولنان زمره بختاسیمان دلاور لری طرف طر
 و سوبو و صف بصف و کوبکو متر سله بغیه و کلین و قنار
 فرسان انجیل حله ایجا ایله ندید و تحصین جمله یه قوت الظهر

جلاد

جلالت و مستوجب حتماً فوز و نصرت اولان لوائی
 مهابت التوائی حضرت سلطان رسالت علیه کمال التحیه
 و رای جنود و موحدین با نند عفا ی هما یون بال سعادت
 مد سایه شهر شهادت ایتمک اوزره میدان محرکه به طو
 منزلی مقداری بر محل متعارف و مشرفه تقریب و رزور
 از مایان پهنای نبرد و آهن خایان عرصه نادر و اولان جنود
 حمیت خود اسلام انواع نوازش و انعام ایله تحریض تر
 اولونوب بوسم و ترتیب و بواسلوب و لغزیه اوز
 بحر طوفان خود مشرغ غاصور امین و هیجان آسوب جنگ
 و ستیز رشک همکاره رستاخیز اولوب بریق و لمعان
 نبره و تسمیه کمال آورجرف خورشید و صدای بلند وای کور
 و نفیر و مار کسل جنگ ماهید کالای کرانه های جانی اجل چالا
 و وقفنا سمار و میان جان و تن و تیر و جوشن رسم فراف
 و وصال در کار کرد بالا خیز معرکه سر نه جرف کیوان و آب
 سر چشمه حیات بر باد و آتش تیغ داستان کشمکان

مردان میدان جسم خلقهای زده حوشتان وای زین
 و در دینه خم سینه کوب و مالان اولد یعنی حاله اون بدی
 ساعت بخوی طرفیندن انا ققام خوب و جنگ و انا
 سزاره طوب و قنات ابله مانند کوه ستوه پابر جای تجلد
 و اصطبار اولان کرده جنبه پزده کفاری سر حد حیا
 و زنده کایندن دور و مجور و قوه الطهارا نایدی شیشه عا
 و ناموسدی کبی شکست و کمسور ایمکن بر کونه صرف مقدو
 و بر وجهه الطهارا توانایی و زور ایتد و لکه زال سپهر بقره
 بعد ازین کردستم و اسفند یارون بخل و شرمسار و مرغ خون
 آتام فراز حصار فیر و زغ بامدن انکستخای تحین و زنها

اولمدر بیت

زسم ستون دران بهشت زین شمسند و آسمان کشت
 بیت مشهورینک مضمونی اول و ز مشرک سوزده هویدا
 یعنی تراکم کردیمجادن جو هوا بر سما غیا دخی پیدا اولوب
 کشتار زندگانی کفار نه رتبه آفت زده نکرک قمر و هوا

سوزده

و سوخته بر قتمیر صاعقه کردار اولد یغنه تعین حد

مقدار بیت

و کل قرار با کجا جسم تلعه و کل بغیض بالدماء سبیل
مضمونی ایله اکتفایه قرار ویریلست در الفصه بطولها ترکیب و تزیین
التمش بنکین عبارت اولان طابور مقهور لرینکث ثلثی
مقداری قهر و اسرار سین قتل و دمار و بقیة السیف و فدا
و خی مانند نبات النعش بر اکنند و آردمار و ملقح با اختیار
اولوب سنب عشرت فوز و نصرت اولان چهارشنبه
کجه سنک ید بنجی ساعتدن اون یدی ساعت بنجی مرویه
دک زبون کشک قهر و خذلان و جان بردهان و کار و بر^{استخوان}
حکمت مذبوحیه به صرف ناب و توان اید و بسیر
نیل نام بام شحرای غزایه برده سیه مار شامی و بخته ایلده کده
افغان و خیزان و منکسر و بریتان بلغز او پیشکاهنه ز^{نجه}
ملجاء و متحصن اتحاد ایلده کلری خند قهرینه جان اتمق و اعیه سیمه
بی سیر و اوئی خذلان اولست در فقطع دابر القوم الذین ظلموا

و الحمد لله رب العالمین صفای رضای تقرباً و لدیغی اوزر
 نسیم و کسب و فوز و طفر صحرای مرقومی خاشاک و جود ^{کدر} ^{پیش}
 مصفا و مطهر امید که منکره قضیه مرقومه جوار من ضرب خیاب
 اولنان محله سحری مال بهجام و دفع لغت اعیان و تدبیر و نداد
 جرحی ایچون ایکی کون فرس فالجیه آرام و کرده دلاوران ^ن ز خدا
 ورد سا و ضابطانه ایضای لوازم انعام و اگر آمدن صکره ماه
 مرقومک اون سکره نجی کونی صحرای مرقومدن فک طناب
 اقامت و شخیر مخلوط به بلغراه تشجید محالب سحرکبه همت اولنو
 دریای کوه فرسای جنود مهابت نمودک امواج پیش سر
 سالف الذکر خند قدر یا نند جواب و نقس سرب صوت
 فنا و کیفیت هوایه انقلاب کوستر مکه **هیت**
 ماز مودیم بصدر کونه بخت ^{نشین} بیرون کشید باید ازین ^{نخستین} ^{نخست} ^{نخست}
 مفادنی پیشنها و این رک داخل امن سور بلغراد اولن ^{نکین}
 هبات از عبت زهر لینه اند وخی مثبت و استقراره ^{نرا}
 ویره میوب محافظه قلعه ایچون قدر کفایه پیاده و سوار

افزار

افراز و ابقا و بقیه کرده اعدا سر کرده غرور اشتهار ری
 اولان و اسامی جنرال بد کرده اربله نمرطونه و زربینه محمد
 ابکی قطعه جبر مجره نمود و لرزیدن فارس و پانچ یقه سینه مروره
 ایندرا ایتشدایدی ازین جانب سردار ظفر شکار حضرت علی
 دخی کمال ایت و شکوه و عساکر فوجا فوج کرده اربله
 حوالی خادقی پامال امواج صفوف و مجلای اسفه اسفه
 و سیوف پیور و قدرین فضای صحرا خار و حسن و جو و عدا
 رفته و مصفا و لوازم و اسباب محاصره موجود و میابو
 اول شب پر طرب و شبنم صحرا اسندن بیست و ت و فردا
 با بکله ارهوی ظفر جوی ایلیم پینکاه قلعه بلغراه نقل رخت
 جلادت و ترتیب ادوات حصه و تفتیق مبادرت
 او نمخله طرف طرف سودن سویه یعنی نمرطونه و صاوده
 و ارنجه سرسلر حف و عدد و محل محل منفه و طالبیه اربله قلعه کونا
 و رعد اسلوب طوبه و صاعقه نمون و قضایسون خمیره
 با و نری وضع و ایجاد و لند قدس کرده رنگت زوین

بر زمین و لان اول حصن بنین هرمان اساس اول قلعه
 رصین آسمان ملس که ارتفاع بروج مستنفع العروجی خبره
 سازدین نظار کیمان و انخاض خادق عیون الخوری
 مخیر عقول و در بینا مذر سیر افراخته اوج مناعت و فاش
 مرکز حصانت اولوب اشکال مثلثه اوزره مبنی و انواع دقا
 حیثیه فی محتوی هر قلعه فاف نماید هر طالبیه کوه سیما
 اگر چه هبت ترابیه مترانی لکن اقام بدایع تشبازی و منا
 صنایع رعاه اندازی ابله مثلثه ناریه سپهر دواره و غرن
 سینه استهارایدیکی فن شنایان سطلاب کارزاره ظاهر
 و اشکار و در منقلج آتش و آرمحاصره سینه ابتدار و شب و روز
 اعمال اوقات معارضه و مشاجره به تشمیر بارزوی اقتدار و لغو
 بو طرفدن گاه کله طوب رعد آواز و گاه دانه خیمه صاعقه انداز
 در و دیوار حصار و قتل و بروج مناعت مداری سوراخ بر سو
 اتمکله همفکش غزال خاک و مانند کربان صبر عشاق بجا ک
 جاک و اکااصل ضرب با اصول پیدر پیدن کرد و حنیض بنیان

و کلمه

پیوسته اوج کبکون و پرزده سنگ بران طنین انداز طکار
 آسمان و لوب و بر جانبدن خنی و جا و لهم بالقی هی حسن
 اعجاز ترکیبی لامعه سنجه تخلیه و تسلیم قلعه مراعات مرا
 انداز و ترهیب و ایضای لوازم استمال و ترغیب ایله
 اول کور و لاه طریق هدایه سمت نجات و سلامت و لا
 و اراست و لمحقق ایدی بر وجه سابق فارش و پاخوه جانبد
 کچن بقیه طابور مکسور و خنی جانب مزبور عسکری معینده
 اولان هنر بران هیچانک سر تیزی هجوم و افتخار مدین
 و استیادن صکره و راوین طرفدینه طوغری بی سیر و اد
 کیز و بوخلالیم بوسنه جانبی سر عسکری وزیر و لیه صدر
 اسبق علی پاشا حضرت نرینک بکر فی بیکت مقداری بوسنه
 و لا و لرری و نستان و غاسیر لرری ایله بداهه طور لرری
 قلوب خافقه اعدایه رعب انگیز و ملخله فیما بعد و تمن
 و نیک نه طابور لرری امداد قلعه به بار و کمکت و نه محصور
 لرری تحمل و اصطحاب آب و طاقت و ملخله بر دست

وخی و رای دیوار خا و اصرار و توار ی ایتد کله صوئت فیا بعد
 نشان دست ندامتدی اوله حق اعلام استیماندی پیرایه
 بازوی قبول و محبوب منکوس صبر و و نار و ابی و کون^{نار}
 صده خذلان و رسوایی اوله جفن لواج احوال دندان بالاسند^{لال}
 باروی سخت نیروی پشیمانی و ندامت ایله داس عفو و استیما
 اویزان و سد و ریخته جنگ و پر خاسته جرف جان
 ایله نکران اوله قدین سر کرده بی شرم و بره لری اولان
 سالف الذکر و السن چنرال بر قطعه مکتوب اشتی استعمال ایله^{اطلا}
 و اعلان و مذاکره مواد ایچون بر معتبر کمنه بی ارسال^{تمک}
 اوزن استر خاص استیذان اتمکله وان جنجوا اللهم فاجب
 لها فحای حکمت احتوا سی ماعل اسند عارینه نشید

عضد مدعا ایتد بکدن بشقه **بیت**

نمی آید ز ما عا جو گشتی چنه خصم^ص و م شمشیر از بک نگاه کرم کرد
 چونکه عنایت مستقم فنار و موافقت بخت شهر یار طفر کرد
 ایله دشمن تبه کار کرد کی کبی حد و مفسد رینی ببلوب و ترکب

اوله قلدی

اوله قدری نقض محمد و بیشاکت و خامت عاقبتن اکلیم
 وضع کتاخانه و حرکت کمف صانه سنه اعتراف ابدی
 بعد ازین نیاز و مسئولدین قرین حسن عاف ابلکت ^{لست}
 علیه نکت و خی لازمه سینه مروت و مقتضای شکرانه غا ^{لین}
 اوله و غندن ناسته شرعاً و عرفاً و نقلاً و محضاً روی ابد
 و جالرینه باب مساعدن سده و چهره خواهش و اسند عالیه
 حواله طنجه رد او لنیمو بسیر دار مکرمت شعار حضرت فخری ^{فند}
 مکتوب مرقومه جواب اولمق اوزن ستم و تر یا قدن مر ^{کب}
 و اجزای توبیخ و نیتدن مرتب حکیمانه و بزرگانه و غالبانه
 و متواضعانه کلمات حکمت آمیزی حاوی بغیرات مصلحت
 انکیزی محتوی بر مبنیه موثر الا و استخراج و املا و نقل و رفته مز ^{بور}
 ابله نسیم و اسرار اولند قن ماه جمادی الاول بسکت اون ^{ایک} بخشی
 رجال دولت جاساریه دن متبسط و کار آگاه و امور آرمو
 و صاحب افتباه عدا و لنان نایبرکت نام جزالی اردو
 نصر تجویه ارسال و تقدیم و مسفور و الکت سر کرده لکی ^{حبیه}

طرف چا ساریه دن جنک و صلیه دانه عنوان منشور خنیا
 اولان رخصت کامله سن چنرال مرقوم تفویض و تسلیم
 زبانزد بر اعه اجمال ولد یعنی اوزره نیجه طائفه سبیله ابتدای قضا
 جنک و جدالدن بر و ترتیب دانه سخته عذر و نفاقدی
 اولان بازار کاسه منافع کارزار لرین ترویج کالای حصار
 ولده احمد چندان امتداد و بر یکتوب تیزالدن بر کله بر لوق
 ایله بر حیدر بساط فراغت اولوق مرکز ضمیر خبانت تخیل
 لری ولد یعنی بناء اصلاح ذات البین حتمی فرایجه پادشا
 در میان اولان توسطنی قرین قبول و ابتیاج و مشار الیهک
 آستانه سعادت مقیم ایچی سینه طرفندن بضاعت رخصت
 دخی و بر ملکه سینه وقت احتیاج اینه کلندن ناس
 سر رشته سلامتهای سالمه فی ضحی قطعاً الدن بر اقمیوب
 ایچی مومی ایله طرفنه التماس کونه تخریرات ایله بیدری اولان
 متوارد و بوبابین زیور سادروان و عاری اولان فوائد
 خواهدی رواق کلخ استهان متصاعده و ملخه ولت علیه

نظرت

نصرت آیات وخی حسب الاحیاط طائفة مسفون مکث
 بود و دیدن مجازة و الزام الحکم کرد و عا^لیة ضمنند
 ایچی مرقوم آستانه سعادت ن اردوی همایونه احضار و احکام
 کان انتظار بر دست نیس قلعه سنه مکث و قرار بتدر^ل
 بروجه محرم و شمس لئامن کایمینی خذائر و انتقام و مقصد
 و مراد اولان تنخیر بمغرامه تشمیر ساعد توفیق مساعد اهتمام
 اولنوب و فیما بعد جانب اعدا و ن مدافعه به عدم
 قدرت ایله مارا است یاشن و حرمان جوبجا علیم تسلیم^{ست}
 هویدا و نایان اولدق ایچی مرقوم وخی نیسن اردوی^{همایونه}
 دعوت اولد یغنه بنابو خلایق و اصل ارهوی باهر الا جلال
 اولمغله سابق الذکر محض اولان نایبرک جنرال ابد^{کره}
 موادمصاحبه و مقاوله سمر و ط سالمه اچون طرف^ل
 علیه دن ارهوی همایون قاضی فضیلت سعاد فندی و شمس
 الکتاب مصطفی افندی و بو عبد فقیر نعین و تنصیص براسلوب
 سعادت عقد انجمن مکالمه بر خیمه تخصیص مور یوب و دولت علیه

و ملتزم ایدی اگر صیغ بهرام انتقام دولت ابد قیام ایلد جیل
 قوی الابرار ای یذیری نقص و انقصام اولمخله نسخه آب زهر
 انقا قدری تقویم پارینه سال کبی منوح الاعتبار اولمید
 لکن طائفه مسعودخی ابتدای عذر میثاقدن بر ورسته ناما بیده
 سالمه بی پیچید انکشت رغبت ایملدن فراغت ایتمیوب
 بر طرفدن اشغال نازده قیاله فروزینه ادوات اعداد و برجا
 دخی اسالنه جویبار احتیاط ایلد تدارک لوازم اطفال و خا
 ایدر لر ایدی و بعونه سبحانه نجه طائفه سنه تجویج و اذاتده
 متحاب ناکوار فرود مار بنما بعد کله و دخی سیاه مستحصب
 اغترارون سورث صحو و انتباه اولمخله دولت علیه ابدی
 الاستمرار ایلد نجه چاساری ببیندن لواج حالدن تمهید و تقاضا
 استدلال اولنان سالمه آرام اشغال خلالتدن بزم دخی بو
 خیر انجامة دعای میل و خواهر شمر تصدیق و همان زبیره مصاحبه
 مناسب کورلدیکی وجه ایلد تطهیر و تمیق اولسون جو فراخه
 ایچیسى موی ایلد تو صبه و تحریر و طرفدن دخی مرخص شکلنده

المعبر

بر معتبر بکراهه لرین ارسال تسبیح نماید و واقعا طائفه مرقه
 نمک دولت علیه ایله پنجه لو بپنجه ملحوظا و لایق تصور لری
 رتبه تحقیق اولغله در عقب کندی امر لری نک وخی بلا خیر
 و فاصله درجه نمشیه بلاغی خصوصنی بکراهه مرقوم مرده
 اخری الحاح و استدعا ایند کین ایچی مومی الیه علام و انسا
 و اثنای حظ و تر حاله بو کیفیت وخی صورت سبک
 و فراغن نیاز و جاتی مکله صحری بلغزدون نیست و صوله
 مذاکره و مکالمه سح مقتضی اولان مواد دولت علیه مرخص
 و متوسط و مرخص مومی ایها و ساطکر الیه بالذاکره طرفین
 ریخته قالب تقریر و تغییر اولان سبایک قبل و قال پنجه دفعه
 حدن اسعان و احتیاطدن امرار و محکمان مل و ملاحظه دستخ
 و اختیار اولنده قدضکره میانه هر منشا، بغضا و مبدا، غوغا
 اولان ازاق قلعه سنک بالکلیه بی و بعض کاستنکان
 سرحدک قصو و فتور لرینه بنا، اطالة اقدام تجاوزا ایند کلری
 محکمت کاکان رد و ترکی ماته لری واسطه العقد سروطا و لمق

اوزن سنج رزمار مصاحبه پچید منوال تمام و صحرای نبشته
 دخی طرفیندن مواد تمسک لیکت رسم اوزر و مبادله لریده
 سرحد اختتام اولدی سجان من تحیر فی وصفه سواه ضایع رزبار
 نهایت سیریه خفا و کله جی جاسار بتاهاکار ظاهر حق
 ایله در میان اولان رابطه اتفاقک مرعاست و محافظه
 سی و حقیقه غدارانه کسب منفعت و توسیع مملکت ملاحظه
 ضمنند دولت علیه ابدی الاستمرار ایله محکم و استوار
 اولان مرآت عهد و میثاقه حواله مفروض نقص و اخار و تغور
 اسلامیة دن نیش و دین قلعه لرینک محافظه و اختلا
 صرف نیروی اقتدار اتمیشیکن ملوک نصار میانه انواع متنا
 و مناعت و اصناف صعوبت و حصانت ایله مداراغتنا
 و اغتراری اولان طه کبیر و بلخادکی یکی قلعه هر تابنا و دن
 قطع ابادی تصرف و تحلیه لوازم تکلف ایدوب و بذهب
 احکار بطلب قرین فعا و مصلوم الا ذین صور فی جلوه که
 مرآت و هام غای خویشای و دغ افضل و رسوایی جهنه اوغا

اولمغه

اولمخله الى الابد يدرك او كما وفوك لفتح ترانه سن و مساز سوز
 و کد از اید رک نکشتای تأسف و دست گزای تلافی و
 جای اعتبار اولی الالبصار و محل انتباه و القاضی صحاب
 تجارب و اختیار در مهر جهان افزوز سلطنت عثمانیه
 ابتدای طلوع و ظهور نندن برو کوبه دولت اسلام افانگیر و بدنه
 سلطوت دین بد قیام رسیدن کرده ایثار و لوب صدای تاق
 کفار پست اندر پست و لوی منکوس اثر ارتکست اندر
 اولد یعنی بوجو است ابد مدت کما به طاق استهار اولد قوت
 جلیله الانارندن ظاهر و بدیدار و لوب لکن افتاب عالم تاب
 فوز و طفر هر بار و ریچه امال اسلامیانه به تویز اولد
 رواق نشینان ایمان فی اجمله خیر کی غفلت حصولیه رو
 اسباب صوریه و محافظه لوازم ضروریه دن تکامل و نمق
 حالتندن تنبیه و ایقا طر بابی ضمنند کلنج و قعر سنده
 ظهور ایدن هنرمیت و پریشانی نیجه مدت ظاهر مینا عجا
 اعصاب حمیتلرینه ایشاق فتور و نیروی بازوی همتملرینه

ایجاب قصو ایتمکله اولوقدن بروخی طائفه سبله دریا
 اولان سطرخ حرب و کفاه و جناح صلح و صلح اکثر
 غلبه و دستبرد جانب کفار ره هوید و کاه و بیکاه بر منضو
 احرب بحال حالتی دخی اگر چه رونما اولمقدیدی
 فاما تاریخ فرزوردن حالا حافی بیضه اسلام و ماحی رونق
 کفره نام اولان تهنشاه دارغوان و شهریار کینی ستان
 شهنشاه که استلو قدر تو مسابستلو سلطان محمود خان ام
 محوفا بغایه الملک المنان اقد فر حضرت تریکت ایام فیروزی
 انجا مدینه کلنجیه دکت طائفه مسفون دن بروقی مرام اخذ
 ثار و انتقام ایله نه محارباتن کا بنی القای حجت غالبیت
 و نه مسلمانن تخمیل کرانبارمنت اولمنق کبفیلدی بفسر و مقدر
 اولما مقدر ناشی حاتم حوئه دین و بلکه کافه مسلمین داغ
 بر دل غیبت و کد اخنه پوته جمیت اوله رق با نجه کفره
 دخی نکست طلسم سند راجی ایله نوقدن تبرید حرارت
 مزاج و نه ایامن تحصیل قوت مسرت و ابتهاج ایدن رز

و یو دار و خانه غایت الهیه دن بود، العضاال و اسنه
 دست کشای سئلت و شک ریز اشتهال و ضراعت
 ایدلد و وقت و طائفه مرقومه ایلده تأسیس و تمهینه
 ضرورت اچایدن مبانی سست بنیاد مهاده و نه یتر
 ورغبتدن گاه سؤنده بیر سر عسکر و گاه توانی و تقصیر شکر ایلده
 بسط مقدمات اغذار اولمنق ملنزم و درکار ایدی حتی ذ
 مرحومک جکین خانه تراکت اثری اولان مقاله صلیحه
 موضوع بحث و روش سائنی اغذار طریفانه و تحسین
 عبارت ایکن الله الحمد والمئه عون و عنایت جنایت و در
 وقوت بخت شهر یار قوی الاقدار ایلده عامه اسلامیا
 جین دوز ترصد و انتظار اولد یغنی کوکب و نباله دار فوز
 و نصرت زمان سعد اقران سلطنتندن طالع و در
 دول جین جهانیا ن نور سه در ایلده لبریز و ملان اولوب
 جلوه کرمات طو و واسطه العقد سنین شهر اولان
 کرک محاربه بهرام پسند و کرک مسالمة ارام پیوند عهد قر

مشی به سبوق ماثر جلیده اعتبار و آثار مستوجبه الافتخار
 دن اید یکی ستم تواریخ بیان روز کار و در جناب بنده
 سر بر داری و تاج بخسند خسرو خاوری جل سانه
 و بهر برانه خدیو کشور جلال خصال شهریار معدلت کسر
 محمود الفحال فند فر پادشاه اسلام بناه و ظل الله طفرد شکا
 حضرت نرینک کوهر عالمهای کان امکان و ششعشع پاش
 زمین و فرمان اولان ذات مجد و دو وجود خیر و مسعودین
 همون رونق نیکین سلطنت و پیرایه و بهیم و دولت ایند
 رعاده از در سپیکر بطونین مهابت انداز قلوب ستر کین
 و برین صمصام زمره فام نهادند کور ساز دین عادی
 دین ایملدن خا اولیوب بوندن بویله فی نیجه قلاع حصا
 در بنای آورده کمند خاقان بند شخیر و نیجه دشمن قوی الاقد
 خود کامی زبون سر نیجه فروند میر تیمکله زحمه کوس دفع
 البوس جلا دتری زلزله افکن قطار و صدمه و تبوس کاسر و کوس
 حاسندی نخت شکن دشمن بکار اوله آمین

هز

حضرت پادشاه هفت اقلیم

آب روی شهر روی زمین

ایمیشوات پاکنی مولا

اولدی عهد من عالم آسم

بارک الله کما بهمتن

ابتدی تظہیر لوت فتنه

با خصوص اول عدو بد کردا

بر دوان جمله دغ بر دل اید

عالمی ایستدی دین برادر

همتیه خدیو کشور کبر

فاته لر آلدی انتقام الدی

چونکه صلح اولدی السید کام

صلح انما که غالبیت ایلہ

حاصلی جنک و صلح مردان

دولتن دایم ایسون بار

زینت تاج و رونق دیهیم

یعنی محمد خان عدل آیین

باعث اسیر و راحت دنیا

حکم عدلی روان اهر سو

حومه ملک دین و دولت

آسم سیر ایلہ و شاه غفور

یعنی نجه دبد کلری غدا

اخذ نازنده پای در کل اید

حسرت انتقام بر دخواه

اینک شوبله ایند یکم تدبیر

اهل اسلام جمله کام الدی

و بر ویدر صلح ایلہ بوا مره خام

حق انصاف ایلہ مردو ایلہ

جمله غلبانه شاهانه

عالمه فیض ایسون سار

اوله قباج و لقی مزداد	کون بکون صد سرور ایلده
ایده ناکیم شفق ایلده کرون	تیغ برای نابدا و ده خون
اوله قطعی مثال تیغ قضا	حکم یقینی جسانده سر نایا
خرو خاور اشعه سپرد	قلعه شامی نابین ششخیر
بنجه فتح جدید مظهر اوله	شرق تا غرب اکا سسخر اوله

تا اوله صلح و جنگ نور ظلام
اوله خورشید کبھی غالب تام

نوتب عارت ريكما
الحق في الام
سيان
غفاله



ما كتبه تقریضا على شيخ رسالة المعمولة في العروض
للشيخ ابن الحسن التونسي بمدينة القاهرة المعزية

لما وزنت هذا الأثر بيزان الاعتبار وقطعت ذاك
السبك بتقطيع الاختيار وجدته بسيطا في الرزانة
غير خفيف كاملا في العيار ربنا ما توجب التزييف والعرف
انه سالم من العلل والمعائب ببدانة مسبوكة في احسن
القولب طويل عريض في جمع الفوائد سريع مديد الباع
في ديك الشوارد كانه في اللطافة اعلى مما تحتلى به الحور
واعلى مما تفد منه من الدرر والبحر كلف لا وصفاء البحر الى
معدنه منسوب ونفا، ما المزن من بحر قطره محسوب مع انه

لدارك

متدارك في ترويج بضاعتنا الكاسد متقارب الخطو
 بالجنب في تنبيح قبولها الرأفة صانها الله بنجرة فضل
 السراح من طربان علة الحزم و دائرة نبل الماتن من حد
 فان الحزب والشتم كتبه الفقير الى الله ربه ذي المهاب
 محمد المدعو بين تراه بالراغب زوده الله تعالى بالذخائر ^{غائب}
 خمس خلون من العشر الاول من شهر الثاني عشر من ^{العشر}
 السادس عشر من الالف الثاني من الهجرة النبوية ^{المصطفوية}

على مهاجرها الف الف سلام ونجدة

تقرئ كتب على معرب الاظهار لواحد من علماء كوز كصا

كتاب مهني على قواعد الاعراب مبنئ عن نفائس فوائد
 الباب معرب عن تراكيب الاظهار مفصّل عن الاثبات
 اعلام معانيه مرفوعة في محل البيان ورايات مبانيه منصوبة
 لدى معرض الامتحان ماخوذة من اهل العصر احد ولا صرف
 اليه فلكه وان كان كاملا كالمبرد ويعرى ما يات كتابه بسبويه
 بضاعة مزجاة بالاصناف اليه جعل الله سعي مؤلفه مشكورا ^{مهدوا}

وحنان يمتد على الافاضة معطوفاً ومقصوفاً كتبها الفقير الى الله
ربه ذي الموهب محمد المدعو بين اترابه بالرغب لثلاث
وستين بعد احدى عشر من محرم سنة ١٢٨٠ في اليا اذ ذاك

بمؤرخها آية بن جبرائيل ذرقة المفقور



قصیده ریخانی

نه عجیب است ایله کله یو سنان	مسلم
کیجه باکوندره قارشتا ایله کلو	حکد ی بار بار کلوب بنه بنه
ستویه بغضت ایله بصدی که	مردم عین بدر صانکه مبارک قدم
کسدر میکره دوا بهر پستان	کویبار می بصا سخته کبی سیمکام
اونور شدی اکت پونی وید	کور و سأل ویر مدیکن عالم ایام
رمضان حرمه ار فقه سی محرابه	زاهدن ایلد پر شمد ترا وچه قیام
جان تو کسرا بر طبعیت عیده	جلیه بنه قصد بر وار شمدی امام
اهل کیفات کیم اولور جو صوته	شکم اصحابیدن افطاکسر رندام
مشکل اولسه نجف فی مکله بشر	دیره مزین سخا پیشه سی مساکم
	ضعف امسا کله هر بولدی نظام

قصیده

خوش کلور و لبر بلور بدن و صلند
 نشاء سفره بزمی ویر یور خان فطو
 شمدی کر میت و الفت جو معد اولور
 صنم و نور و ن اید ایند فلک حاک
 علم نصرتنه یا ایند بر ز مجه

وقت افلا کلن کل سم اندام
 سربت کاشه و لوب جام سربا
 و وندی طونه بی آبه خرابان
 عید اچنه نوسن قباله برسم بام
 با اوله شاطرینه خنجر زینت نسام

آسمان پایه فراید و ن جسم احمد
 اوله شایسته سلخو اولور دینی

خاتم بزم سخا صفت کن و ز غا
 نکته جمع اولمد یغنه و و جانی
 کولر زرشن بی ابله بحر بجا
 جولایت لوز فکر بک و ز
 فهم ابله وقت اولنسه هر انکی
 شب و لظله اسلوب حکمانه
 رتبه جواهرنه فلک کت رتبه
 اولد و انم و حشمتنه تنک

آب روی وزیر آصف مرغوم
 کرا و لید اکیس بن اید و فی
 نیچه نا آو و اولور سطونه نرم
 نیچه مشکل ایغازون اول انجام
 بولور جلله بو پخته ار سطو
 نه ار سطو که فلا طوندری یلر اندام
 رفعت قدرینه کوناه کوندهام
 نه فلک ایدی حشمتنه بر خیر

آب احسان جاری مرا نه جگر
 پاستبان نه خلق اوله فی انضا
 اشیا ناطق و اوله عدل و دادی
 قالدید غمزه خوبا و خنیا نبرند
 دستگیر فی کرمه قودای افتخار
 ضغفا واری نو اوله قوت
 و اوله دست و وصله پایان
 لیکن هنگامی کل عرض می نمود
 فارسی صفت عرفا چگونگی شنیدنی
 لیکن میبیم او در راضی طیف
 اوله بر کرده اگر الله عنان حکم
 به فالس و بوسکایت و رتبه
 البته طایب ایله تصدیق و تائید

دور عدل و صوبین بولدی مدبر
 کرک ایلله ایلدیر عقد خوش
 کیمدر آسمان اچون لایق نه شایسته
 فتنه فی ایلدی محمد نده و رتبه
 پای و لدای مکر و لشکر گاه کام
 ایدر بیاب مکر آدمی و دمان
 نته کیم درد و غم بنده یوقند
 ایدرم حضرت انسا هله کلسوز
 یرلده و ردی بنی توخت
 چقه اول کافره بکین و زنجیر
 صیف مضمون کورید نیجه و لور
 اتم ایدر معنی ناکره مرادی ایهام
 راغب استمد کی استقام و عاود

روزی نوروز و سببه قدس و عید
 ناقابت عالم شهر و اعوام

ایدر

اید بجه خانہ سحر آفرینم خودہ جولانے
 خیال موٹکا فم جو ہر فردی بدر
 یا قرآت صفا اندر در وہن اکم
 صفا جو ہر ہند جو ہر کل بدستند
 ایدر سہ نخل بند کلک سحر تارند
 اولور ہر مکتہ رنجی بر کلخچہ
 یا خود مٹا جاوے خامد ایتہ
 ایدر فتنہ بلہ چشم بر فتنہ سرمہ
 کلیم حاکم اعجازیدر اجاب
 سبج نظمک اناریدر تلوای
 غزال حینہ ایدر فرجالت نامہ
 فریندر سرا حسنہ ہر معجم
 بنم اول خسرو دار شکو ملک
 معمار عالم تخیل بند و شمشیر

اولور سر پر طاووس مرغ حشر
 سبکو وخی طبع کو ہر بندر فرنگ
 کاو در آئینہ کینی نایہ صورت
 نقای منظرند ہر روح عظیم
 فضای ہین تجرید و زلف و طرح
 اولور ہر مصرعہ جہستہ بر سر
 و بر را بکار افکارہ کو کو نہ
 ایدر رنگ جانا غارہ خیار
 و بر کہ جاننہ بشکر کہ حکم
 و بر کہ فیض بنیادی ویرہ مایہ جا
 اید بجه خانہ معجز نکاحم غنبر
 دیندہ مصرعہ معنی سر اور ہو
 کور بدست نظم اولور دلال
 ایچدن بر قلعہ تیار ملک سخدا

استاد و شفایک کوشه جہانم
بن اول کشف و رو بزم ایدریم
سرفرازم کمال و معارفم و دا
نقبصہ دارین عنوان کنما
بن اول و صا استغفارم کالو

بکا باز بچہ طفل کلن زیچ پچا
مثال آتہ نور نفس و فانی نوزا
تکلف بر طر کچم بود ویدہ
قصوم واریہ ہم مکبر بر طول
ہم مدد حکم خانہ جہنمی و

سہی احمد مختار پاشای کرم کردار
مشیر واد کار و جان سکا

نہ پاشا آصف مقبول عالم و اکرم
نہ آصف صفدر کسری دستور
نہ آصف مشہور یکہ از عرصہ مرد
در بحر شجاعت کو ہرزافرہمت
سکا فطرت ویر پروولت
کاز کوشہ منفتح و نصرت
ایدر خرق موت نہ کردنی
وفا بر خونیز و شجاعت کو ہرن

خدیو بزم سیم و رحم اسکندر
ہم آور و تمنن قہر جنت با
نہ آصف رسم تہمیر باز زم خاقا
فروع مہر و اوج بچک ماہر
بریق بینی مہر نور برج جہانما
حریم دولند مخلف و فتن با
نقبصہ نقطہ مو شکا تیر پرا
کف در بانو سائیم شیر برا

بنای

بنای حادثه آب تنی سبیل اند
دی
بزرگی خانه را دی مجید و رفیع
تفق نه جو غنیمت بزم جا و جلا
فلک قطع رتبه خدمت تیغیله
سبقت آموزند بیز صاحب کسری بر
اگر تل قیر سبه زمندان را اید
فرز رجه اعلام نصر تدر او

خدیجه را اثر به نهاب جم
سنا ملک میبسی رحمت و عاف
فلک یکت کاسه فیروز و کیمیا
درین مشعل افروز ایتله تیغ
عطارد و در بیز منقبت تحریک
اولجه مهر افروز تیره دار رزم میدا
فلک سر تابیا خدمت بزم بون

خدیو آسمان قدر امیر دوار صدر

ایا ذات شریفی نسخه اقبال کائنات

سن بل صدر ز غم شکوه و غم
سن بل تنها سوار عرصه پناهی
سن بل ذات کرم مظهر نسخه عالم
دکلم منده اوز که مکنت مدح
سیریر عاجز ایت کسری سرف
دکلم رزمکه بافته لا اسکند اطل

عراق و روم واقعا بجای بران
ایدر سر سام بیم سخطو سام
که مدح کت کون هم بین قاصی
چرا کاری کند عاقل که باز
جهانه کلمدی تدبیر ایلد راس
کیم ایتدک ستم همت فتنه باج

نه سفته توجیه نگاه انتقائیت
 عجبی در دوزخواره کوزا چدره
 پیریشانی کوز غرا و کله عید که مکر عا
 سزاور بعد ازین کیه اصل طاق عا
 کوز و اشعافکی خلقه فلکده تجمده
 صفایال بله هر زخم نیش

همیشه ساز کاره دوزخ و کز کوز
 که فارغ ایتدی دوزخ و کز کوز
 خیال زلفی را یله کون جواب
 تو دکن تاثیر و نده غره ابر و حجاب
 مقدم ایتدی کی طوطا غلظت
 محله رینج بلبل کبی ایدر غم غلظت

نمایش لال او سنده بند ماه تابا
 النجه دستنه اول ماه پیکر جام رخا

و کل شبیه نام اول در حینه
 اولو سیرازده جمیعت و لدرنه
 نکه سورین لاف اشفته سرست
 قحط حمتنه رسته و صمدن ایدر
 ناسیه ایتسین ایدر و نازی

کاید رصیدو چاه ز نخله نند
 پیریشا ایلد کچه زلفی ناز پریشا
 کورن طرزی مجنونه اول است
 اگر چه برق حرمه و دیگه خندا
 اولو بر جد و لای بقا هرچین

فوق تصدیعی تیر غنبل لای روی پایا
 اجابت منتظر هنگام هنگام شاخا

اوله باخرج کردنه چینه خورسید

اوله معتدل هم کاننایه جارگان

این پابنده تانبده همیشه اعتدال وزره

مراج و دولت و قبالتی باید بر بانی

برای شیخ الاسلامی حضرت اسعد احمد

چند از خن رصیده لیده القدر

خفته بودم بر فراز پستخ سرکران

این چه خفت بجلت این خواجه

واجب طلوع غنای شاد باک از خوش

بعضی مضی ز باار شکستخاوت

حضرت عثاروم اسعد احمد

در اصل این بهام و در فروغ این

اصل و فرع عقل و نقل آوهر یکجا

میکنند از طوفانش این استقامت

در اشارتش خفی اسرار قانون حکم

آنقدر صیبت مندم در جای علوم

بشود که در صحن هزار ابرام

ناگهان بر کونتم آمد از برید یونین

سر برون آور که با صبح نمیدست

بیر فتوی ز برج سعد اکبر شد

از برادران ز پدرا صاحب خلق حمید

سید باب فضل و فخر اهل راقی

در تربیت بو حیفه در حقیقت

ذات او چمن نسجه مجموعه پاک

بوسه از نیر فیضش را بدستفید

کشته نوچا او بر اصل دین کن

همچو شیر از بهشت روح غزایر

خسته علم این را همچو آتش زده
 از بد بیهوشی و مستی نکرده
 مضطرب بودنی تقصیر و تفسیر
 محجیان یافت اطباء و هب نظام
 آمدی بجای افکار نمودی و غما
 قطب سیرازی پریشان بودی و راه
 مارانش شدی بکشته ز فوطه جمل
 همچو غلبه و آتش شن نباید کرد
 بود طغیان ز مشهور کلاش نقطه
 از مسا هر جا با هر که سنجید
 مشکلات از عین و صفی و فایده
 که زنده در مدرسه همچو من افتاد
 بکشتی ای همچین کفتم بخود و دوز
 دست و پایی نیز نم باری برآید

دست فکرش بفرجه و کز او رسیده
 این بر جسته ز بیضا و بی بوی
 تا بکشتش شد مجلی روح کثافت
 ناز بریز کلاش را حقه اطوار
 شیو بکجهایش اگر دوزخ باشد
 کر شد نارنگاشن یک جمعیت
 که بدی سلک نظم صناعت
 کرک باران دین بخت اگر چه
 طفل اجداد و نمانش بوی العبد
 نسبت قدر بر فردی کردم بزم
 آمد از وضا غور بحر فضل او
 در چنین کردب و اندوهی
 در ته بحر تفکر باید هر سو
 از پا اکیس تاریخش و اما فرید

حمدیه چون خلوصم نام تاریخ آتم

جاده سامی رکن افتابا و با اسعد سعید

دوار اسعد خرا از رخت لطف فیم	کر چه کفایم ز بر بطی بخت کشید
لیک دارم با تحلف از بیاض	چند حرف بیر باد و دل که می باید
کردن سیاه خوا با فلک جمع اور	همچو من سحر آفرینی چون مد و حید
جلوه درازی و ز نیز دارد خامه	لیک این معنی غنایم ز بدین کشید
چون با قلم غریب از بیاضی محم	مینماید در بر دوسر سخن طرز جده
با همه اینها شوناج و رومی	در پریشان چنین و ده بون سده
سرفرو و فلک بودی از غریزی	اینک از بار کران مصر تا قدس
از نگاه لطف تا هست امیر	تا شود از کرده خود منفعل خج
شکوه که در درازی میکند	کن عای مجد و بشارت در گاه
تا بود مصفا احکام و سعید	تا به یاجوج فتن را گاه دین

بادا اشارت شریار بخشان بشار

خانه را بشنود و فضل خود را کلبه

برای انواع حضرت علی پاشا

مدد

اولوب فیق نامه طلع خرافتی

خدیو جسم سلطان محمود

بقای کاه رفعتی افلا که حکم شود
 اودا و ارجانک صد و الا قدر
 میر کار و دستا خسرو ^{ران}
 ساحت مایه تخمیه همت زاده ^{طبع}
 سعاد خا زاد طاعت دولت ^{سعی}
 اوستو طغریا و کیم ایندی ^{لفظ طبعند}
 زهی الا و باغ و کشایم کور می ^{مشلن}
 مجبئی خانی به دیر سه سکنه جیر
 زین آسپان سینه دوز ایدی ^{ستم}
 بولسوک جمله آرام و وفوق ^{ایش}
 همای حیر فیضی تا انداز و سوسه ^{آقه}

طایفه لئی او باد آبا و اوله ^{مشد}
 علی شاه آصف حرم و ستم رزم ^{خاتم جو}
 اولور توفیق و دولت ^{منضوع}
 حاسبت عنصر ترکیبی قلب فیض ^{اندو}
 و کل منظر بو فیض و رفعت ^{مقتل}
 بو طرح اوزره بوزیا بارکائی ^{محدو}
 قورلد لاجورد خیمه سحر ^{فرسو}
 نکار سنا چینه اولدی ار دلکشی ^{محمود}
 مریا بر فطال ایدی فکلیک ^{صد}
 در و ستن کدر و غیر برشی ^{منضوع}
 زلال جودی اوستو شکا عالمه ^{مورد}

ستون رفعت و بلند قیو بویله ریخن

علی شاه باری بارکاهن ایلیمه ^{۱۱۵۶}

برای جامع تریف حضرت علی شاه

وزیر اعظمی یعنی علی شاه

امام اهل حضرت سلطان محمود

کلدن

کلید صد و بیست و یک خیر او تن	بنجه مسجد بنجه کبه بنجه حمله ایدو
نکست او خیر برین استه بویا کیزه جا	که اولد قبه سی دونه حورف انداز
مقرن طاق محراب صبح انجیر میانه	منانازک اندامو و صبحدر کویا
همیشه قبله حاجت اید و دگره با	بوناک کیسی بنجه خیراته توفیق الیه

ایدر اسمیله مار بجن بو مصرع را عجبایه

یا پلیدی موقعند جامع النور علی پاست

برای مسیح بلغراد

جقار و سکر کفای دیدم تار	بلغراد قلعه سنه الدی محمد پاست
--------------------------	--------------------------------

برای فانی جللی نه عالم افندی

این بر و رفرد و او هر سلطان مصطفی	طبعی نقاد معارفی تدبیری
خدمت علمیه و فیه و هر منصبه	انتخاب یتیمکده اهل ایلدی
ان تی و و الضنی نظم نظام و	ایلدی سوره هر جا اولد بر بیت
ایتدی هر بر رسته املی مخلنده	ظل الضفا اوله فرق نام او
عالم لسمعیل فندیله ویزو زینت	صد فو اکمل ایتدی قدر و جلا
کنز اسرار معارف نامظم سکوت	صره بخشی فو انداز عهده الفریه

ایتر اولدی عیسا تنویر ایشاق اول	کور دی بکر اینق فضلنده ساج خراب
رکن علمند او در کمنده عبد اید	عصره اوراک ایدی صاحب العبد
بو یله دامنده فتوی تشریف	اولدی از با کماله عبد رب بالایی
دوستی از با معارف عرض کالانه	کلدی پیر ایندن طبعه شوق خد
سویلم زافصوله همتا بر کینه	سویله بار بکلم هریتی بر قصید

بیکدن بر اینجی دوست بور سینه ریج لطف
 جاده فتوی اولسون اسمعیل فندی

برای ولایت همتا سلفا

و اورجم عظمی پادشه هفت افقیم	اوله فریادنه اسکندر و واراد
مصطفی خان مکارمیم و عدل	خیر محض ایلدی نیات وجودین
ماظم کارمل ادم اثار خل	حانی بیضه دین باطل علم و عدل
و اثر رحمت ایدی عینه عالم اول	نسل پاکینه وخی حسد ایدی عالم
جمله اولمندی بو امید یله صد	دست چرشته در که حی و من
در عقب حسن قنوتی اثری ظاهر	ایتدی بر دخر سعد خدی حولا
اولین مع همتا حق ایدی چمن اول	اسم سنه اولدی همتا سلفا

اولی

اولدی برونده کلک ساحت
عالم اولدی بوست ایله شایسته
سوقیده ایل سخن دانی ناریجه دوست
بنده ای غلبه کم مایه خیر برانده
لطف اقبال دلاغمه بولم

نیجه سهر طلوعینه دلیل و برهان
بیقبو کتبی کی کدر بنه تنگ اولدی
اولدی هر بر جانی نیجه بو سواد
لکنت لوک ایله ک لکنت لکنت
سویه بر ناریجه حقت نیل ساد

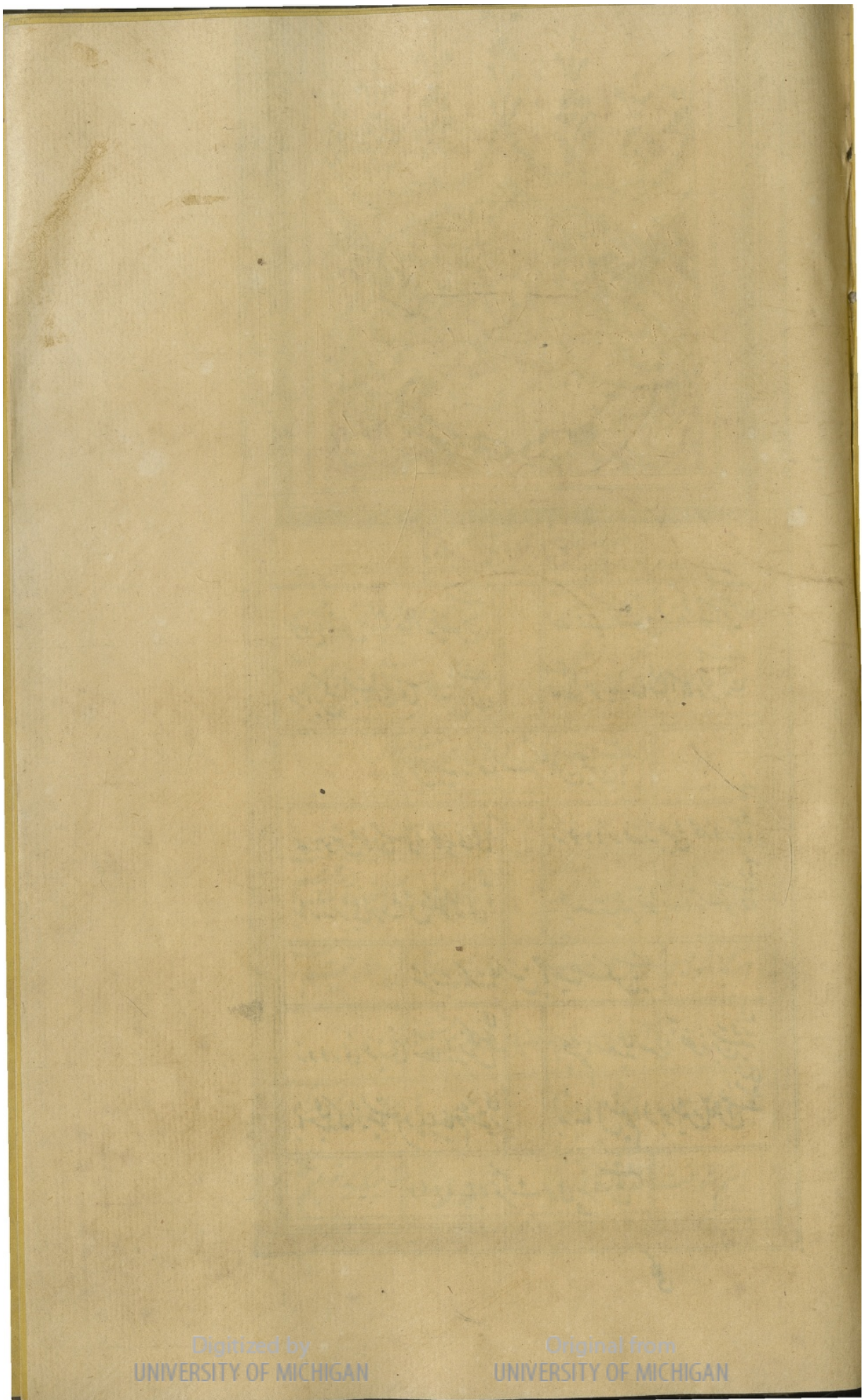
بیکن بر وقع اولور بویله لارا ناریخ
اولدی کونه طر آوره بنه اسم سلطان

برای ولادت شاه سلطان

دولت وادار شاه سلطان مصطفی
طل عدل بر اید و فرق انامه
تیره دل ایکن چاه غم غم و سکن
شاهزادی بود دفعه کر چه سواد
یعنی بر سهر اننا جند سترک
درک اید و بو حکمت مخفی فی ایل خود
اولسه سترک شرفله دهر واران

ایک باری وجودین علمه راسخ
سایه لطف اناسر بوله کتم و سکان
ایکی مهیا یله اولدی شایسته
اولدی دختر ایل لکنت بو حکمت
اولدی نام و مقدم ایکی دختر
اولدی ماملول طوبی ندر زیا شاد
بویله بروقه طلوع ایتمه تصاد

خوفه شاه رسد و ما اید توان دور نه کرد و نه عالمه له فیه حلبه ر بخته شوق و مسته دوان میر و اولدم سو خورانه امان استرم و دواوسته خلوتی بمان	شاه سلطان اسمنه اولد سز اولدی اولسا عتبات سسله خلفه کیده اولد راغب چون کیمت خانه انزل بند بر آهوبسته عصا خانه سولدم نابسته سابلر بر یار کلم
	جاده افشاره فلک نشاندن نار بختی پادشاه سلطان بنت سلطان مصطفی ۱۱۷۴
	برای جامع جدید و اسکدر
فیله چنه بو معبد زینا انشا بآ	پادشاه ایلست جامع مجمع خیر
	صدر عصری بند سی غریبه یار بختی جامع رعنا بن شاه سلطان مصطفی ۱۱۷۴





نخستین برای غزل

فروغ آتش صبا جان از فیض تن	لطافت بخش آن نه ندک خاک وطن
مرا اینکینه روشن غبا طبع من	صفا جوهر جانها آگاه از بدین

کل آینه را خاسته کلخن چمن باشد

بد هوش جنون سستی و محموری نی	نه خود دار فتنه را عیبی و محموری نی
به از رسوایی از عشاق منظره نی	محبت چمن شود پر زور ستوری نی

شراب نک عاسق همینا سکین باشد

ز دوری غریزی انتظار از نیکو نی	بچشم ما سفید سر ز آخور زین سیه نی
با سبک که از یوسر و هد پیغام غمونی	بد نبال نسیم از جوشن قند نی

دماغ ابیا با عرک بوی پیر است

کلی

کل گفت از باغ کالم جز پریشان	ز بخت کافر خویشم ندیدم روی خندان
زبان خام است پندری جز	نشاز گفتگو حال مرا غیر زبانه
دولت خیز بهم آرم گفت افسوس من شد	
ز نسایهای اوچ گشت غایب	ز چشمت آهوا داشت مجنونیت
بجانبی که رنگ آرد مکن بر جان	ز آنک بدین یعقوب دور آید
سند از پیر این سف کفن باشد	
ز بهر آن از وقتی که شدین غمش	بمیز خور خود شد بهر رویش
چنان غافل شود رخسار از زین حکمت	و با آسای این هر کوی باز شو
هر باید بفکر زرق بودن دهن باشد	
تخلصی بای غزل صائب	
فتنه هر چه کل کرد از بهار چشم	کر خلد خاری از زخا چشم
هر کجا شوی بود از فطر کار چشم	کر به مستان من از خار چشم
آه من سر نه و بناله دار چشم	
باز ماند از جبر تفتان چشم مهر	کشته هر از نگاه دین یکانه
چشم شوخت انقدر در فتنه دارد	سوخ چشما از تو میگیرند نعیم خانه

کردن آهوبند از انظار چشم

باغزالا که رسد دعوی همچو چشمی ترا	خلقه جسم تو باشد دم عفا و
کس ندین همچو چشمی نو کا فزا	کر چه تنها نظر بسته است از نظر

هر کجا باشد نظر بازی حکما چشم

در مصافقه باشد اینجا جنت دلیر	بیشو در گشت او برد و مرگاتج نو
نکحت و ناز از سودا در دست	از سیاه لکد شایانمیدارد کینه

ورنه چشم آهون کجا در شمار چشم

کی بسره و کنم بیکجا نگاه آشنا	بیشو هر چند روشن زبان جان
حرف از عشق گفتن نیست با شیدا	من بزم غماز اما روز کار یک

هر که بیند بی سخن داند که کار چشم

این چه بالادست نیست نه چه فرکان	قد عالم کشته چو کشته شکر کا
کرده است انس و پیا را بر سر بیدار	نه همین کشته دارد در گوش

چون صف فرکان دو عالم بقرار چشم

هر کجا باشد همید بدروت	دور اگر نزدیک است از حق باشد و در
نیست راغب هرگز از صبا نشو	کر چه هست از دور کرد و صبا

منته

مست و بناله دارش از خار چشمت

تخمین برای غزل سحر

خواهم شو شمع زاله جگر پر دانه	بفرار و منی از صیت مهرت دانه
چو کل طاهر شود بر با قلعی بایام	خدا بار نکش تا اثر کرامت کفایم

ز موج اشک بیل آب تیغ بایام را

ز بی بر که بهار من خزان نشان دارد	وجودم به وجود را بیل ایجان دارد
بدین روشنایی کی کسی تصدیق اند	تم از بک ضعف تیر خنجر ناخوان دارد

کنده جسم هماره گمان تصور خوانم را

بسر و سوسن ز شمیم گل دارم	که جا از دوزخم شد بهیستی دارم
نه در دل نشو شوقی نه در غم غم دارم	امید نکست نه حی بی پروا کلی دارم

که آواز نکست ز بخت پندار و فغانم را

کمی در سنی از دق کل داغم اگر خواند	ز غیرت نسخه سمان کل سوزانند
کل خورشید را بر بند اشک غم خواند	ز رنگت من ک کل آتش بداند

حس خارست از فرکان بیل بایام را

ز پیوند علی که بستم رشته الفت	درخت بهتم چه سرو از راه کلفت
-------------------------------	------------------------------

ز شاو با فروبستم چو آب دیده	رغبت	نهام خورم آب از جوی طبع خوش	نیکیست
بهاری میچکد کز افشای برکت خواهم را			
تخمین بر ای غزل			
نه کویانی همدمش نه نخلها هنر دارند		نه بیمهر طالعش نه بخت بد مهر دارند	
نه علویان نه سفیلان نه افراد بستر دارند		نه سسند در نه بندند نه هر خرج کنند	
بود در دهر رخا نشود جام قدر دارند			
اوله آذر در خطر دود و دوزخ	عالمه	او کور قد خمین منت احسان	عالمه
نمک لیس لبه دل صحبت اخوان	عالمه	دین آلوده و طر نعمت الوان	عالمه
دماغ دین لذت خوان لغای خود			
او لور کین نکاحک شقه بر ناو	دولت	دل انجی دوندی شمشک اولی	بد آمو
بودر ماینه آیین مین ماه بزم افروز		دو سنج قافله کاه تغافل سوز	
و کل سندن نکاحیت شکوه بی اثر دارند			
بر آه صبحکاه هکله و لو کن مقصده	و هر	بویشده سکا غر و قصو نیمک خنجر	
و کله در سبب مانن کله بویله	کل	سکا ایشا تقصیر ایک بیو جدر	ای دل
بو تقصیر نه سندن و کله چشم تر دارند			

عند

بند و ملقن و رز با همیشه بهشت طبعك	دخی بالای مکنند را کور خست طبعك
مسکدر اگر چه اهل طبعه وقت طبعك	بو بغیرت و سخن کلد رقت طبعك
بو فیض معنوی نابی به مجرای کرونذر	
تخیل برای غزل ناسی	
سرایه ساد بوج اختر مد	برهای و لیتی تاج سر مد
انار فیض لغت حق پیکر مد	سوج مراد با نه جان پرور مد
حرف نشاط زیر لب اغو مد	
عفا یاز پر و راج قناعم	طاووس خوشخام خیابان نخم
شعار پر فردوس کن جستم	باز عسکار کبر چو کاوه هستم
کام و کون جنبش نال پر مد	
کست ایدم افاصلی قطاع عالم	تختین ایچون میاوتی اودار عالم
در کت ایدم نتایج انار عالم	هندن صورت حقایق اسرار عالم
تالیف از نامه و هزار بر مد	
روشن کللی داغ در و غلج	هر بر نفس اتمین فیض روح
موقوف جنبش لبهم انار صدق	آهمن در کلید طلسمای کنج رو

آب حیات بجه چشم زدم	
دجو ترهواسی صفا خیز خاک	هرخل باز نشوه و دانند سماخ تا
راغب ایدرخیا کربیا صبری	نابی ایدر شکوفه لرئی هری
باغ بهشت خاطر نازک تر دم	
آفرین ای شهنشاه عرصه زرم و غا	بارک الله ای سپه سالار منصوبه
بر بند و ایند که چهر اولی بهرام سما	بر غزا ایند که خوشنود اولدی
دید یرده لشکر کوکج ملانک حبذا	
زرمگاه دشمنه بر کونه کندک دور	وانه خودل قدرسد و مله طوب
صحن بکا ایچره ایند شویله مردانه	ایتدی چهره عکس کاشه بوق
کرد رخسار دین خوشیلا ایند سره	
حق بودر عدا به کوسرک جلا	روز باز و رسم پکا سجاخت
صوت شیرانه و مردانه همت	شدی بیلک شاه طهماسب
کورمتیلا بوندن قل بویله قهر باریا	
ایمیشلری بحر آسما خرو لکری	بر ننگش ایدی کا هر طوبه آرد

الکونور

اكنوردی رسم طابورین طرز	شویله کوستر دك كه سنه جزو جدیدی
-------------------------	---------------------------------

اسكر طابورین سنه ایتهك هبا

دست تیغ سطلوكله قهر و لوب بویله لازم اشته و شمنده اخذ	اولدیر باجمله شاد روح اصحاب مصرع جریسته اوصا اوسوبه
--	--

صفدر شیر افکن کسری شکر کنورک

عزم و تقیمیکده شویله تکلیم و شیا هیج رخ کوستر دك میدان	ایتهك قطعانیا از صلحیه ز غایت لطف رسواییده می ایدك فزانه
---	---

بقدی قالدی ششدر جیرتن زرا و قضا

کیمده واریمت بوکونه قهر و شمنیکه ماسن القابغنه ایلده سنون	بویله زرمی قاور و طردی تهاق بینه سولیم مکر فادایک کسرتیکه
--	--

حضرت سلطان محمود کسرتیکه ایتهك

اولمستد هیج برطرره بو نصیم عظیم هت شایسته کورلو برسطاهم	پادشاهان کورمشدر بویله برنج کح احایله لطفیلده خلق عظیم
--	---

آخو و طرز و نه محشر بویله بو جوا

شاهد قبالکه توغلت کاکل برنج و جم	شعله تیغ عدویه بهر راه عدم
----------------------------------	----------------------------

خانه باریک فکر نامظم ملک	دست سعاد ملک باریک سیف و قلم
--------------------------	------------------------------

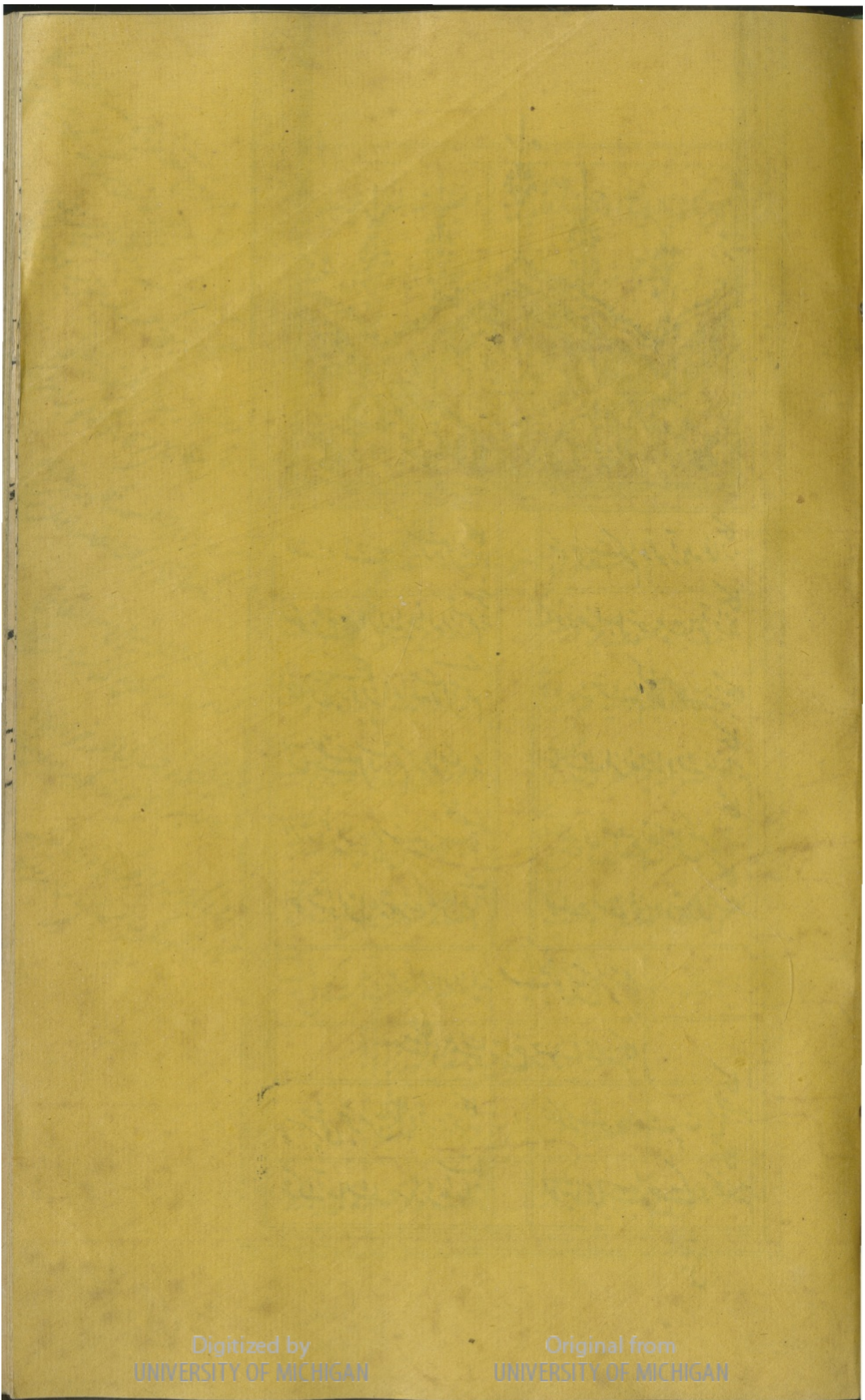
حق بود ارتقا دستورانه یه سنن

سناکه شایسته در انواع فخر و افتخار	ایمیش منیا اقرانک سنی پرور
کیمده وار نه غم تا وی یه سنکله	ایسم بنای جسم بچر کون حور

برق ملک جابجا علم و هنر له آستا

حق بتا دلیت و باکلی فرزند	فقد غم بدریکت تو او سونه
دشمنان زبانت آما اولسون	عرضه غرمنند او سونه تو بنجی

ایته کی خلا صله بربت بنگا بود و دعا



Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN



نقد را و لب پرده زار بکا	سوخنی اسکم او لور آله غار بکا
سوق رخسار ک ایله له ازیم پکا	اوله فریبیل سورین هم آواز بکا
طاق ابرو ز یا و ایله نوازیم	با و نه خسم کلا کلوز ازیم بکا
صاحب سر درسم که بوجکده	غالبک ملز نقد را و له غبار بکا
ارزو ایدر ایدم سیوه تحصیل	ایتدی تعلیم قافل نکه باز بکا
خوشه لوق ایله نه زده یکین عالم آیت	بولدم صفوننی ووشندی همسان بکا

بن او مروه ایله اغیب البشی صانع ایتیم
امتنای ایلمن چرخ جب انداز بکا

سیر چشمی خرمینا وثر و تدر بکا	تنگدسته وسعت پهنا فی وثر بکا
ترک آسایشله درد ز در آسیا	توبتای حیرتم حاکم و کلف بکا

جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 حکم جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا
 جو تریخ نفاذ حاج بابا اولیاس کا

قابل نکت اولیا اولیٰ زیدی	اگر خاطر اکبر سے بڑا
ضعفہ روئے شیر شدہ افان	شکل آبی نہ تو کیسی فتنہ بکا
رہنما لازم دکلدر اولیٰ زیدی	حضرت محتاج اولیٰ زیدی
داع ہجر کبریا ویرم	نقد جا ویر سکت ای ہمارہ
حکمت سمی و محبوبہ غیبی	
دستوی غیبی نکت ندامتد بکا	
عجب پاکیزہ طینت پر صفا	مکر روح مجسمہ دوش فالت
فروغ و تابخ رسی خم صفا	اولور ہمطالع بدرور کوکت
نکت یکم صفا ای ہزارہ	دویند فکت ساقیدہ نجیب
دکلدر فیض خم مانع وضع	بکا بوسن مانع میدہم شہ
کسی ہمسایہ ساقی کہ مستی	صفا و شوقہ کجلاور روزو
جبابی دکل تخیل در کرمی	لب جابہ سریت بلبل کویا
افاضہ ایلد کجہ کندیہ پر فیض لورزا	
دکلدر ساغہ بوش سر فروون مطلب	
خروش داع ایکہ نیم بہار کو	فلک بو کو کہہ نہ دغدار کو

حقیقت ایمنه جیسا دکل کسار یا	یا قنذر سنجی مستعار کویا
غزوت ابنا می هر اید رخسار	که کردنی فلکات بر قرار کویا
مذربو طوطی طبعش بن گفتا	اول افکند رخی آینه در کویا
سمند از یله غنایم یک پیا	اوسهوار یه بر افتخار در کویا
سود و عرق شرم ایله و تور	لک حال جیا اعتذار در کویا

هر از و کله آلام و میس و کلر خسار

اول نکتته راغب عسکار در کویا

بچندین آرزوها دیده ام و شش	کل امید خود سیرا کردم از سیرا
ز بهر عشق و نقش خالشان را	کشید آخر بصورت خاچه شمر را
نه در حین غم انگی نه در لقطه	مرا که حین زور آتش غیبت کجا
خلل در کار عشق از اخلال	کشید یوار سوت بدلا از کلاب
بر صحبت آینه رویا لرزه می	مذار طبع سونخ من چو سیمای اضطرار
سرا پا نشو شوقم بهر شرب که	نیاز آرام بدر کشکله چنه شراب

کسی از رویا هرگز نخواهد داد میدام
ز نور سحر جواب این غزل غیب جواب

جنون محضی از آله اید رشتۀ آله	و کلمی میکنید و راشفای عالم
صوبیند فولدنه کورانی کشتی	خدا چون آید ی سنی ناخدا عالم
گذشته و مدینه آبیله اید	کلور قولد غم نیند صدای عالم
اسیر ابعج حکیم مشرب	عجبی بیند و یسم بیدای عالم
هنوز اساس قدیمی ماب حنند	نقش بر آب یکن خربنای عالم

او فتنه صوبی اغیب مذاق جانده ویر

بوا بدار خیال غنای عالم آب

الندن چکدیم ساق و کشتن نینق	بنم صبا دیو توغول استدیم زهر
سودی لشکر سوارین و دودل	کدایا سرکوی محبت محترم
نه کیفیت سرشار محبت اولدیم	بکاسنبا شاد و بد نصیب هر
کمی از قافل کاه بارور و بجا	بنم چکد کلام ای یوفاسند
سن آید کجه توجه و لیدر اغیار	ور کدجی رایدن شایم بی لطف
کالندن کلد و غن بول کمت	مدار حقد و کبر غنی عا دینا و دود

بنی همعه اواز بیل ایلین ر آب

سکوت جا کند ز نار یله ول غنچه قدر

کتور ناست خستارین کتاب
 اولورده خفته تقویم کتاب
 کلا ویدر نمان احسن کتاب
 عجیبی کجخط از کتور خواب
 اولورده نسی صورت معنوی بدم
 تخریدیدر مجلس شراب کتاب
 سزا ویدر نفع عظیم مصحف کتاب
 مؤلفیه شرف ایلر کتاب
 صاحبکد نسی اخلاق اولورده نفع
 اولورده حبیطی ویدر آرد و خواب کتاب
 کور ویدر نسی کلستان عکسی بدم
 یمنی کور ویدر نسی ویدر آرد و خواب کتاب
 فلکی روضه الایمان ایدر آرد و خواب کتاب
 دعای اول اگر انبسم انسی بکند

نصیب	نصیب
تردماغی می باشد هرگز ازین صفت	جز نگاه خستکی از احد نشد مازان
نصیب	نصیب
عشق هر جا هستی مست بود او	ببلا از خوشن کل داغ حشر
نصیب	نصیب
شد ز فرزند می مخنوم و اسودا	برده هر نفس قربت زینش
نصیب	نصیب
مردم پسید روزی که شد	نیست کردنی عالم تنی
نصیب	نصیب
که نمی باشد در اینجا میشود اینجا	کی زانید و صار دست بردن
نصیب	نصیب
در چا هرگز نمشت با کسی حالا	نغمه را حکه عالم کشد خیمه
نصیب	نصیب
در همان نغمه شد را درین دنیا	هر که در دحق صحت داشت حق
نصیب	نصیب
با کسی هرگز مباد انتقام	باز تیغ ماکند خون که به آخور
خلقه در کوشن جابت می کشد چرخ دود هر که را غلبه و نغمه دایره نصیب	
حرف التاء	
نکست	نکست
سکه خاویز ایتدی شام	رونق وین ایو خطب سبهم
نکست	نکست
نه زمان کورسه اولورده لاکام	اولی مرات تنکطع عجم
نکست	نکست
اوله آینه نکسته اولورده ام	کنده می عیبکده اولورده وینما
نکست	نکست
هی کیر از ایش اولورده مودام	شکن ای ایدر مرغ ولی پسته

خاتم عرشی کی تہ اولوز نام	ذات محبوب چہ رونقی او ملز
ذکر جسم بزم اولمہ در جام	اہل فیضک اثری قلمہ نامی قلم

رخسار آئیدی و مہر و بکار رغبت ہم
ایک روز نک رخن کردش ایام

ناج شرارت قبہ کیوانہ آت	رطل مرد کفیلہ ول تپاگرستانہ
سندہ وارفتا ایچہ بترزہ تلی	خیلہ و مد رائد طوطی لغت لبرزہ صبا
عاقل اولدیریم سو بو عرصہ دیوانہ	جلوہ گاہ سیف و فرزند اولز کوئی عشق
زبور خوش قبولیت کو فتنہ نیانہ	بیل دل شکستہ قدری ہر پشیم بود
ای کجا ابرو و کف بکر کل یانہ	عاشقک ایلہ کاغذہ کہ آماج نام
داریسہ نیزوی کریمہ خوابانہ	ساعت کف قلم تیر و تفککہ اقتدا

آت قویار سون بکہ تار ان سنخ تنظیر ایچہ
برزین طرح ایلمہ راغب غزل میدانہ

عجدر کم سر سبز و دوشک بایہ د	ہمایہ نیز اولور کن تپا وایہ د
دکل مدوح یکا ترا و ملحق بایہ د	لسا و فی فراز و شب بستانہ اولور طاهر
سرب جہنم اولد کعب بایہ د	مسخر آئید اقلیم سر سرور و سوا

پنچون

سخن آفتاب و خورشید
 ملک با قدر و کرامت
 خسته و خسته
 چشم بیمار را به دور
 با طفره با عجب و با تافتا با ستم
 سوز و درد و کجی هر چه جعفر
 سخن خفیف ابرو به غریبه
 زاهد اگر کرم است مجله و به نقد
 کورید که هیچ باشد اول و به عود این
 اکل نور و از این ملک خدایت را
 جگر می گوید که از او غمی خاف اول و
 طایفی ابرو را فتحی در وجه با مروت
 اول و غمزه ای او را و اعالی با ماک
 اکلم نمیدرکنی بوندی که کجاست حکمت
 شاخ بر بار کجی ایند شکسته قدم
 اول و غمزه ای خشم بر و اهل بیت
 غایب با بار کجی آری به برودت کبر من
 را غایب بونی کجی اول و کجی اول و کجی

نخون طفل در سنا وضع نو سر	مکره مشیره می صبا سیر دینه دو
اگر تدقیق ایند و سر و مقدمه	خمار می پرستند خمیر دینه دو
ایدر اندام ناسازین بن زمینده	ایدن زربا جودی و دوشنه

صالندر فرورش کادیانی فرزند
 اول و سر نه سبب شنخت غریبه دو

نذر ای کوکل بو جیر نذر آه و به	مکره ایشش آفت سنه و نفت
نیچه آفت آفت جاستم فرین فنا	نکمی بلانکینا قره قضایا
اونگاه چشم کپور رسیده طرزه	او د و بر و د و بجو لی بنمونه
رخمی ای کل کل او شرم زلفی او	ای صومعه بر مل او که و بر جاده
اله سینه پیا صوبه به هم نوله	با قیلور می قیل و قاله کتور و توه
قائن ایند شکسته اوله خشم سستی	ال تیغ نازی هسته ویره زنه توه
طربک او تو مای ویره قدیده خوا	این رقص اینچمن قیا و زنا قوی

نه خیال صائب تر نه کمال طالب تر
 بو که طبع را غلبه تر ویره بویه زینت

حرف الثاء

ابرار اوله فرو صاله باعث	نقد بخت اولور ملاله باعث
تنشيط ايكن اقتضاي صبا	اندوهم ايدر كلاله باعث
آههي جاني ايتدي برباد	زلفكي بوخت ملاله باعث
فعال لما بريد ايكن حسن	اولم خلطك انفعاله باعث
خوشين غرور حسن آندر	كون بيشه برز واله باعث
معلوكش ايدى اكر چه عالم	لطفكدر اولان كماله باعث

دلده اولوزلف دستا نذر

راغبني بو قيس و قاله باعث

حرف ابجيم

تازه

مثال لاله داغ آتشين آج	درونه زحم دنشين آج
اجل اي غنچه بارغ لطافت	چكلمز عقد چين جين آج
كمي بند قباس كه نقابن	كمي كل اي صبا كه يمين آج
بز قاسون مثال غنچه مستو	بز سه نكته اي نازنين آج
اكر ستر ايك فيض قنوج	دل عاشق كسي كنچ دفين آج

ادامي لكش خامكه راعب

۱۹۰

اچرک بویله برزکین بنین آج

ملاع حسنه ویر او کافر اوله	الذخنه فارغ او کور و باج
حرم زلفه و ملقن مو بمو محرم	نفسه و صباغی الی شان
فلک تک ایمن طعن بینا	قضا ایدر سهام حادنه اما
ایدر ناز ایلدا و هر دن پیر	بو لور او خسته بودر انقا در علاج
بیاله با بر بوسه لعل ساقین	بو فوق قاعن بزم جسم النعم
صفایه با او لور امتزاج مسا	شرب ابله و غنجل سوی مزاج

دکرمی کرینه و سوز و کدازنه راب
سرتمحن فروزان که شوزین

حرف الدل

دسته نای الد قچه و رشک	دست و زده و ربام فلکند حور
مره مرک رقیب ایله پیام و صکک	کله بر توأم او لور عا عید و عید
انید حمت قضا ایندی	شو خواتن بر جام تو مشی
سعه و دوز افسر ایدر دوز	را بکت ایل هو وضعنه ایشنه
داغ افکو وضع ستر کر به سینه	جانکد از او لکه در حفره عمر جاو

مکوی سوائی صالکت بیاخته حق
ایلم بهید وراق خیالاتوید

سکایت کلدی بوجور وادار غیب
اوله بر کون این بدخواه که ده صبح

دو سر هر دم کیسویه ای تابنده اولا هموار طینت صفا آینه جوا	سینه آیدر هر ی و تشنه که با مون ایلم یاسیلانده
نواز شکار است که است و حسن کذار بشتا عمری اثر به کلور غم	ایدر می ساز سینه دکه بر نضر ایلم لب جوهر صما جان جو شایه
صیر خا صانه مصلح حاته بو ایدر بیجا دام شیشه کما بدن	فریاد فریاد فریاد

دل مجروح و صدمه زخم تان در هر تسلیم غیب
استه شمانت کونه احباب بدن فریاد

اولانده ای تحمل نجه آب مرد ایلمی کذار بختند کل رعنا	بن ایلم عالمی سندی رستم ناور اشک خون وایله جنم ناور
برک سبزی دفع ثقلند کران اشین خنج ادا نود و ناز کور	کمند نیک تخفیفه بیاراه اور نیدیکن فیم ایلم مغنی کرم و سورد
بیکن بر دونه مجید نقش در کجاه هر بکشد نقش کعبه کعبه	در در

در این

درودن فریاد عیلت نذر بفرم	قدر نعت ناشناخته و کلمی درود
---------------------------	------------------------------

نامح قانون غیب خانه نشو ستقا

بر غزل طح ایدم هر صوفیه برود

حرف الراء

تا وک انداز قضایه نمهی تیرد	ساعت فتیه بروری شمشیرد
-----------------------------	------------------------

حسنه با اندر جا و دستخیزد	نوع و سخن رونق بغیرد
---------------------------	----------------------

عشق اولوز تو باز و سینه باوی	شیر بوعرصه اهل لینه شیرد
------------------------------	--------------------------

نظیر خواشیش آلتون آید	در دونه جرمه می نشو کبیرد
-----------------------	---------------------------

اولیم قیدن از ادرین قیدد	دلیک اوصلی خبر ناله زنجیرد
--------------------------	----------------------------

نقد طاسه صورت ویره بفرم	کارک اندامنه پردا تقدیرد
-------------------------	--------------------------

نه عجب نیمه در باغ ایدم رباب

منم اوله سحر میوه تصویرد

زخم خد غمزه سی جان و جگره	کوز و کمن افندی مد کن لوبه
---------------------------	----------------------------

بر بر کذارین ستم اول و لباد	نیر فرهم کج کوه کلدن نظره
-----------------------------	---------------------------

غوغای حسن عشق اوله بولمز	اولا جوابین دل و جسمه
--------------------------	-----------------------

التون صونين ماهي هم عكس نو

بر آب خنجر اوست و زيرين كنج ده

مردا مهمتي زن و بناز بون ايدر

بوعصه حامل اهردي مرده

بر كره سنج چه مبردا سازون

كوشل است كه كوشمال فلكت پرده

حل ابتداي خطي بند كر كير كا كلي

راغب اليه هنوز اسواير من در

آب بي نشو و بيله عله اشن با صيلو

آب بيله نقد آفت سرش با صيلو

يست فطر كره زينت ايله فليمن

اولسه هر طرزيه فاليجه نقش با صيلو

نقي و ثبات فلكه متخالف اقبال

مهر اند به جو محضه مشكور با صيلو

كر به در يابنه سكين غبار خاطر

كر و حق فلكه نزال اولور تيز با صيلو

بوفرو عا مخالف كه شون تا كدر

اصله عودن بونغو بوكتا با صيلو

سشير طبعه آيدم بوز ميني غراب

فالب كشته اخني بواد اشش با صيلو

سانه كيم دنده سنجي كراسته نو

اهل جو دابدي كي فيض سا خلد نو

اولدي روستن بجا همصو فانور

برخ كراسته دخی تاب مجتله نو

آب خاكند و رانار فرج منگده

كيم كه اند و ايله عوم ايتسه سترله نو

كوره

کورس غیار به جانم همزم ترا
عاشق فدی کجایه بف غمزه در

درو صانه ایسه غبه هب یکا اندر

بن کدن افی ظن اینه کد ورنه در

نشوه صبا حکمت جام اندیشه در
جلوه شوخ پرزاد سخن شیشه در

واغ شکم بیتون شیرین پاک صفت
خنه صد فرادنا قابل دم قیسه در

بجایار با بهت اهل بهت در
سزده شیرین کمانم راحی پیشه در

اهل بر گشت فیضی بندند ترغم و کسب
فوت نشو و نه ای مکرست یسه در

یر کمر و کج دل اغب اگر کبسه تنی

مایه جود و غنا طبع کرم پیشه در

چون مجنون نشسته سی جام بگز
باق نوسن خیر ایله خامم بنه بگز

یا نقطه مو هو به با خود جو فرد
البته وجود و هنک بر نشه بگز

واغ ایتدی بری غیر ایله کسب
یر اثر بوسه غایان کیه بگز

آمینخته لهو و طرب ذکر و سما
هو هو جلدی شیشه حرکت هی نه بگز

راغب دیون مرثه و صکنه اید ترا

سبز خطکه خضر خسته پیه بگز

هیچ و تابینه دین کار کندین
 اضطرابان بن کام استم تحصیل
 به نه نامو که فر برق عالمو
 کشته محروم فیض اتر تجلی دار
 امتیازینک بدین مانع الموعود
 خوب است انارید آینه کردار
 جلوه حسنه مرایا مظاهر و نفوس

چو آینه دین کار کندین
 مو فتنه به تکلف کار کندین
 به مجابان شود سار کندین
 جنبش کسار دین بدار کندین
 سایه کله کم اولز خار کندین
 هر نه صورت طریقه سحر کندین
 هر که ایت اشارت یار کندین

نویله در راغب جازات علی کم فی المثل
 صورت رمح و ریخی غدار کندین

دله مرآت اعدا نیجه صورت
 غیرین معنی موهوم اکین اول
 دو سر آینه خوبیت ادم سر خیال
 صائمه کم قائم دیو با مومن
 ستمگر حق بینه تماشای شهو
 به هزار دله مانند شکاف بلبلو

بزم اما که در آینه و خا کوثر
 ایست نویله تجسم لطف کوثر
 عاشق دلشد خواجه صلیت
 سکا بو عرصه بر اهل که امت کوثر
 لیکت شکل بو که شکل کار و شب
 کشی ستر آینه مرید دانست

نقد

طغدر کتک او مهر و کلور آفتاب
 کون کبوتر از تر و غم غمی مایه بنور
 بر زینت کتک پیکر طلبه بیابان
 کج استغفار که زینت او فخر
 با فصاحت و بلاغت فیض و انانی نخلی
 با حسن خلق اوله جو از نریت سحر خونسو
 لاله اولور البت زبان فاده پیچید مو
 قیلچو عینه طبع ارباب سخن خلعت
 کاره لبر زینت فخر اولور و بر سر صدا
 ثروت افزاینده بولچو اهنیا خستنه
 رافت اولور انفتاب سوسن بهر عالمه
 شعر پاکم کور نچو عا لباسور شو کندن

نقد رست ایسه میان قاعه رغبت
 روز نندن بنه معیون راحت کورینو

مسیح شوق مرک اول جلا غره کر قمار و لطف فالتسمه دم عجایب هر در آرزو کا کوسه صف چین جبین بویله آوید اولور عینه خاندا ظالم ظلمت بغیر دکر بطون سید مستر	جبانه موندن تصویر این بهر غره اولو کتک سر چنگ از غره جفا فتنه راحت مکر ایجا غره جبار نه تکلف بر طرا اید غره سیه زنی حسنک عت بید بنای کافریدر قصر غم بنای غره
--	---

هر آن اولور غمی اغت کتک نبال
 دل جبریل هم رنخورده صبا و غره

اسیر کاکلی دبنانه صبا که کز فاش حسن اگر کرد خلی و بر دی نیابت هم و هری التزام سم سمندنه رخسار کتک بیدتی خصوص زمین بویا کبی پامال	دوستوب قیلن اینو هوا دخی متاع غم وری کرا نهاده خدمت غره لری این لفت فاقه لراو شه حسنه بیابان متاع رزق ریاد و لرا غنا
--	--

فغان و اغی نیکنان نوال غنیز	بنان مطربه بق پرده نوا کر
-----------------------------	---------------------------

او ما هن اندی و قن با صلبا بن برو	عجب که راغب پیدا هنوز او راه کر
-----------------------------------	---------------------------------

خمس سر سبز صبا خود طر فتنه	حکم آموزا فلان عقل ذو فتنه
بنم اول طامطلبان عالم خوا	بیابا هو سکارین حیرت بنمونه
بنم اول شهریا ملک استغای	مرصع تاج جم بزمن جام سر
و بر جبریده حیرت رفت	براق بر قمار عقل کل حیرت
بن اول سحر آفرین فتنه انگیز و پر	فغان تیغ ابروی بتا نقش
ندان ما حسنه بویه خود را	سواد حسنه بختم سرخی خا

صد اول جز باز حسنه تخیر نمه و نرا	هما پر واز نماز الفتنه کاس سیدز بون
-----------------------------------	-------------------------------------

کوی فنیایه شوقیه پویا او کوبید	کویا کلا بود هر پیمان او کوبید
قالدق ایر مرکز خاک تن	جو لروی محبطه شتابان او کوبید
ابلیس و عادی بنیسی فصل	کوردم ریفتی دست و کیرین او کوبید
بر جید او که خینی ماند بر طجم	مجلس جام می وخی کرد او کوبید

مردن

بر داغ نان با قند پشیم غدار

را غبضای سینه کشتن او کوبد

ویردی بزم شوقه پیغام فد و کجاست

طوطی آینه شاه در بوی کجاست

که خیال کت و صال کتک اولور

لا ابا و منع رحمت بخشه مانع د

بارست یکمیلن ملز برای کمال

تاج فقوت و کثرت لیس کشته بی

سوخ اندک ساله نکست سوا اولور

اولدی کلنگی بلیز بزم کجاست

نطقنه صورت ویر کوبار کت

دولت شکست هیچ قلمز نهی

بون حرکت اولور ذوق کجاست

بی تعیش بسته تشریف اولور

جام میلن کجیمو بسیر کجاست

اوینا در عشا قنی اطفال بازی

خاطر اجابت را غبض فراموش اولدی

بزم اناس الفتنه و قنوشا کجاست

صفا منور خردیخت و تقوی

بستون روزها و یلدی

امینا ثابت و بیاری مشکله

کجیمه ذم ریختی خوش کجیمه

بزم جدر بون حکم جام غمنا

همت عشاق اولنجه کوه برجا

طن ایدر شکاشته حال دیر

عاشق حفته طام آه بیزد

حقیقت پند تو فیهی سیمایستور
بوی بولن سالک هر اسیر خدایستور

بزار غنچه زلف امدادینه بوی کجاست
کلور نوید کشتن کجاست صبا بختور

تنگ بضاعت کوبار وصل اولور
بو کولر کجاست کجاست بجه بهایستور

جنون نوید کجاست کجاست کجاست
بوی انجوت کجاست کجاست کجاست

عجبی خیمه در آب هوا باغ تظاف
ویر رس بار دخی خام نارسیاستور

نه آفت اول کجاست کجاست کجاست
بون ایله کجاست اول طاهر و لیر با بختور

اولور جود و ایله شراب مدقا فال
کلامی جور و درازانجه رافیا بختور

عالم بخت هو می معین ایا مدر	موسم صیف و شتاز ورق و تنه
هر متاع کس بر رو و اربوبند	که نخل که نیاز و کاوا استغنا تو

طوندی شرق و غرب را با صدی طلعت	
مدحنه اولهونک را غلب کل دنیا تو	

کم که مانند سپهر و ملهی غوغیه حکم	کینه صبح ستم کینه فی اموش حکم
دوغ سختی ایکن عالم او کان برو	بار زوی فتنه انی طرف بنا گوشه حکم
بکمر او صاع فلک بار کران لکم	پایینی دامننه خرقة سیر دوست حکم
ست این نوکل اولو ایضا	موی خرمن کی دلم تعجب حکم
ایندی روشن بجا کونا می عمری	اشننی زبا آفت خاموش حکم

برم میدان بودی ال حکله ی باغن آ	
طبع را غلبه من فرا دل لب منوش حکم	

او تو نیاکه جلاش چشم دود	غبار در که ارباب فیض و همت
اور دستبانی طالع که دغ او	فروغ به تو بیز جام عشق
در لیل و نهاری عجب خیال	یا شام وصلت عاشق با صبح
بناسی دو و جا کنت اول روز	تھاکت عقل بوند جای خبر

فلک

فلک ویر آوده مکرک تنها	اکه چه خلد برین کوشه فترا
زنا ایدر سنی ده شنای شود	بو کار خانه اخذ و عطا بنود

ایدن دای خط و کشته بزی را

اسیر و فتنه هب سینه کما بندر

اوست

ضعیفی تند رسته بخش صید لاغر
فلم ملک سخنج خسر و بحر و بر
اودل کایینه و سر صفایه منظر
اوهر مربوط وضع سعد و حسن
اوبدر کیم دم عیسی کتر جان
نهال باغ حسرت و غم بار اورا

لمش

مکت طلال خسته بال و پرو
کمی بر بحر و کجا بر زبان نوح استخیر
تکلف بفر اصل خود زین اظلم
عنان نه بکند و فی مطلق ضما
دوای چشم بیمار غایب خود بقی
و کلد فصل ما کای بهما کما

تعالیب او زره در را غیب از نی مکر دو

نیجه جسم ناز و در و بوزمه ساغرا

ال شمع قوله نکیه ابریک
سینه کج بق نازه سن
هک کدی دیکو دوشن اکر

اربابی ایلد نو و کدان الشدر
پرزبایه داغله هر چند
دوشنده پرین کوره ارف

طنبتدی کو رسو عکس خن جامه
ما بین کراتش و لکت بارش قدر

یاد صکی با ذکی اغیب ایدار نش
مانند قدم دوست را یکی شقدر

اگر چه سارخا عقد و صله کلک است	خط آور اینست تو کلک است
صافق و شوخه طو تشنه کز لوج	هوای مسترا و لور صکره بر کلک است
کلودی بزنده و دین و نوب	ینه زیانه قور قور قرم فلک است
نمی می سخت جگر آذخاری شاکت	سه سر بر غم جا بجای کلک است
لکت ملاحتی ملین نمک بحرام	حلا و سنخک نه بی کلک است
یکما که جوهری صا اولت و لب	کور می که هیچ اما کیم کلک است

فقط شکایت عشقی بن ایلیم غیب
بود عامه دل حین مستر کلک است

دو چشم ز که رخ آن شبک	اوستیسه و که غمک بزمنه کلک است
بیاض که دوز چمن صبح ایدر دل	بزم پیاله مرده شیر و مینا کلک است
بره هزار و بر جلالت بومرجه	هلب بغض کف انوسا سب کلک است
اولور سکت ال این خونمی لب	صفق و ساغر لبریزی کم شتا کلک است

داردی

وارمی حال کامه دو خندی پور
نه آه وزاری و کلر نه الفعال

بودن فلک املایه بجا دو کر
مدام آتشه خوانا به سب کباب

عجیبی سبزه خط کر به خزار غب
بهار موسید رقطه در سحاب دو کر

فتنه رموقه اذن جنبه اسید
کردن سینا وزره لغی کوبادو
اول مرده فکن عجیبی سبزه غب
فیض طینت بشقه در سوخی صورت
ویر خست نوله جا کربانه
خوشنما در کر خط سبزه با قوت

سحر با بل کنه فن غره جادو
باج جنبه سبزی با سینه سبزه
ساعده سبکین قوت بازو
هر غزاله صغده کیم حرکت فتن اسید
صبر عشق دلبسته چرخ ناموسید
نوبهار حسنک با سبزه خود اسید

اوبتی راغب نام ناله را غضا اید
غنچه بی خاموش اید ناله یکتا پر اسید

محبوب آرزو آرزو آرزو
که دیر و کاه کعبه کیمی سونج
ابله فریب چار سبزه شربت

مشکل سبزه عشق با آرزو
حق جوی قند و اوله آرزو
کالارک سبزه قبا آرزو

اولش با موسی براق و جام	زند ان هیئت کند صفای
کسته حوادت بام ایکن نه	جوق کشتی ایتده هوان آرزو
بخت او بینه طبعیت نه بی	صائبه و لسه خلق خطا

راغب او لور زمانه هر کیم بر یوان مفر
صافه هنرله کیمکه باس آرزو

او دکه سرفدر مجلسند محمد	نه سر کران صفانه مکر غدر
افندی فانی بچاقلید جام و جام	نه اولدی زاهد سمدی نیش
سرو و نغمه سربانی غمغزانی	عام سوری جها با فله مکر
هنر و رانه کورنجه باب کینج	کشادی حشر فانه و نغمه
سو د کا کل سکیکن بینه او	بیاض کدک فوری زحمه
برای عاشق اگر اول غزال نازی	ایدر صید سوز اولر سکر
مل و دانشه بی لکله اینج	مذاقی و ارب کیم فسرله
علاج خسته که کافردم کرج	بحر روح هوش کل سولکر

کر ایتدی کوش سیر صدی تا سازان
انکچون اهل سخن سمدی غیب سید

نلف

زلف و خال را به بق خا بنام
 کرد بده بنر سر ری و اکت
 اضطرار است ایدر ضبط خا
 ایلمز ابراش آرا بشتنک
 وک ابله دهنه و سوزنیکه هر
 صاف طینت صاف لرد و مکر در

فرصت ده کور که خرد و ناله
 دوشدای سوا می غباشید زید
 سایه سره اولوز بخیر موج
 زینت اولما زاره اندامده
 کلب لک ز اهلش شمس
 خاطر آینه ده آب هو اندر

سوسو ساق ایلین هبالتق تقدیر

بمکنک جستن بوق را غنیمت خیا

ندوم استرا نوتش اولیدر اول
 منافی ابد هر طلبش بده ارم
 بیاض صنع حدش در قدر
 کائن جله قدس خم ابد را و ک
 مثال شمع زبر پاکت اتمز پر نوین
 ترا حمدن متا نقد را احوال
 صباح حشره و ک کتمز نو نقد

اولور یا سز مینا پر صفا اروق
 انکچون جلوه کرد در صورت نمی اوزده
 زرافشا ندر هویدا صفحه بینی نه
 اولور کستان فائز لذت حساب
 عجمی دور او کور فیض لطفکده
 حقیقت کدر مختلف آرا
 اکلمزنی سیه کای حشم مکمل

اگر پالار ز روز ایلد اول سبب سبب	ایدر وی صورت وینا اوم پوسن
----------------------------------	----------------------------

تخالف بر طفره ندهب ندی تقوین
توافق اینتر اغش بزم یزکی هر مندر

تنگ فوری کبی اغنه مرتقی اولو	لبیخجسته کبی خسته به بر می اولو
غم ابر و کله فاد و کمد کبی می اولو	بفسر کبی به دن اوم و کل دید
برک کلفجه تصویره سبب می اولو	اهل تقلید یله رول ایدرمی
کوشه می کند دین ز که عالمی اولو	برایغ ایلد غم عالمی مال اینج
بنی بوسن ایلد و ستم و بنک می اولو	جام سدر کبی بند می کیفیت ایلد
کل صبر برک کبی بروخی در همی اولو	برول غنچه که لطفکله اوله شکفته

خامه در راغبه لافاح اقلیم سخن
لیک هر دست هو سکاره علم اولو

بلند خیر سرتیز کند ضلی و ا	اگر چه فتنه ده اولسم ساعدک ا
رفیق کبی انا راه انجلی و ا	اوا هو چیه با صید ایلک کج حکایت
که خوش معاند زنده تلی بل تلی و ا	صفا بزم طرب کجیر می طعن و ا
کرده ایل هو اچره بر بیکت لی و ا	افندی طعن ایلد عقلی و ارمی مجنون

لوانی

نوازی فی کبشی لسنه وار عشاقه	درونی داغله پر ورسنه هم می
هوازی لکشت ایله بر صبا میزند	بهم با ستمه و سودا کور که تل

نظیره و نسته اولر بو فکر ایله راب
 مینا یار کبشی نکتہ مخبئی وار

بدر منیر و بیکه روشن مثال اولور	اوصا ابر و انکه مطلع هلال اولور
دو شسته مینه حسرت جنبه ککله	هر فطره تخم نرک حسرت غزال اولور
بزدور و خوشن میکن در دو مختل	خو شید جام هم کمر و اسغال اولور
سیرا اولور فیض شکست خلوت ایله	هر تداه میوه کامه نسال اولور
بو بند ریچه باعث نقصان مله	وار با کشته الدی مدار کمال اولور
بکم در حکم فلک کت بار سنن	قد حلال کذب و قتل اولور

صوت و بر کن آینه کضار طوطی به
 راغب نیون کور بنجه و خیال لال اولور

دخسته لکن بلمدی صحبت بیک	درونی فاقله عنایت یثقه
سرا بقدم کل کی اول خوش حقیقت	بلبله ایشیت نالش حرینه بیک
هم سینه سی یزغ و هم دانه می	نیدن بیلور شو محبت یثقه

بر ساغر ایلد یادی همن پیر خراب	کوستردی بو کون نیمه کرانته دیر
معلوم اولور یور نقطه مو نوم	کلغچه کلزار لطافتینه دیر
تا اولینه هر جبهه فرقت عاتق	ورکن ایلدیه خزلت و صلیتینه دیر

صوتن اگر اغیز انا که جهان
فهم ایلدک معنی رغبتینه دیر

ازاد کافیه ایل سر فرزا اولور	ناز ایلن سیه او کیم بنیاز اولور
ستمییر بر و آن سینه زار فتنه و	جیمشک دیکه سر سدر جوانب اولور
کنج در و ناخوابیمت ایش	وارنی آیس غم کیمی و لنوا اولور
باقی هنوز نشو فیض دم صبح	آب هوی میکن نانا اولور
یک بیلن بهار و خزان بو کلشک	مانند سرو قامت عمری دراز اولور
ساکشیل هوادون ایدر ابد کدر	اخون حقیقه مبداء مجاز اولور

راغب سمند نقص ح و ن بون ایدن
بو عرصه هر تنهاست ایلدیکه ناز اولور

شو غدرله که دل لاله زار حشر	خرانه تشنه همینه بهار حشر
بره هزار دیر تخم بایس کوسم	بوته لوله کسینم حشر

صفای

صفای سینه نه آینه دیده چهره	فروغ طبعه نه دغدار حشره
بکا بواله و دلو و دوا و راه	عطای بنج سیه بر کداز حشره
دیار فرمه آچهر مناع کام آید	کشا هر رایج اولان بونده بار
امید بستر فیض آینه بر وصلند	بوخته سقایی این جاک جویبار

صاف که دمن ای جاک اید زرا
سود گشت امل خار زار حشره

روفتی ساغرک شراب ایله	فلک کس فایله
شیره سوختی عمارت دل	نکه مست پر خواب ایله
و عین پوچ ایدردم شاد آ	رینی بو مزرعت سرب ایله
برنگاه ایله عهد حنکده	دل و دین نه آب تاب ایله
املی اضطرار ایدر افزون	فوت رسته بیج و تاب ایله
قابیندر ایلین کو هر	قطره فیض حق قوا ایله
نه بیلور لذت کاسه ایله	هر کیمک فکر ای خورد و خواب ایله
اوله غافل هوایه صرف آینه	نقد انقاسی بیل حساب ایله

چونکه بوقدر انیس حجره فیم

راغبنا صبحتم کتاب ایله در

سواد سینه خطه رخ بنا دوشه	سیمای پویشی نام که خسته اند دوشه
میلدیشته که بر بحر بیکرانه دوشه	فراخ حوصله ای که ضعیفی نکست
شمار آتش غیبت رواق جان دوشه	فروغ روی عرفا کی دوستند جان دوشه
اک اول زمانی که نوبتین شکان دوشه	بهر فلک بزی ایندک ستمه کردان
حکایت اولی و لغمت کیم لسان دوشه	بود زندانی حاکم تو طعن میگی
بزم حصه مزه صبر فانه دوشه	یورده دولت سر قلندر ی به فلک

اگر چه نخته که در خیال طبع سلیم
حد که را غلبه هب فکری صابانه

دو چشم خوف نام نیشی خا شانه	او جور دم مرغ خواب حشر کلچانه
بجوم شکر غدن فران باد بانده	خیال زوق جام ایچو ایست جانچانه
فیناس اتمه تنگ کیم ریند استخوانه	سهام جور که در دگر بیچاره کوانه
بونیکی کامکوسد کیم آسمانده	جهان قطره ریز زهر حوام اولده

تند عشق خوابنده یرد اغدر غلب
سینه لکله بن سحر اچون نم نشانه

اول

اوستا مبدع سحر سخا و ملق استیو
دوند کجه سمت ساز شه دوند را
چا اعلیٰ قند احکامه دوند حرم
دل خیلین هر کجی بر خد نکات
انوشا لاله های مانیش فروزین
غزین اولاد وصفی ترندن

جادوی خا خمر سوره و ملق استیو
دوریه ذوقه مدار و ملق استیو
هر قطره شکر شکر و ملق استیو
کلغیه تخم پونه خا و ملق استیو
اولا پیا زین کجی و ملق استیو
پای کست خا قیار و ملق استیو

شوق طواف کویک ایدر سوره
راغب حرم وصله غیا و ملق استیو

خوابان کورنده هر بری بر حالین
سزنا ایلد کجه بجه میل رونق کلدن
جلی نشین اهل حکم اورا فانی
نه ضبطه حاکم عقلی حکم صابط
میا گفتگو مبدع ایهام انجمن
موفقدرینه ابست مبدع شیده حکمت

اطلا افضل ایدر رندا و ز اعلیٰ
بزم فضل منا ملک کیفین
بهشت اید کجه زاهد اکل سربین
جنون اقلیمنی کشت ایلیندر
سجاعت عرض اید کجه موقبل سزنا
طبیبت اوله کذب در مضن

پرین خاطر من مکته سر بسته و قالدی

نه کلمه حکمتن اکلمه نه رغب علقن سولم

اولم نه لدر بخور دور بولم نه دند	دکل فلک کن خا و قصور نه دند
با قله نه نه نه وضعی دار	نقوشن کن بد و شر و شور نه دند
بل مجاز فادون حقیقه ای دل	اولور سندن اجازت بخور نه دند
نه دکل نه کی بویو چو دیکته	شوکار خانه نه نقش طوطی نه دند
جواد کا فر فیه نه حریف اولم	غزور نه دل صبور نه دند
ینه ماسع تو فیدان اولور	نه انکه ساعد همتن نه دند

تصوی نقشه نه غر و غر ادب دند

حقیقت اکلمه رغب فتور نه دند

خوب ویا صورت آینه نه دین اولور	حق بودر کیم بت نه دین اولور
گاه اولور لازم در شمع ضروری	سنگ غلام و خوا اولور نه دین
الف تیغ ورا ایدر کرا جان	بستر نه وزن نه خوا خنک اولور
دود غدن اصلا ایترا نه دین	کشته نه بار کرا نه دین
هر نه دم فصل نه نه نه دین	آب نه نه نه دین
چرخه نه نه نه دین	مشرقی نظم باکم نه نه دین

طبع

طبع راغب! بیاری لبکسیر بیدر

میسوه شعورم خام اوله شیرین

کینه امتنانن سزا دلدیغم

که صد مجنونه مستغان سزا دلدیغم

بهر غم هم شکر خیر ایلده دلدیغم

سروان آرام ایلده باد دلدیغم

اکلن کونی شادیکه دلدیغم

اکلن دست خوشتر از زبان کاک

اکلن دور شو نوشنم ایشیاکم

اکلن کوشه دیرنه بد قیدی دولت

ایدر آراه راغبی کلفدن فایرین

بواسلار اسیر دام صیاد اولدیغم

حرف از ا

سردار کوشم ناج فغور استغر

بزم ارباب محبت نای وطنور استغر

نوح آرر دل دختر زکی سوز استغر

خاندان فتنه بی هیچ کس سوز استغر

به قیامت خطاکیم فتنه و سوز استغر

کلفت حرف جاید طبع مغرور استغر

سیکنا بزم عشق جام بلور استغر

یه هوادر کاسه شیرینوانا کلور

کلن که اشکفته رسول کی شفته

استغر چشاک خرا بماناز اولدو

ایتم ایل سامان نظم چشم و لب

یکت تمیزه بستر او که کام کون

ساعده بختک را غلبه بر سر و فر

پنجه تابش شمن و ملق قوت و زور استمر

تاراج زار کا کلی جمعیت استمر

ابادی خرابه دل کلفت استمر

یار قدیم غمگه کو کل الفت استمر

صهبا دوز که جام بکمی زینت استمر

بر درون استه حاجی کیم شو استمر

لذت چش نخستر اول و صلت استمر

بیار جبریت نمکی صحت استمر

بدر مثال خانه آینه بر نگاه

پر بیم بهو با اجابم اول قد

دل بسته صفایم اول حسنه

نقد رینار بابت باب قویله

اول نشو کیم طلبین در اول

بالا قضا ایدر ده اینا و هر دن

راغب امید همت اگر همت استمر

ز ما ضعف قوت در عصابه محتاج

بود بر کمنه هر بزم دعا محتاج

بوید شرطه لطف خدایه محتاج

دل شکسته کبی بر کدایه محتاج

دید رمی ماله و هر شنبایه محتاج

محرک دل و لود در بایه محتاج

و هم سجد اینک بجای نیست

نه ناخدا دن عا نه خود صبا دن

اوله نیاز فری دل قویله در

ستمک یلیکانه لر فلین

در اس

ویریه رخصت کرد و در بار استغنا
شوماسودن عباتر غنایه محتاج

بولندن اول است شویندینه راب

متاع زهد و ریائی فدایه محتاج

هزار اجاب اول اهل توبه و کلمه	بو کلمه شام فقه بوی کلمه
زحام آرزو خواجه حرکت و کلمه	انگیز خنجر بی مدد و پیام و کلمه
یاد ستاویز از شد باغ تازه رنجش	تبی برکت و نو کوی لار و کلمه
دور طول ال له وضع کند کلمه	جاستدن تعبیه پیر صله غنا کلمه
بو شد رگاه و هر کجاست مهر و کلمه	کلوه صد کونه نقش آتاف و کلمه
سرمه مشد در و کجاست بزم تله	مذاق آرزو و تله کلور کلمه
کلور مثل دم نخبش و کجاست سحر و کلمه	لیکست چشمت کبی سحر و کلمه

تکلف اتمه راغب استخوان اهل دعاویه

نکات اعتنایه قلب اربابیه با کلمه

مطلبک فل ایله مخلوقه مداد و کلمه	ویرین الهمداری لکست باشا و کلمه
برجلی ایدی موسی که کم ال بر و کلمه	سبحر طور همیشه به سبنا و کلمه
بیلورم عشقن تازه که عشقن	سکابور خضقی اما دل سبنا و کلمه

فیضی بود قدر فدا و چه زیبا به	کلبن باغ مصو کل بویا و بر فر
زخم تیغ و تبره کر که کس مغفر	با سنی او ز رویی بنجانا کاجا و

ینه هتیار لغه ام لب فیدن او لور
سکا بو نشو بی راغب مل صهتا و

پیغام پوچ و صلوات او لور	کوه غم غم نیم المیه بر باد او لور
تا بملد کجه قیدرها دن خلصفر	منور و دام سبوق صیاد او لور
اولسق هزار رحله با یوسن عا	ممنون لطف مرهم حنا او لور
ساما سوز خرمین صبر و لهه ستم	هنگام کرم تحله فریاد او لور
اولدق خراب هر و قدر خضری	تغیر و نامزد مکرا باد او لور
بز خط و لکش قلم صنعی کور شود	حیران نقش خانه بنزد او لور

چشمه جود و جلبه کر استک صو
راغب فریخه هر زها داو لور

نکاهم کل جسم حشر ویدار و	صف فرکانیم خا سر ویدار و
سبقت بختی زار حشر ندیجانه	نهال مداهم نخل اشبار و
نمر سیم کل آتش سر و سر سفلد	سرای کلسنا عین اشبار و

این

ایده خون که بدو غ و جانینی نام	عجب تاب بنب فرقه دلنهار دور
سر سر شویله سر آهنگ فیه و نو ساز	کلونی استخوان سینه سوبقا دور
و کل رام و راحت نه که و سوار ^{جای}	تن بیابا به روح روانم یار دور

نکه چشمه نشسته نفس سینه بر خنجر
محصل را غبه عمرم جات آزار دور

نه قصر و کشتن کلشن صحن آزار	شوتنکاده ها کوسه فرغ آزار
اولوبشام هزار ارز و کام	هنوز سیم کل کاه به بر و مان آزار
رضایه حکم قضا موافق اما	برازم نه بضا فدا ساز آزار
دلیل عقلی ایند و رهنمای حیرت	فرغ مری یا تو مان چرخ آزار
زبان سینه کاوشده نوک تپنده	سرای کینه تحیق و لغ آزار

و فور همت ایله خضر مکرمان اوله لم
بنچون بو وادی حیرتن بزرگ آزار

لح حال کی نطق خوش ادا اولمز	حصول کام وله بویله برجا اولمز
اوئند خو کوزله عرض عا اولمز	اگر او کورمه بقبر آشن اولمز
بزه معین مدد رس شو بحر جبرته	خدا او کور او کور یونا خدا

طریق عشق کبریا امام مستند	بو یولن شهر ایلد کسه مقتدا اولد
کیم نالین یورلر مشدر اولد	هیچ استقامت ماندر بر عصا اولد

اولونالدن ایتمه امید میوه کام
بو خام داعیه به دوستمه راغب اولد

کل رعنا شی مکس غرضبایرین	هزشتاب مهر طارم ولایرین
فروع حسنه بقصیت مستقی	هزار اوج کل پیشلایرین
اولور بوجیه کن اول اید حشره	فیل داغ عشقک سمع بزم ایرین
بهشت اولور قننده جرایینه	دیر لسه قیسه بهنجان صحرایرین
خدا کو سترسون طوفانم قاجیه	خبار غم طوز دل عالمین ایرین
سهند نازی خلکنه و سوغ نازک	اولور سه نور دسر اول قنایا

مثال حشو مصرع فیضی بوقدره نظر فر
طوز بر کجه صد غنک امایرین

اولمش شسته مایه غله خمیر	پرورده تنور لیس فطیر
اولد قسه بنوا هسله مون آفتز	یوقدر بار عالم ایچین حصیر
ایله کلا سوزش حشره کله	بر نغمه ایتسه بلبل اش صغیر

مکمل

بزمهت بلندایم کم عمار پائین
ایتر قبلس طلسم صرخ اک خیمه

سایه عقل و فکر دلی الهی جوزه
وبروی خوابه ملکنی جفا ابر
اول که رفت لفظ ایلاد دل شد
کافرون و زکمه کافره و دوشده

راغب صور نو قیامت قدان اولو

اواز صو خند زاندر صغیر

حرف نیا اهل محبت است
راز دور و جان شفه محرم است

مانند آفتاب تیر پرچم سیاه
مغیچه کانه طرز بخوابه
از نگاهای بند خط آزاره
روی نکار آینه و شش املست

منقوریدر مغایر طبعی هر دو
کیم کسک آینه کند و بدیه
فویز رقیب یوشن درنده
چاروباید رزمه ده و ز

بیل سمندر آتشی کلد بر بو
طرح اسرار خاشی خروخ است

تاب آور او ملیو او پری چهره ران

بوندن نیامه سوزنی بسدر است

قانون عشقه و غرا و بدیه
بیرون پرده ناله به بوقدر

تا اولد قیامت شتر خضر راه
داوی بنجو حرم یولنم سدا

شول ربه وگرفته اوضاع مان	طور سونکه خنک کر به به یوقدره غن
پروانه کافه بیلش صغیر و لو	شوق ر خکله روشن و کور حرا غن
و و کبود آهرا فافه پین اولو	کون باسنه قورلمن در اروا غن
خطل ویرا کله کر تخم	مخاب غله سوله که سیرا غن

و کز خار نشوده پاورر کاب
راغب چکله ی بزم هو و دن باغ

بزم طربه جام نشوده فرایز	دست او به سجه اذکار خن
اولس نقد کیمه تی نقد غن	عمر فانه محو کرام و ز ریز
مشهور اجاب اندوده و کله کلشن	بق حکمته کیم سنجه اخو صفای
اواز فرک رونقید سهرت	بیل کبی هر چند که بی بر نو
تکلیف و تکلفه کل مشرب تصد	بر بوسه به فایغ اولو الفته کدر
بر کونه بزی ایلدک ای سونخ فو	کویا که خیالکدن سنک حرف
اخلاضمرک کور مدک اثار تی حالا	اغوشش دوده مکر خیر و عاب

و مساز صبا اولدی باوی بزه را غن
ولبسته زنجیر سزللف رها یز

مرامه اولمدی بهرم جستجو لرز	دو کله یی برده بهوده آبرو لرز
دیار سوقه خشک سیرالیه	دوبیدن او طرایسه تخم ارزو لرز
عجیبی حیرت ایلده دست برکراو	نوبزم بهیژه نکست ضعه سیر
مثال آب برآقد قجه ایتدی سر	اماله ایتدی اول سرو سرفراز
فغانمزد این خوندن نهیمی مکر	خلاف قتل پست کفتکولر
سکایت ایترا یک جویم خرج و	شمانت ایتسه داو و لور

بزم رفویه سزاخوهه مرغی و رباب

سکاف غیب ایتاه در رفولر

فکر افکات ایلده برکلمه پیتا اوز	سر برآوره سرشته سانا اوز
فیض حذر اثرک باغی سب	دست جتی ده نیکین هر سبیلان
دوبدم داغ دروغم اچیلوب	باغ غم پرور و لدن کل خندان
چک البق نه سی وارچه ناموس	عاشق و لشج دست کیربان
حیرت قدک ایلده صور دیواروله	بعد ازین سرب و بوت قاسمه خرابان
ایتدی دور فرک فتنه خی خطکون	واری اول خوله کشته و زان

راغب بدبه و حشمت اولاند ناردوم

ساکن راه قاعدت سیم اول

سبکها چغفت حله پور اول	هوادن مع جد تصویر دریا خرو اول
کران کفر و قاری این فضا مستمند	سبکها محمودان مع قد بار و اول
فروز اندر جریح شهر پر وانه ما	زبان عله اوز خانو جمو اول
قدر کار این سر خواجه غافل خواه	حریف و در بازوی بد بیز اول
خیال است نسبت یکسوی عشق و فتنه	صدی آتشین بلبه کل کی اول
برزگا همیشه ترک را ایشند در	قبای جریح طلاس در انده نقوش اول

زمان اول و مرع با سکا با ساقی دوران
بو عشر کهنه و کجاء وزره زاعین اول

بر که طبع پاک و قلب صفایه	کویا آیدینه عالم غایه مالک
خانانی نیلر زبو کیند بیسافه	عالمک سلطانو سرحد سرایه مالک
جسم کل مرصع در سر دانه	سند یک عالمک بر کهنه قبايه مالک
باشم در یاره دوندرو دور	حالیای راه رو جگر بلایه مالک

سرفراز و ملق بود در اچره عجیبی غیا
برز صراحی و شر بو کون نکلین دایه مالک

مظفر

مطرف وقت من صدہ عدد و در نظام
صقایی هرزه تا نوسوار شد و
چنبه از بی صرخ و در اینده
کور خنک شده قدامی مهر است
لباس فری بوله ای و لا الایله

مرومند اولی اما کافی ستمه کام
چهار اند عیانک تو سنجت کام
نیکست نقشی معکوس لبه جوهر
و کل در یواز با کر مد فر و دم
کاکلند خبر و یک ستمه احتشام

و این خوشی هم ساعده هم بیو را
خدا یست اولی مانند لاکه ستمه جام

کمنه حبیب بشا سمر بوله
مشغل مریکه شایسته فلک و شای
مرد محکام غموم اولدی روغ
اولین مایه فیضان لیدن سیر
استر آله و ذلک کی صفت الیه
طالع مهره مصداق کورینور

جام بلبلو بولور سمر بوله
بر دخی سنجیلین منور بوله
کله دئی طر خاطر میر بوله
آب خضری یینه خضر اولسه
بجز اینده هر هر در و کوهر
شهر حسن بولور کوز لدر بوله

سن بولورینین اغب کبی شیدا
اوسنک کبی جفا پیشه ستمه بوله

حرف سین

اولم چیه ناکسته رسته نده شوق به کعبه کو چکه گرم افغان دار فراغ با هر چند اولسه ببال رسته طول ال سربند زلف امیتاز نیکه بد اولمز سر زاده بار و سر حرمت ایلریم کور سر خم	نفس کو هر مقصودینه خواص کور و سر ماله دل اولد سیر آهنگ فریاد فید آهوانه دن لاله دسر مرغ دو ستمه نوا ی رایه ی کو کل امید سایه بال اها فرقت یایر مست با نیکه رهبری اولونجو
--	---

جام شرر هو نکت خوشه راناشوی
در دهر چون خناری ایله رغبه یوس

حرف سین

اسیرنج و غنا ایل جاودو بلای صحت ایلجا نسه بلدر سرخ سنار اولیو کیمکه یوف او مقابل آینه در یکد کره رخا ظهور فتنه خطای دی موعده و صلت	ایمیش او قدر دولتی کیم بلک یقین بهستی آدیم کیم گوشه فراغت مکر زمانه غدارلق طرافت او سوخی اهرم ایدن شفته ل عرض بیلدیکه نزدیکی قیامت
---	---

او کند ی

محبت اول بنه مستقدم رفا

المش

کوزن قالمیش تاماقسه و زواج

وہا غنچہ دین خواہ ایلین بوی

خیا کدو کوشش سر و کم اطراف

رخندن اولقد آینه لکرت حجا

مریض ستر حشر بوکون افواج

عج مجرب ایست فیض عالمی بنما

فروغ ساعد کن بنیچه حور شیدا

وانه چنين چنينكه، منع پيچايش

وانه چنين چنينكه، منع پيچايش

کوکم سخنچن ایام شمس در جمله ریش

که یو قدر نرم غم طر کر این سن قدر

عج و دول غاشقده اسحر

مکتبہ طبریہ

قبایل سرزمین اول سرور

نه غنچه ای در باد صاف و نار...

بهرت ملقب است
در این کتاب

وكانت من ايامه في وفاء وحب
سبطه شجرة نقدية

...

عجیبی پیر و ابیار و پیران و پیران

تخل ابد فر بار کن منتی ان سوا و طر جاذبه و لک اوشی میج جهان کوردم بر وفق و لک کامیاب	چکند خرمش خارج طوق حکمر کر امت عالمی یکمیه چیم بر سر حکمر یکی کورسه همیا قصود زبان حکمر
فلک عالمه کوردم قصه مدنی و غ بر و لدر بوسه و ریه اغب سینه به بر حکمر	
حرف الصاد	
و غ غفک سینه زاده با کانه ال و بر روحی باوشی شوق و طر نیر طعن و خلعه بنده وضع غباری با هر زده سوا می شاست اتمز بونج ای حیایار بصم سکت قدم روی دود نازدهی قبل حمر لک خاکستر	سکه سلطه حسنکده و سنا بانه ایغث جلد و نک ال با قنانه وار بنا اعتراضی سیتو جانه نقش تیقا قبولی کاله عرفانه سیر یا صورتین دین کر بانه بغیریکه و لطف نشخوی بیابانه
چشمون نامک فلک اغب و مهر و یله مهر مهر و لکدازی نامه کتمان بص	
حرف الغین	

دستوی

دستشوی پیش او تو نیاید حکم
عکس خم بجز سینه افاد
بعد ازین اتم جبه از کی دوند
واغ نو در قضا و زره کلف ظن
ناش فکر رخنه و انک ناسخ
سیراید نمک سنج و ملق غلظ

ایلم بولسا فو و بلدن فراغ
وار عالمین انخی عاشق فراغ
بن حنا بجز صلی ایتدم اول افله
ایلمی حسنک سپر فراغ بر بالای
کلبه سوغدن رسون و غن کلبه
بر نفس لسم سروره سخته غدن

بندن بوق بندن خبر کم جستجو ایلمی
واونی جیردن راغب سوله اولدم کمر فراغ

حرف الفاء

مست او ایش کر یارن کاشا
دو نوق شو قیا قامت بالا
شاهیان ان خیا شو جشمک
بق تا عالمین بید مجنون
درو صا ساقی دهر حرفی
عالمین هر ایلم خود بخود و مخفی

وقتدر اولم ایلم ستر و ملق صفت
قافدن نشر ایلم انار حسن
اهو نه خاک بد هو کاکا کدر
ایتم دیبا آتجه رنی بر خیر
اور سو بزم تحلدن سبک کله
مرد میله هنر معلوم اولور روز

خلف و عدایده الیه یوسف اسندن ظهور

یوسف و دوزخ نذر نقد خا را بخندن خلا

حرف الکاف

مکث دار می نشسته اثم جماید میکنند عقبندن بر نشو فیض صباح مکث نکته تقیرینه ثقلند بودر حاکم مکث سندی راجح کورینو چینه سودای مکث بیکمده کمره یه نارام ایده یکین مکث ایغی بر می بصر زنده شرا اسنا	مکث بر اثر ایله که اولون بیلده داندنا مکث روشنه بر ویدر تیره کی ایا مکث سنه نظهریدن و ساجده ایله مکث دل اسیر خط اولو کجی سر کلان مکث بزی را حندن ایده اسیر را مکث بصه میسکن بی محاسب اصلاح
---	---

سیرته ایله نظر صونه بقعه راب
دوشنده دام غلط اندازنه هر اندا

ک بر وفق کام کردش ایامی کورید ک بر نشو بخش اولور کلفانی کورید ک صبح امیده منج اولور شا کورید ک هر قبیلنه در حکمیدن ایامی کورید	ک دور فلکدن را ورامی کورید ک خامندن خون ایله جم کوریدی ک اولمقدن قنه زار سبب اف سیاه ک نشودنای تخم امیده اضطر آ
---	--

الام

خوار از آمدن سبک و غفلت او

استبنا بر مکتب جلیق نونیا نونست
سربلبل بسوی کتب نظر هوش

اول و آخر سر ایدل جهانگیر و فنا
کوهر ترک غلغل بده ابد و شکوشت

بوزن اکل نیرفات در سکن اودیت
غنجی بر در اول و آخر لب خاموش

ایین مکتوبی در آغوش مایه نقص
هرینه نقش جلیب و ش ایدل اغوش

راغبی نظم طیفین خوش معنی
باد بهشت در آغوش ایدل اغوش

م

اول تند خویدارام ایدر برامی کور کشت

آیینه فلکین براندامی کور کشت

ابرارم اولور اگر چه برار من مرام

شایسته قبا ی زر اندر زرنگار

راغب عجمی حیرت ایلد یقین اریک

خیلی ز ما اوسوخ ولارامی کور کشت

کشت

اما که محروم دینه جک از ایشتم

دشنامله فراوله حق ساز ایشتم

کضار و لنوایکی در از ایشتم

هسیج بوکلن لغه تنهار ایشتم

نه پرده فلکین کم آواز ایشتم

کوش ایلد کترانه چکلن زهره

زهر غنا بک ایلد ایلد سندی تکلام

ای شاه حسن خنن نازک لبک

فی باره بر اغر راغب اوله مکر

بر سوخ لغه زمره پر دواز ایشتم

کشت

قناعت و امن الد برقه نغم است

حریم بزم خاص النغمه رخصت است

فلکین مزلکنا به بکر زهره است

نکاه شفقت ایلد شکار صحت است

فی صفا خاطره دوز اگر کیفیت است

چن الا شند دستوی اول است

تمی سوت لیه باربرک بزرگ ناز و اغ

تزل فتن کب ایلد هر و نایه فضله

فانور چشم قنن کی بیتا بیاری

بوکور ساعیدین جام صهبا

سخا پا مال بدو وضع کران هر سکه
و قاری ترک که جاکت اغیب حکم ثقل است

عشق
فلطون اعتنا و جنبشی و بونه
عشق
سین هواطن ایلده کاشانه
عشق
کورید بزم جم تربیتی میخانه
عشق
روایند صد کنجینه وار ویرانه
عشق
فلک تو را بخت جبر عده میانه

عشق
ویر صبا غنا سبب سر سانه
عشق
بقدر صد نه زور کوه اندازانجا
عشق
سفال کمنه صابن بر سر فقور و خا
عشق
فتور ایتد او لور سبب جو و غا
عشق
او کینینه اولد بویله ارام و کرا

اور مقام همت زور چکال شمشله
بنجه غنای اغیب جری بازی لانه

عشق
و کلد رستم مانند صبا و سیم
عشق
مثال زن برود و کلد زینت و نور
عشق
درخت بخت یوق سینه بد
عشق
بحر و قطره ناچیز او غطا کور
عشق
نه دن تهنه جسم باره بویله ایتد
عشق
نفسه راز عشق او بدو رخمه جود

عشق
خدا طبع طبع جابه کدر و بد
عشق
تن مردانه جبهه زینت مرد
عشق
دم بخش عذری و بیز تفراب
عشق
او کور ابرینا و تن ستر تکلفه
عشق
او چو ذوق خوا آرام دلی ای سرده
عشق
هلاک ایلد یکله جو بید و کله غشا

مخلص

خلوئوس لمز مودی سندی غیب و صلت یار
 میسر در مراکت نکات اوله سیم وزر دور

ای چشم کریمه خیز اثرک یوقمید	اتشن بچندیم خبرک یوقمید
برآه خشک ایست الله فای	هسیج کوی یا نامه برک یوقمید
کرد کار و تفکی ایش شکست	سوق هنرمه پرد کرک یوقمید
قانون عشقی سند او قور کرک	دیوان اعتنایرک یوقمید
پکن ویدله غفلت ای غره	مکر زمانه دن حذرک یوقمید
پروانه سرسری ندن ای طائرینا	اوج قبوله بال و پرک یوقمید

وامان وصله بوالهوان بولد می کسر
 راغب الکعب برهنرک یوقمید

حرف اللام

قابلیت استخر قدر و جاهه مقول	سوار نوسنجت اول هنرمه زار
ابرینا کیمی فیضک اولسون مخصوصه	پرتوا حانه هنر اول جاش مال
چین بر سر یا مال امواج فتور	ایتمون ای جسم کیم با نم دریا
کمنه نشو اینه سند پر اهر او کمن	اوله مغفروش بکسر تیرا برل

با صدید سر منزل کاسه سبکبانا قدم
ای کران رو سندی در مانده و کلاو

راغب لمه کوردش پیر و بیت و پا
اولمه محتاج عصان هنورد کامل اول

ایندی تنج رمی فریاد و نازمال	قالدم اورتبه ضغظه یوق ارتحال
اوضاع باز کونه یا تل فرج عشق	بونن قد خمیند و لور اعتداله
آرایش قول هنر شروت اول	او طرزی بویله جز ملازم کماله
سپنج حوادث ایام اولوب سیه	اچوبه وقایع دهره رساله
دارمی علایمکه بر حاله جموس	او طر مفید هرزه درای مقاله
دیغردی ال شنه فریب و لسه سزا	ایمانیدر بو نکته زکین باله آل

راغب هنر معنی نازک خیال بدو
هر غمزه منند اولدی هد بر و باله بال

بزم میدن اولمه پیر چین غضب کله	خند رو لقا درون بویشنه شایه
غالب کجه ن اولور باز بجه سننه بد	خاتم خاکش ایند کنج و هندن
پیر و فیض نسیم اولد نوای غننه	ایچیکور کوسنه باغده نوله آهسته
ذوقیات خم بیکانه نوله درو	ایندی هر شنه خافد ایکسته

غنچه مینا او طرب دخی لبریزم	سینه نامونی نه انیسگه
سایه زلف خم اندر خمدراول خشم	بو خیر کله شند او طربله پیوسته

شاعر نکین او یه برک سبز مد رتیر
کله شطیح راغبند بو بر جسته

بارینی کردن اجابه ایدند تمجیل	نقد راوسه کروج او لورته
اکلنور قصد تجارت ایله جنبه ل	صانک ای خواجه مکر کعبه حسن
واریه هنرک عرض ایله اثبات ایله	اوله فرمخص مبات بو دعویه در
مایه فیض و بر رونق زمینت و مر	زیور و جوهر ایله رسن او کور قندیل
صاحبه آتش دخی کورلدی الشیخ	غالبه نقب فاقه رقبا ابتد فیض
قادر دن آق رق بکر سفدر و	جواب شکم کورینو نیل کمر بجز طویل

منکشف اولمه در ضدی ایله چون شیا
طعن اعدا کی اغبات له فرد ذکر جمیل

حرف المیم

شاهد سوخ خاک کت ایدغ حسن ایلیم	سرو قدک تحله و غله کلیموس ایلیم
سوزشم بکونه تقیر ایلیم یار و تاب	تحله نقاشیمع بنی خامور ایلیم

لا اله الا انت وحدك لا شريك لك

کل کی سڑیا ہرز جمی کوش ایلم

تمت آیام هجرته فموت المم

سندی نور عشق بق دریا کی جوار

کنندی ستر محمد بن خلداده در دیوانه کورایم

ایام ملایه کسر سر غنوم این لم

صفیاء غمہ صد قلبہ بحکم ایدہ لم

بتر شوقا تیردنک قهری غم روم

۱۰ ماہی پانی بزم طرب مومین

نه در کماهی کشته که بپرستم این ط

قدم بر حله سخت و آسه از بن حکیم

جام صہبا مرقن کبی برون حلیم

کل داغم اریدور و غن سینون حلیم

نار بر وی هلا که هم لیکت	تغ ابرو سینه حشر ایله کردیم حکیم
پاکی دانشک باغی کو نه لیکید	عیش صفا که پر اینز ایله امن حکیم
نمکنست باری کل در دوالم جور	باری کافیه حکیم بهل سندن حکیم
ثقلت وضعی قیبت چکیو می راب	
خاطردو ایچون حمت دشمن حکیم	
خرام قد که تغیر آستنا بولم	بولظه سروی دخی مصرع سابلوم
حصولن سینه جک لک عابولم	نکار خانه ایکن نقش خوشنا بولم
بولور بنم بکی بیکن بتلا او تنوخ	جراغ مهر ایله بن اویده هلقا بولم
او کمسغ بیابا حسیتم هرگز	طلبین بن بنی خضر و له هلقا بولم
هزار جامنی شکر ایلمی دوز	نشاط و شیویه دژینه صفا بولم
یند آره اید رسم علاقه ربط ایدم	نه طرفه قید امیش زاده کت بولم
قنی آو فت ایله تشلفت دیرین	
نیجه دلی سندی غیبه لای غیا بولم	
سراضد مطا هرید کیکن بوعالم	کوستر نغمه که مدغم اولم
مصدر شهر و صیت او طرازی	زحمه آت و آو ایتمه جیشتم

ندی آیا بهوز قولک با ششم
 واراب سینه لکدر سکا انجی ستم
 حوشه لغزین اولوب فخرینه عاده دفت
 ظاهر است حق لعلک اولدنه نکه
 علم بندو سنا تریه ایلدو سینه
 اولر سنا تریه لکدر سکا انجی ستم
 مشق نایه او اوصاف صفا اولر سنا تریه
 سیر زینک ایلدو کیر جونی عیار سینه
 مایه طینتم او من سنا سنا سنا
 خاک قبرین هر بر دم صمد سینه
 بولم صمد غایت دینور سینه
 خلقه زلف و فخر اولدو حور سینه
 خضر و ملک ولسوختن سنا راقب
 شمع و شمع شعله دواغ جگر سینه

اهل هوسات نظر بر حکم بینند
 دل که مجروح و له ممنون نوازش
 حقه قائل بی بی شبهه بلیدی
 برکین بر رنجی کلر نه عجب حکیند
 لذتی اطعمه ده زینتی بوشند
 زور یکت حمله اندوه طیانغ
 کند می حال و نود و غایت غل
 سم هجرانکه اندر دیدار با نایق

نشو و نمو غیرت و زکوری نور ساغرم
 رنجی آینه نکشاید می قبول مرم
 صورت حق چون خلق اولند
 عالم راحت بکنز کمی اقلیم عدم
 نه بیلور نشاء و در کی نه در ایل
 اوله بنیاطب هر نقد حکم
 بیدار که و فلک خیمه در جورتم
 نوله ای غنچه دهن لب کی بر آسم

هب لور خواست دل ایلمه خام ابرام
 وقتی وار غرض مرا نکش خیر انجیم

خیال نفخ خم بر خم که ایلمه خاطر مدام
 زلال تسلیت ایلمه علو کبر آتش عشقی
 هوای سوسن انکیز آید سوختن
 هوای زلف و خاک کله بود و نود
 عجیبی و لری کند بر خط مو هو

اولور هر تدایم توغ شاد و دودان
 کل فغ فروزان سر در قطره شبنم
 تا شایدم اقلیم عشقی با سفته عالم
 اورمانند کاس صبح بوسلکه دلم
 قیام بر خیل دل خیر سید و لور غم

کمر

کسر بزم صبا و ایاغین به	فکند چن بیکس تیغ خوشه علم
-------------------------	---------------------------

حواهر من کبر ایسوی سرفرو را

مخدر رسد یا طیندن نشاء آدم

حرف النون

حلا وینا اولور لغت الون وینا	وین سوی اولیا ندر بور ومان
هوی نفس سر تا غرند راستغا	غریزا و لزدی یو چکمه نین لجاد
بری بیم و بر امید یله بند ی کباب	فغان دست لبخاموشه اول
سودیره خطه توری ایتمه	قیامت قویسه کچر یکسر اول
دکل خا پرینا کاکل فتنه خطه	جز صومق خطا در یک آه باد
سر حسن و آن سنیو در یک قابله	بودر فهم ایتمه یکم معنا نازک اول
لبت بخشنک اعجازنه سون	تکلم ایلمه کچه فرق اولنم لفظی معنا
و کله بور تپی دستا نقد و قتی	کهن ندانه قی و شکتک جام
قیاغی معا امقدول سورین	ربا بولسه اکر برنجیر لطف سنج
و فادر مکن معدوم بخا	مخالفدر بخت کیمیا و ذات

رجق صفوتک تکدی بر حسن کافا

انچون در دور حکیم راغب ابادن

می عشقبه کوز و اهل فساد ^{شن}	راه خست بسند یز اولدی ^{شن}
تن برهنه بید اول کشته صبح غذا ^{شن}	کور شه بسته اگر خلعت چاه دو ^{شن}
بحر غدن بینه تخلص و جو دلیه ^{شن}	کور ستر بزم مینک بزینجه دیا ^{شن}
جاسته کیر دعا ایله سن بالا ^{شن}	نغم خوان الینک آجن سرو ^{شن}
نشسته سی قصه کتوبه نجیب ^{شن}	کور میس خم ایچدن فی النج ^{شن}
صدی اقرار و صایته در ایله ^{شن}	نوله بوس ایسه عشاق اخاب ^{شن}
کریه ناک ایسه نوله ایل دانی ^{شن}	مطربانه بور ساز نیازین ^{شن}
بینه زرد خرنیک خلقه کبوتی ^{شن}	مرد و هند اگر ایله فکات منکو ^{شن}

صانع بر دوز این تحریک صفایه

کلی حفظ ایتمک ایچون ابراهیم

سویله کرم اولد بونیم ایش ^{شن}	فرق اولمور در داغ غنچه جواله ^{شن}
کلت سن داغ بینه ایله سیم ^{شن}	غنچه منهار بیل ناخار لاله ^{شن}
پر توحنه اولو هر ذره مرآت ^{شن}	جسته مهر ایتمه در شرب بخت زاله ^{شن}
فیض حذر کار کا فاییت ناز ^{شن}	کلمه ای خواجه قمار معرفت نکاله ^{شن}

اولم

اوله را غشاه و غبر و دلد بزنه

بخم بختم سبز کویا آب می لاله

ست جام و صلیکات بهر لیه جور

کندین مغموم اولو دشا اعدا

انکار زده اولو بکند مینا

ساز کار کار عالم قوت و اقباله

کوز بکند کمره عالمین بهر لیه جور

دشمن مخروفا و دشمنه سرور

قلب عشق الیما و دشمن کسور

بخت فیروز استر بازوی

اغتراف جرم ابله نادانه خوشتر در جوا

کمره غشاه نادان ابله معذور اولو

ابر و طاقنه نیجه این بیان

و بر مرز سفاهت به صبا صفای

پر چین سابه کاکلک ابله

بن بکند طبع مکافات روزگار

محرابه وضع این فریاد بیان

اولم نهی به باعث فیض بکار

ابر و لری خنک استم در کمان

هیچ اولم مخاطر و دبان

راغب بو فیض و قلمه بر طبع مانع در

قابلی بویه طبع اولنه هر زمانه

مانند دغ آه و آوری تازه برز

هر دم طبع ایندو دستم تازه برز

اکله کورن عرصه باز بجه کثرین	تنگ اولدوغن سپهر چایله زین
سبزئی نهال مجتنب و سخن	اکسمی غرس فتنه ده غار ترزین
سرمایه مونشکاتیر وصف کا کلک	رنکین برسه هسته رخ و غارده

راغب بولورسه دهم خادم ک بولورنه
 بونشکاه نازه تک نازه برزین

کسبه در ملازمنی باب لوق	ربط ایند کجه بریده جل بوشکن
نقدین نینه ویراناکه شود	سرمایه تخریز اید نمرتد لکن
وابسته در مکاره منی هضمه قدر	سیرایله استخوانه همامک نتر
بر کون و لور بوشورده حست قضا بوز	جوق کورده ستر شو کون فساد کشته
هر شبک اغند الدن در ذوق	عیش و دینیمزده بولدق نو
مانند کوه ایکن کاه ایتدی	طلاق ایتدی طلاقن بوشکن

حکیم خاری نشو مو هو من دخی
 راغب شاطن ایلم اصل تخیلین

دوشسته مهرده چو نظرم	آیردی بنی کوز کورده نوا بصر
برزان اولور در برینه برینه	بنی انشمه حست ایله جسم تر

۱۰۴

عذر کجا اول قانت لجه نه در سبنا
 عذر کجا اول کاکر حوسبو نه در سبنا
 بو عذر کجا اول غارت ایدر خاک سبنا
 عذر کجا اول ظهور ایدر ریه سبنا
 رختان حرام ایدر اسه و رانم
 اولد من خوابا نه غرض با سبنا
 کافور مشابه دیر یکر نه غرض خلقی
 روینیل نمایان اولد ابر و نه دیر
 راجب بکاخو با جمعی دیر بیدر
 اول اکی شرح ایدر او به یکر نه دیر
 م

بر قطره و کل انکه نسبت فی با	اولسون و ده آتفته تراه سحر
بهر کل رخسار ایدر باشن	بر پونه خار اولدن در درون
چون برق خیال اولد قاشا و خفا	سیر اصفا اولدم اولن سحر
راغب کوی هم جا جم صونسه صفاس جسمک نیم تیره در عالم کدر مدن	
بسن نوی جرج اولد دل از ابر	طیغ تیر اهنک آهین جوشن
سز سوز و سمن سب سخت و لک و نه	بود غویه یکی شاید دکل سب کلک
عجب سب افشاندن بسب سب حق	بکاخو ستر کلور رهنر نکاف و نه
مفید عجا اولد شایه بک و نه	اولور زیور ستر رغبت سبزل
سکاف خار حشر یا اولور کلور	دکل خا یکی نقشک بر نه کونه
تجره در اید چون ساکی ستر نه	اولور غا بو یولد و نه سب
سکافا قضا سب جراجن غل	خدا جانند ایدن دور ایدرم
یور کشتی صبا قوت متا بله زنا اولور یوز و رقه میرا سب فی نوسدن	
اولور سبم سفیدم کینه خوابد	مثال جرج ساغر ستر ایدن

نه حاجت بر تو دلشویی باز بزم	اولور دغم قییل بنه ممتا بنه روشن
اولور فیضی مهر دل شکوه کن	دکل آینه کنی ناسیما بن روشن
کشایش بوی لعل کینه دیا خور	اولور کن خانه کوهر خور آید روشن

کدر و بر فرزند کلی تیره بخت و لسم بکار آید
فروغ همسم وار مهر عالمنا بنه روشن

امید نوره در بزم مهر و سرور	نقد صفاه اوله و غز در کدو بن
جوشن بهار انش ساق کلیمه	تاخ نهال طود کلن کدو بن
ناساق عرسه دکن نیون آبی دژ	دیر دی سکا بو قیست ایله پیر بزو بن
غازی نگاه خسته می آید	بسم و سوخته راز در دم خبر و بن
سهبنا اوج حسنه روشن باز آید	افناه لرد و کل می سکا بال و بن
نابینک لک طلمت محال آید	حسن و ملی فی نیجه خورشید و بن

سندی در بزم نقد شکوه کنی ایلمون
راغب و سوخته مردم حتمت و بن

سویله همسب و یک رنگ اوله بن	دونه نیم لاله سرخمی کلغام آید بن
وصل او در راین آینه نشسته بشود	بوله هم شیشه وصلنی ابرام آید بن

دست

دستخوش آل و لبیه حق فیض	مسئله اوله هم داعیه خام ایله
اوله صبح بنا کوشی سواد الو	روز وصلن سحرین قیامه هم

بنیم خوشن ویر چمن آبرو بزمین
راغب آشفته هویم دل خود کام ایله بن

سیرایه کرد و بده خط نو و میده	نقش ایندی فضل احسنه خاتم
رخسار لاله کونکه نظر کرم اولو	تاب شمع عاتقه و غ ایندی
یکه نکی حجت ایله بوله فی عا	عاشق غدار بار رنگ برین
بولد روخاه وصف خط و حال ایله	ضبط ایله دی قلم و حسن کنده

کیرانی کمند جنون است اوله مکر
بهم بن آهوان راغب مید سن

ایته یقین کر خاشی آب وین	داسن عرض نیجه نظیر ایدر ونا
نقش عارفان قبول ایتدول اولو	مضطرب بر رسم خط جو کینی قوطا
طینتین هر اولمز خمیر معر	اوله صوتن آدم فریاد یون
زیور و دوش ایلمین چاه سخا تشنه	اوله مزاج و دامن نیجه افلا
آدمی اصلا مبیند لکد کوندا	اکله سراجو اید کار و کر با

ساحه و لک نشود در از با پر خا	عاقله سزار جبر بر بوارن
-------------------------------	-------------------------

تویله را غیبی باغ ایتدی بنی و در سه	نشود سی طور سو خارین قالدی ال حسن
-------------------------------------	-----------------------------------

ار زو و صلیک کنز دل مجور	دور او کور فکر صبا خاطر مجور
اوله جوی شکر کلشن آراچی	بر کور یوز کوردم بر طالع بر نشود
برک بنز آتش اولمشد او زدم	میو چین اولمشد بر نهال طور
هر چه یوز عیب و کسیر مقامات	کجاست آواز ایشتمشی خوش طبع
کوردک بر منظر تب ناهاید	استماع ایتمک یوز اوصاف
انتساب ایل و خاک هم اید عزیز	زائل اولصیت شهر کانه فغفور

اولقدر بولدم زین بیاید غیبی	جسم پشپش ارز و اولدم هشت و خور
-----------------------------	--------------------------------

حرف الهاء

سیم بوی کلمه تا بوق و ماغده	ترج صلیق آت آب اولوریا
ایلدی هر بن خاریت بیکل حشر	او کونه نشو و نادر هوای باغده
مثال غنای آینه کندی عکس	فقط صفات ایش کونه فراغده

نموده

زود و در اجتناب آهنگ طلام اندوخت	بایض صبح او لو بورود و اجزا غنچه
او کور جوی شکرم بو کونه طو	ایدر سمندری کل او کسوی و جاع غنچه
خندک غنچه آه چشمن خوا	فتیل و راهم بوق التیام دا غنچه
هوای سنبل آهنگ کل و یرو غنچه	
شمیم بوی کله ناب بوق و غنچه	
مبتلا ایلمز زنده مشرب بر خصوص	مکریم جم کلام ایله ساغ خصوص
اساس معرفه خانه دن بو لونه	تکلف بر طرفه ربار و پستر خصوص
بعجی دعوی عشقه بر داغ ایلمز	لکه کد نقش خاتم کثره مخضر خصوص
اگر مقصود اثر در مصرع برجسته کا	عجب حیرت نم بن اسکنده خصوص
نه چاقو لند خدمت یکمتره چارو	ایله جائز و کل و لاکله بر خصوص
او لور می حیرت حسن زو	با فکر خاطر اجابه هیچ و لکه خصوص
وجد نکته سنج را غبا الیقه سی بر	
خصوص بوزین تازه طرح و تر خصوص	
علاج عقده خاطر بول کفا	تکلف استمرا صلا کدر زیاده کله
ملامیت ایدر عالم آدمی بی	کمان نمی فلک و قف ایدر کماوه کله

تج ابدی کامیوش خانه دوست	قوی موسسه موه مصوی اولجه
از بخش ایل قابل تدبیر اولور	چوق صو کتور چینه صفتور اولجه
والا لدی تنی بیه اولور دین لقم	مینا بوشا نور حوصله جام طوبه
برکده و وقتک مننه سادرو	بیکت اولور شله دوزلر بوز
وصف علی باشا ایل اولمه زراغب	تبدیل ایدرم قایم انجام بوجه

کرار صفت نرم که غزمنج اولور لر
نوفیق و طفرهم بی صاغجه صو لجه

قاله کی خاتم اعلک لقم	غنیه زور قو آیلون درون
ایکون ماراج دل که چین برده	ایکی نیر اولما مشدر سو کیم بینه
ایندی نیر بیکار فرما نقشن	سروشمن کیم قضا ستم ایلدی
اولدم رهنا ستر کاکل خم در	چوق کلید شکی ایتیم کدا
جمع اولوا خط لبکله زهر و خنده	بریش ایلجه جدوره تشبیه ایتیم

خرقه بوش خانقاه بی نیازیدر دم
ایلم راغب ایلر استیجه درویش

اولدی سپین تیج ستم استخوان	اولسم بودر دایله اجمام طینی جان
----------------------------	---------------------------------

له لجه

پدر چهره باز آید و پیش بر دوزخ ماه	فوس قضا نظیره او لور می گماند
لعلک شبیه غنچه دیندار ایلدیر	صغیر بنم بو کونه بیوک سوندانم
مکن علاجی زحم نایابک استی	واریه جاشه ایلد دل ناتوانم
برام او کور خسته عشقه لیکده	افسون غمزه بی او قه دکنی

ویرم فتور صبره او لور سمن تشنه
راغب جای وصلتی المام نشا

اولمده قیه نالوسته مهر تقدیر	مطلب مقصد بولنم نمنه تدبیر
جلوه کاه بار اولادش غیر نیز	صورت دیگر محال آینه تصویر
اولمده اهل سودک وضع بخنی	سرفردر کا خا حالت نخر
خون کرم عاشقانه هوای بده	پیچ و باز صانع جوهر صفت
اولن تنگ جسم شکوئی لاجم	نکنه سنج اولمن قولای شمشیر
رهبر و سر منزله دال هوای عشق	بر آدم کفر پر وبال اولمده نیر

الدی میدان بو وادین ندیم یکم تاز
اولمده چوق رفعت راغب خنجر

سعد در سبک کار جسم فتنه برد	حذر ناساز کار نمنه نخت
-----------------------------	------------------------

بن ایتم او عا ماسن انصاف ایلد بیفت

و فایده نده بق واری راغبی کے ہونے

دو سنجہ عکس با تو لبک جام ترا ^{اوزہ}

ہو ہذا احراق نہ ہرہ جو م قبا ^{اوزہ}

عباری نشوہ ہر زجج اید لعل اند ^{اوزہ}

دو ز بلبل مرغابہ دریا کل ^{اوزہ}

نقوش کار کاہ عالم کو انصاف ^{اوزہ}

عکس خلقہ دو دور و نم نہ قبا ^{اوزہ}

او کور ہینت و مصلحت مصو جانہ ^{اوزہ}

فالور سیمارنن کشا قبرم صطرا ^{اوزہ}

اید ر عجاز حسن نقش آتش سطح ^{اوزہ}

او لوز جا ہینت رخ آمینہ تاب ^{اوزہ}

کورن کیفیتن پست لبک سبزی ^{اوزہ}

جانبندہ کور بجہ آب لوز تاب ^{اوزہ}

مکر نقش خیا کدر کہ ثابتہ دور ^{اوزہ}

بند قبال آہم سایہ عشق نہ ^{اوزہ}

او کور و جا بیداری صبح حشرہ ^{اوزہ}

سکون مرکہ بلم سولہ با آرام سودا ^{اوزہ}

او کور کا خیل کاہ او لوز را خوش آیند

دکدر و ر دات فیض ہر دم جتا اوز

صرف این

ہر نہ ابتدہ بکاجت شبنم است ^{اوزہ}

عیش و نوشی بڑہ و دور فلک نیست ^{اوزہ}

صانع بکازمانہ بنی دریش است ^{اوزہ}

لدت و نشہ یوق نقل و خیال ^{اوزہ}

قلمی

فالمی رابطہ خانہ و سانا وطن	جلہ سخت و راست بزی در و سانا
رہزن ہند و خود غرہ در وین	بولدی حسنہ او ملکی
خودی جیر دیدار ویدم نقطہ محال	صد و طو و آیینہ بد ویش ایتدی
خط کلون جنس ان و کان بصرہ	غرہ سی تیر جگہ دور و کرس ایتدی

بیرد کلبہ چناییدہ فردی ہرگز
راغبنا علم و ہنر کم بجا برایش ایتدی

اتہم اولد قہر پریشانی زلفہ باو	سکر حظی اید رفتہ لہرہ امدادی
تخکام ایدئی شمسینہ بر شیرین	بیستون سنگت شمدی بنم فریادی
نکہ سا حرینک مکہ و فہون شاکری	ناوک غرہ سنگت تیر قضا ایتادی
سہ قہر رندی ایدر سادہ ہفت اقلیم	فی کبی واری عجیبانہ خاطر ایتادی
ایدر عی رمین روشن ہر دو	ملک حسنک مدوایمہ نو ایجاد ایتادی
خلفہ حیرت غزالہ او لو خلقہ دا	صبید او لو رکندی بو بخیر کما صبا

بر نسیم ایلہ خراب اولدن مانند جبا
ستایش راغب عجب قصہ ہوا بینا

زین بنی بنر ایتہ عجیبانہ مضمو	قلم سیر نبر و صفیلہ اول اصل میسونی
-------------------------------	------------------------------------

اولو جار برودار شکست خاتم	ابدر زیر یکین آغوسو در بر سکنی
نظام اسکت اولون و مبدع	بود اقلیم حسنک استی بید و فانو
مناع کسمخ در جار سو خود نداد	جنون از بنا اطر پر تو له عقل فلاح
بناس اتمک شکست دیدن غوغا	فزل ارماعه تشبیه بیکله راز جیح
سرایع و لغ حشر جستجوی دست جبر	بود اصرع بن احبا ایدم انار مجنو

کریکات نوشن جاندر حکم قهر ز راب
زالال لطف اید و طم لثمک سیر و منونی

اکرم اوک ایسه طرک کفاده	مثال آیینه نقش است در و نه
دو سنج برک کله مهر اولور بکلیری	چمن قطره شب بن آلفا کله
بضاً قلمزایدی افتخار مخدوم	فرونها اولسه افندی زاده کله
ویش فیب حکم چین باز ابرو	اوا بر و نه دو سترم بن اول کیه کله

آجل کنار چمنه ان کل کبر راغب
اکرم اوک ایسه خاطرک کفاده

اولون اول و لکمک نیک نیک	چرخک ستر اولون استر اولون مهر و
نابش مهر کج آباید بر دلی	چشمه خورشید و کورشم کبی جولا

اول قدر

اول قدر وید منه پنج افکند خیا قیام	تخم انکم قند دوسه سیر و لور سیر
جوق بلند انداز ایندرو کمر زنده	کور کمنده ای نیدر بمر سه کور
الدی غریب خنجر صبا سینه	فتنه جو دیر لورک سینه سینه
استهافند بقیق کلد زنده	جان و دل کور سینه و باد و باد

کوشاید لدن نغمه آتش نواي خانه
ببلا را غیب اموش امیشد نه چجه

ای ایتس موثر شاه خاکینه جو	صفای عالم آبه سحر جام جمید
اولیده ماته غالبی ری هرک	محرک بدل تقوید سینه سینه
جاستند اولای سیر اولور دینه	دکل خضر حضرت با غبطه عمر جاو
اولور مارقا عالم تحقیق البه	انامزد دندنه رتبه تروید و نقد
سواد خط است لبیا خضر دینه	بیر اسغال روز و شب اق بنظر
سه روزه جان خنجر دینه افکند	عجب بهر مسمی کردون سینه مشور

نهی مغزش طم کانه طنبو و من اغب

فلک کوشن ایلم را مکریم اینه ناهید

علم اول سعه اوز اینه قوش

رهنا اولدن کمر باده فانوس

ای کریم تخلص کلو کبر و دلک	سند چاک ایدرم چه نامور
کیمدای تسوخ عجب مظهر لطفک	بادم احوال قیہ و نایوش
صبت حسن طوڑا فاذ کیمد	دو کیلو سینه سی فادہ ارک
بوز سوز پاکہ پائین بولور دو	وار می سزید رفت قدم کیمد
ابا غلک دنگ الہ کور بصیرہ کور	زادک بزم چو کر ثقلی کا بوش

راغب ایدر سندم زیور دوش سہر
بر فاشن و اربہ خوقہ سالوش

فرمان او شہ ملک دلچ بوز	بیگانہ ہول ہرنہ کہ بولد کیمد
قائماندای و قلیونجی بجر ہوا	چوق کشتی دل لکیر تکیں چور
دلت سہ لردہ قالمک یک قطرہ	سرح سہ احسانکی اخبار توڑ
عاشق دہ وازد کو یکہ ایشد قی	است کیمی قی رازار دند اوچ

سہنک اولدی بن ثقلی دفع ایتہ سنا
راغب فلک مند زندیہ چور

اول آتش رخا کہ ہر سہنہ داند	آیینہ کیمی نفس خواہر باند
رویاہ کوز و دولت بیدار	در خواب ایدی بخت دل سوز

فانزل

اوله منو لطافت سبیل و نایب
 اوله منو راز بانه و اصل عطره نایب
 یاد و ایدرمی بی سوسا ایکی راحه
 مالک تلخ اوله نجات کور که راحه
 جده و سخی ایکی بونق بونق تصور ایاچه بود
 حوسه یوریه دفعه خواهرش قهقهه
 عالمی بر باد ایدر باد بونق نخوت
 بولکسونه یارب نقیق ناسنه الیه
 ناخدا و نه شریقه توفیق نمایان اولمیه
 ساحل اقصیه کوه نه ناخدا الیه بر
 رستم عاصم نه هر سان و مساز اولم
 طبعه کلر مخالف بیج نواله دریا
 بولکم نه شریقه کزوم قناع در ابلق
 حیف بغداد ایچیل بوقدر دله باله دریا
 باله مایه حوزه در خفته غمشت بولم
 رونق مجلس اولیه کرمه قافله دریا
 باجر صاف خیال نایبی و سیر
 راغب انصاف ایچ شریقه آتش دریا

فازیل کور خشن کمان پیرخانه	رنک می کفام ایله ایدرم بویا
جک بزرگنی هموار دکل عرصه	بو حبه چوق فارس خود را می پلاند

ترک مل ایچون ویردی قسم لعلنه اولسون	راغب نکیند رایچیلور بویله می اند
-------------------------------------	----------------------------------

شعله و غم لال ایدم زبان	انته ویردم چمن دودمان
واقفانه بهر عشق اکبر خمر	غنچه لبسته دیز رازنهان
خار خار بجزنه ایدر تانی صبر	پوته خایسته غمی استیان
تاب غیرت ایند حاکم نهان	کوشن بجه ناله آتش نشان
هر سخن رونق ویرسون و تفریق	غنچه دکن شلین زکین آستانه
آتش کل روشن پروانه ایتونه	سمع چون اجمعه کلک در آناه

بیل و کل قفل مینا و جام مل نه	حکمه راغب ناز کل له امتنان
-------------------------------	----------------------------

اول مهکت سربا نور محمد	نار کمان نکیند اولمیه پیر اهنه
برقی ایندی خشن انکشت جبر	باندی داغ رشک خیار بکده
ایله و عوا ایچمکی سیه رو تلخام	فضل خالی لبی کافوری صبح

جسم عبرت در سر با نیکو بی تمیز	خلق طوطی لال و سست غنچه
ایلم نامردی و سع و مغزی صاب	تغ و شمر و ک که کرد جوهر ناز
نال و رسا صبر ایند ناز	ایلم کج و فیا و جرد سر رها
کسته صبا ندر تیج ایلم قولن قیا	دعوی و در با کئی ایلم قیا

سویله سر ر جی حق و حد اولم زان
بار و ایلم دم استر صور لر بند

آهندن اوچه فلکات حکمت	حکمت فلک و سفله رکت امتنا
خورشید و ک که روله فیض کا	بالا تر ایلم کچه فلک قدر و ش
قام قورمادی نغمه ناسازی	بیم خزان غنچه نک آخرد با
آخرا و لور فاده کت ایش اولم	هر کیم که دیر دست هوا عینا
غ خراب ایلم مستای شویم	معمو ایلم دی شوق و طرب اندا
بوی و فاطو قندی هرگز نشام	کشت ایلم هزار جها کلک تا

اندردی قهر و محنت اینای فایره

راغب و نازن کنه کما ب ناس

کج فراغه کر کجه بهمت قورم	سودای چاه و دوشمه که را
---------------------------	-------------------------

بیان

نیا کز لب حشر اولور بخلو ^{بق}	بو خسته بسته زاهد عباد قوم ^{سنه}
زیر نقاشی ای پاشا چن	داوی از واه بو شتر قوم ^{سنه}
الته بر هکت اولور واره سی ^{دک}	هسج کنده لاله بو طبیعت قوم ^{سنه}

دستینه انتقام کبی واری بر صفا ^{سنه}	
راغب بو ذوقه آه مرویت قوم ^{سنه}	

بو کلشک که شک سزار وک ^{ثاله}	واغ بر سمندر اولور بر کلاله ^{سنه}
زیور اولور همیت بر اغوش حشر	توأم می طغش اولور حشر ^{سنه}
آب هوای خنجر دل و دود آله	کلبک روی سبیل زور کلاله ^{سنه}
یاز سه بهاسوق هزاری ورق ^{ورق}	صد بر اولور و باغن هر بر ساله ^{سنه}
کیم کوردی بزم می کبی بر رنجه ^{انجمن}	قذیل جام وینه مینا ذباله ^{سنه}
نا بتر اندر هرزه در دوزخ کس ^{کس}	آهنگ لاکت اولور فریادونه ^{سنه}

حکیم او باه دن که کله بوی امتنان	
راغب لور سه تاج حرم پیاله ^{سنه}	
رو بق اولور سخنه حسن داغ غی ^{غی}	وار می سنک و کمرک فری ^{غی}
طرفه دکان حکم شو کس طاق ^{فلک}	نه آرزو کس بولور و دود ^{غی}

عرض حقه اصابت نیچه در سیر ابله	واری بر طوغری کیدر نیز خطا غری
توتنه راه طلب ایدر ایک اخلاص	خضر در بهر راه عود خدا غری
بیک انجا نذر منق باز می او	کور مدکت بر بهر رشتا جفا غری
بنجه بیک بیدر آدی اطلک کوش	نه سی و بر بر کیه جکت کمنه قبا غری

ینه همچنی ایدر آوده راغب حی
رشتک ایدر می سکا کمنه زاراد غری

مداری آسپا دو لکت ناوانه دگر	جالات صید مرغ کا دم و دانه غری
فانس معرفت کا متاع بند زر غنت	هوس تحصیل کالای سرومانه دگر غری
صفایه ساغر مینا نا ماه حشر	عجب آسپا بزم عشرتم رندانه دگر غری
خمش و کد هزارک تخته اوازی	بکا اهل سوز و توفله روانه دگر غری
کور و خا صفا در کردش سازایا	الکت کیند مینا تنی بیجا و دگر غری
کوزی ایدر قشک تیر لندی کوکچم	سود شام غمی سویم صید و دگر غری

صورت راغب رینک ای یوفا خانه
غمکله کشت و دوت و کوه ایدر دیوانه دگر

بیک کیم بوس ایدر بر غم بلور غری	یکمک و از نهر سی تل قیر مغه غری
---------------------------------	---------------------------------

خیال

مدد از منجیب بود و نیل جام و نیکو
 نرسد نیرنگ از جلی بر ایلی جام و نیکو
 کلوکن نیرنگ و نیرنگ و نیرنگ
 واروب اودج نیرنگ نیرنگ ابرام
 سنا انصاف ایله و نیرنگ اعتقاد و نیرنگ
 ایویدم کس قدر بر کافر الزام و نیرنگ
 بوبر مشهور و نیرنگ کفر و نیرنگ و نیرنگ
 بنم الود و نیرنگ و نیرنگ ایام و نیرنگ
 سر شکم و نیرنگ و نیرنگ و نیرنگ
 دخی بلکم که رغب اسباب کام و نیرنگ

خیال نه لکده سرشته عمر در استر	سر هر چو بیک افکار و در و نیرنگ
سپهکای جسمکده سریت ایندی بهای	امید صحت اینم بن دل بخور و نیرنگ
مثال طالع عاشق کمن کرم کردو	بولنم صفحه سنده خنده و نیرنگ
عجب اخلا صله حسرت بر بوس جلاکت	
نیوا ایلده واری راب مهجور و نیرنگ	
بکایان لکده و لری باده ناکه بر شندی	تقاعدا خینا ایندی نسیم بولک و نیرنگ
پرینا امیش سنا جمعیت و لکده	او کا کله کوکل سینه امید و نیرنگ
مزاج خلق اخذ اینس عطا شویله	عجبی ویر عکس و نیرنگ و نیرنگ
و فاده کچک اخو دامن لطیفه نال	مجد و یار و نیرنگ سنده و نیرنگ
طریق استنقاید عیانه و نیرنگ	عجب کیسی واری سنده و نیرنگ
از لکده طرانه خانه دیواری کلزار	دکله ریز و نیرنگ و نیرنگ
فنی ناسه کار و لکده و نیرنگ	
نلکده و نیرنگ ساز کار و نیرنگ	
ناله بیل رخ کل شنگ ایندی	ایسون پروانه و نیرنگ و نیرنگ
اولمکت بر نیا نور محمد	نار کمان و نیرنگ و نیرنگ

بر تو ایندی خنده انکست خبری

ایندی عوای بگریسته تنگام

چشم غیر سرایانک و بدینیز

ایمز نامی دوع و مغزی صاحب

ناله در سالک بگریسته تاراج

کشتی صفتا تیغ ایله قوتلن قیا

باندی مانغ نیکت خسار بیدار

فضل حال ای کافوری صبح کرد

خلق طوغزل ال اوستله عجب برون

تیغ و شمر و کر که رجو هرندن

ایلیک کاه فریاد جوسد ره رهن

دعوی دریا کستی ایله قیامت

توید سرنا ررحیق و حد اولم رغبا

یا بایردم اثارست صویر لر بندن

بزم عشق تیغ و مرد فکن و کور

جوری باد کل ایله بیل کویا

طره خنده کمند تیغ ابر و آینه

خنده روانند کل بر نشو به چرخ

یاسن ایکنه ظاهر و لایحین باین

خواه مصر و خواه بخدا و نه شبهه

تند خا و نه عجمی ساقی رعنا

یاغ حسنک سر و سمن جمال

او بیتک تلک طاقنق و علق

دلبر لک شوق اواد و شوق و

سوی امین بقرا برو لک ابار

وار مبدارستان و ممتاز و

او طرایدی روز محشر جا دعوی و کر

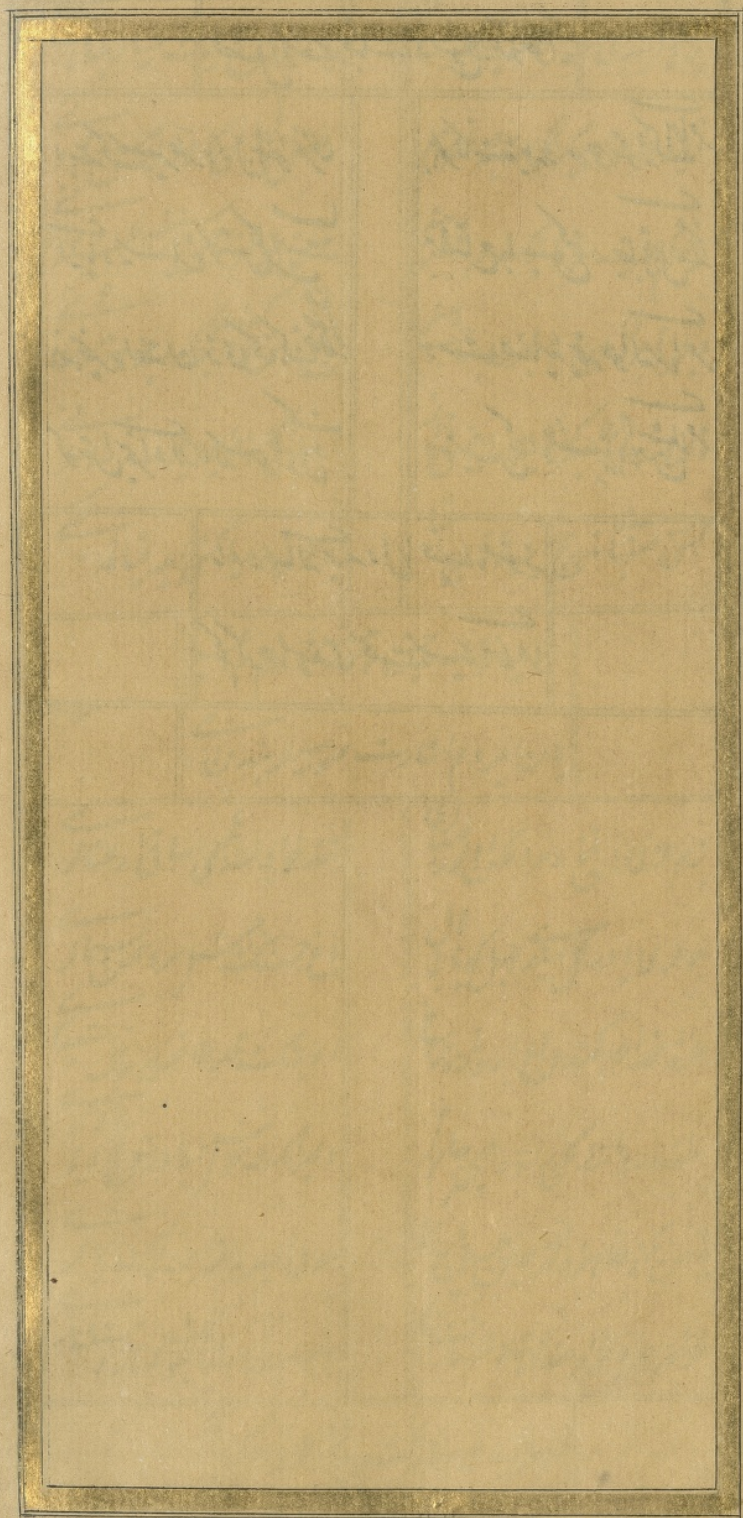
فصل

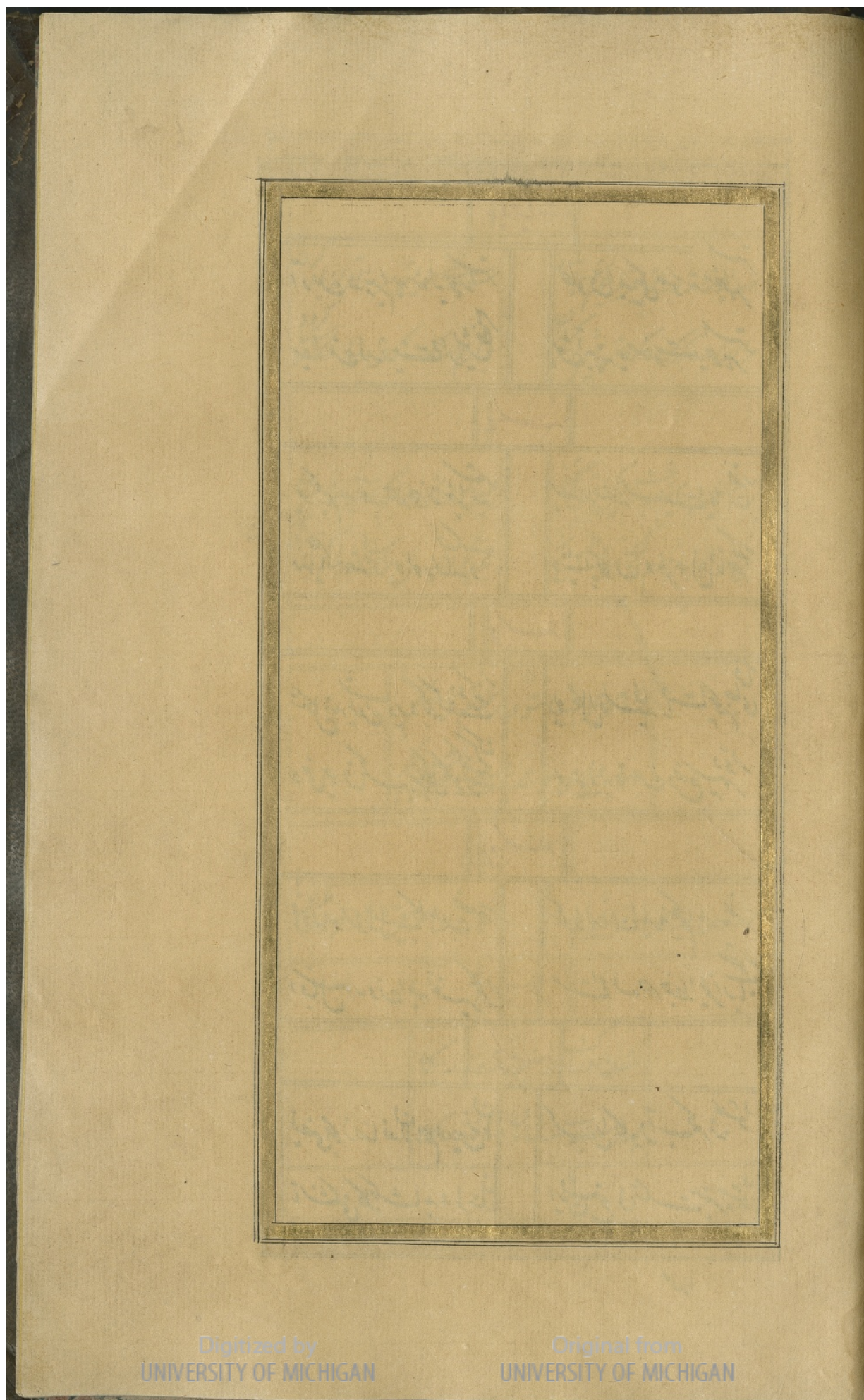
فصل از راه غبت و استوخ ایلده عوالم

ابتدای سیر طره دل منو نغری	بهر کشت ایلده دامه هر شور و کاهامز
وزیاده رسیدن کوش کل است صبا	مفتاح باب کنج رجا قیل صد
زنجیر زلفدن بزی کند کج حلال	دست صبا یه یتیم حواله راهامز
کوش ابرو اولدنا که سحر بیلد	دویش کج اوغنیجه دهن کل امز

راه وصاله ایرمد دل راغب اهنوز

کم کره ایتدی بخت سیه هنامز





رباعیات

آدم نه بر ایه نه زیور استر	مخلوق اید یکی صوته مظهر
بیاض در زینت و ارایش ظاهر	بق آیدینه به صفوت جوهر

و

چونکیم به قدر تله و ز خیر ایه	بدر بیلنه تسلیمت ایمان
دریا منقدار او لور خار و خشک	دینا چون او طرزد دل دانا که

و

شکل بند بیلن ویرد کجه کشت و کذا	بو محل اولم یی رست ایچم چای
دخی جو ق کسه بنجه کلک کتک	بویله در فاعل وضع سهر

و

نادر بولنوطینت کامله فصوص	کم مایه دن ایدنه کیم ایدره ظهور
اقباله روزه ابله تغیر کلز	مست اولسه هر خط ایفرار با

و

فیضی مجوز صافد لاهم درین مانا	کسر اکلوز آب کمر تر بنود
ناشکنی کلک شایه دلم بنان	این شمع بی شکست بتر بنود

صد

164
 812

و سه

صدای زامد و رفتم بخیزد جگر بترد	سینه خسته خویسم سر نه آواز باد کرد
مرا از بس که کرد و کردش خشم تو سر کرد	بخارم سنگ اگر خواهد شود سنگ کرد

و سه

ز سو خیا به خانم سو از یکدین جی	پس از مردن ز خاکم تعلقه جاله میرد
نهان ماهر و بردم بخا غم حسرت	عجب بود پس از مرگ از خاکم تاله

طالع

براه کا مجوبیا سود هر کام و شکم
 در بین اوی چون به نیت خوار بنم

طالع

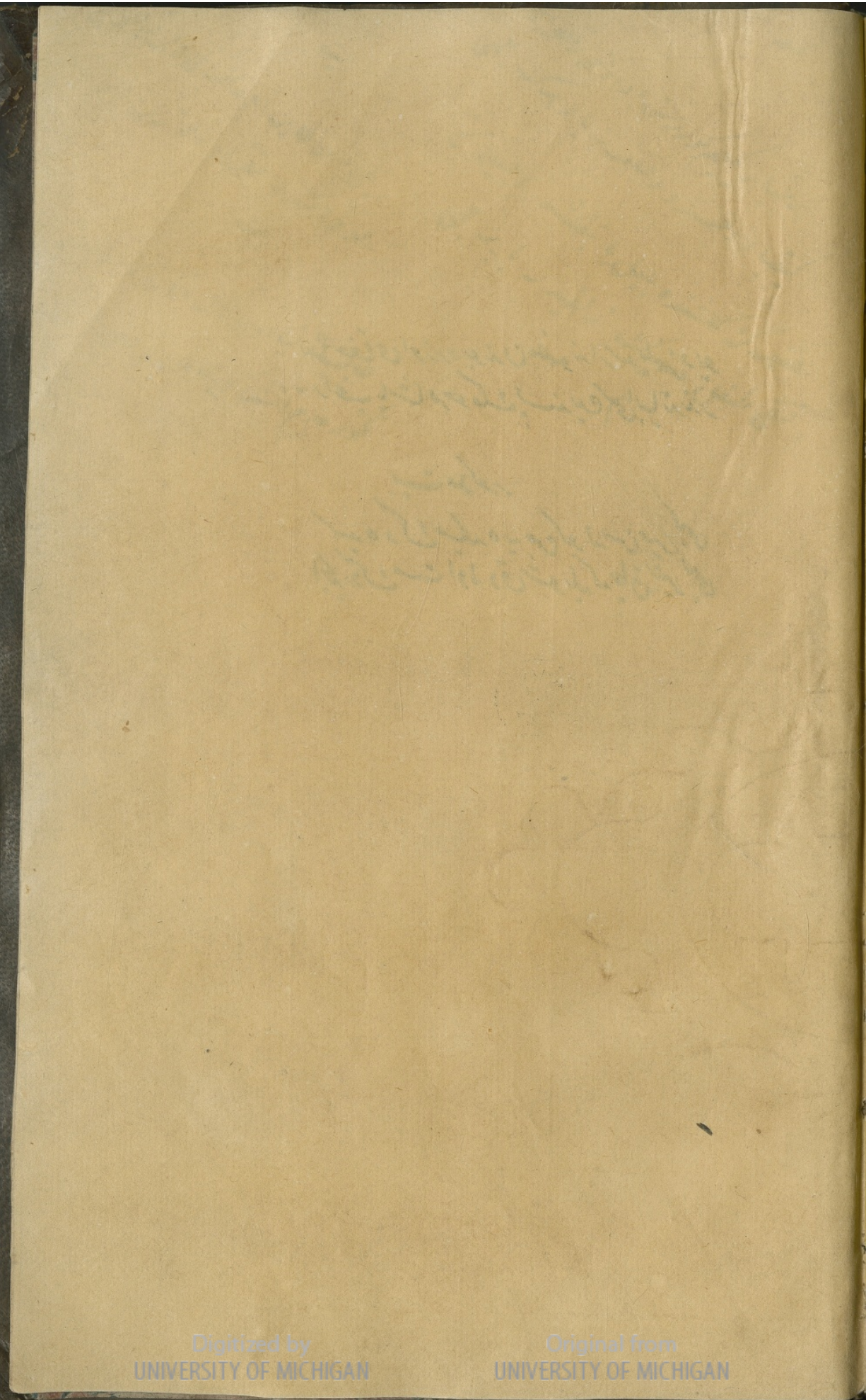
اندوه روز کار و فریز بانه را	خوردن طریق مایه خوردن طریق
------------------------------	----------------------------

طالع

تعلقه او را خرمسوز تر و تر بکا
 ابرو سیلا سانا دانند بکا



422



Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN

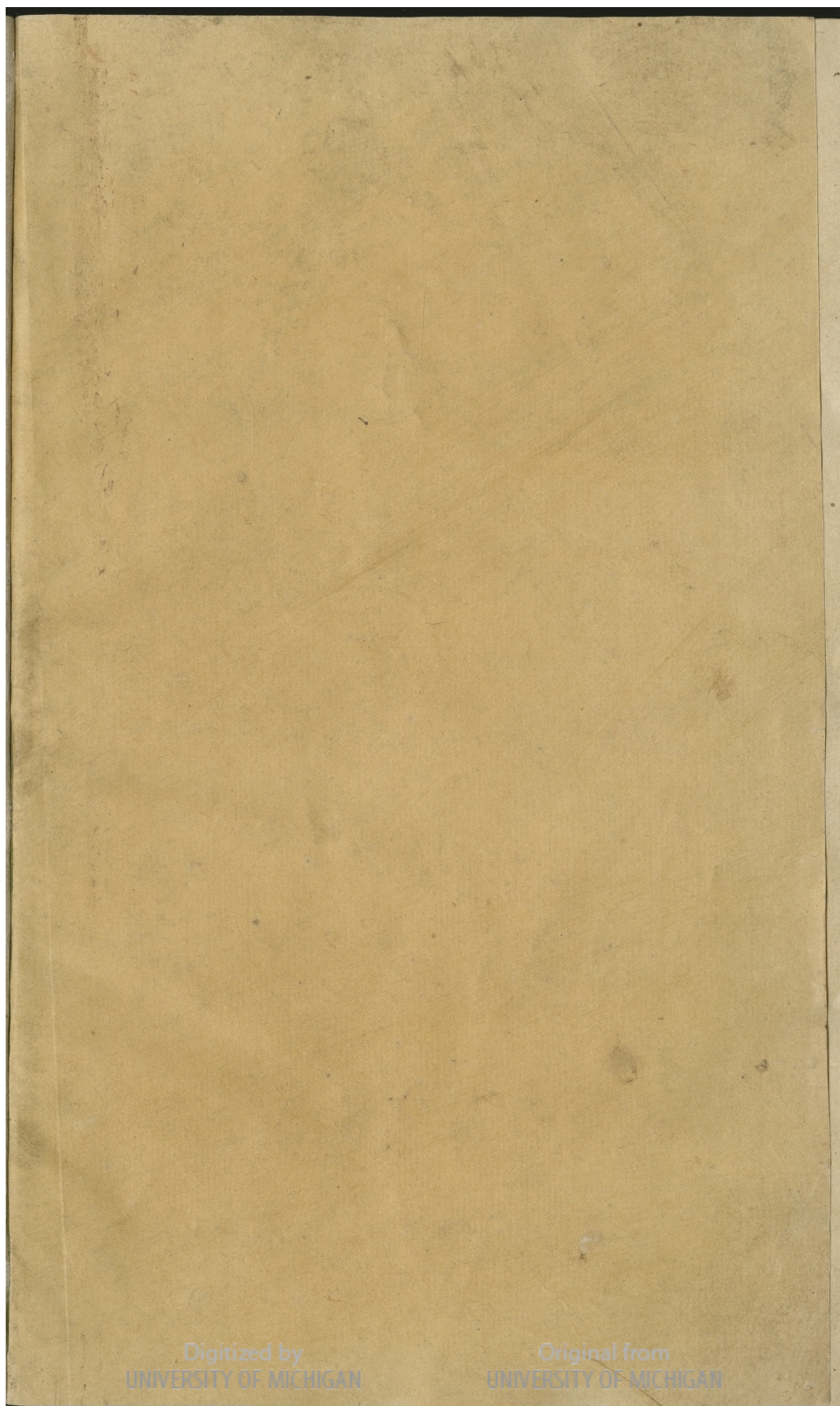
لسه جغای اوزره بوندن مضموندار سو پلمنز دیو
راغب پاشا و حو مک پسنه بد کی ابیات دندر

بیت مذکور

سیده دکن مبلده به من کوله سن میر کبھی
ایچم دکن مت اوله دق شو بلده که جان شیر کبھی

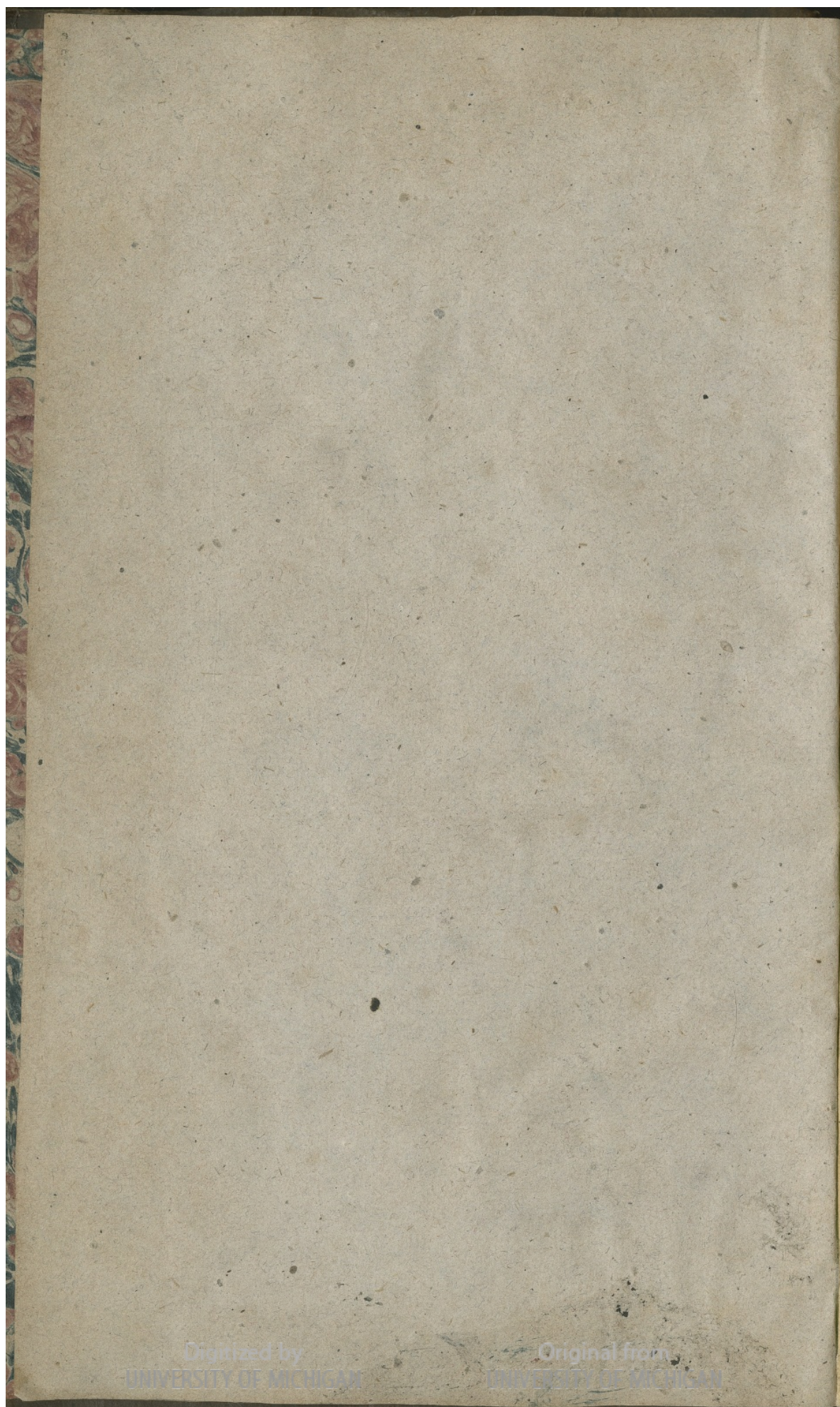
هنگامی که کورسین باد آید و بوی فشانند
کنید و خور و فقط یاد بکن جی
ضمیمه کن کلشنده بیل یا بنفشه
تقی طعن از نیک ز فیدر یا ب جی

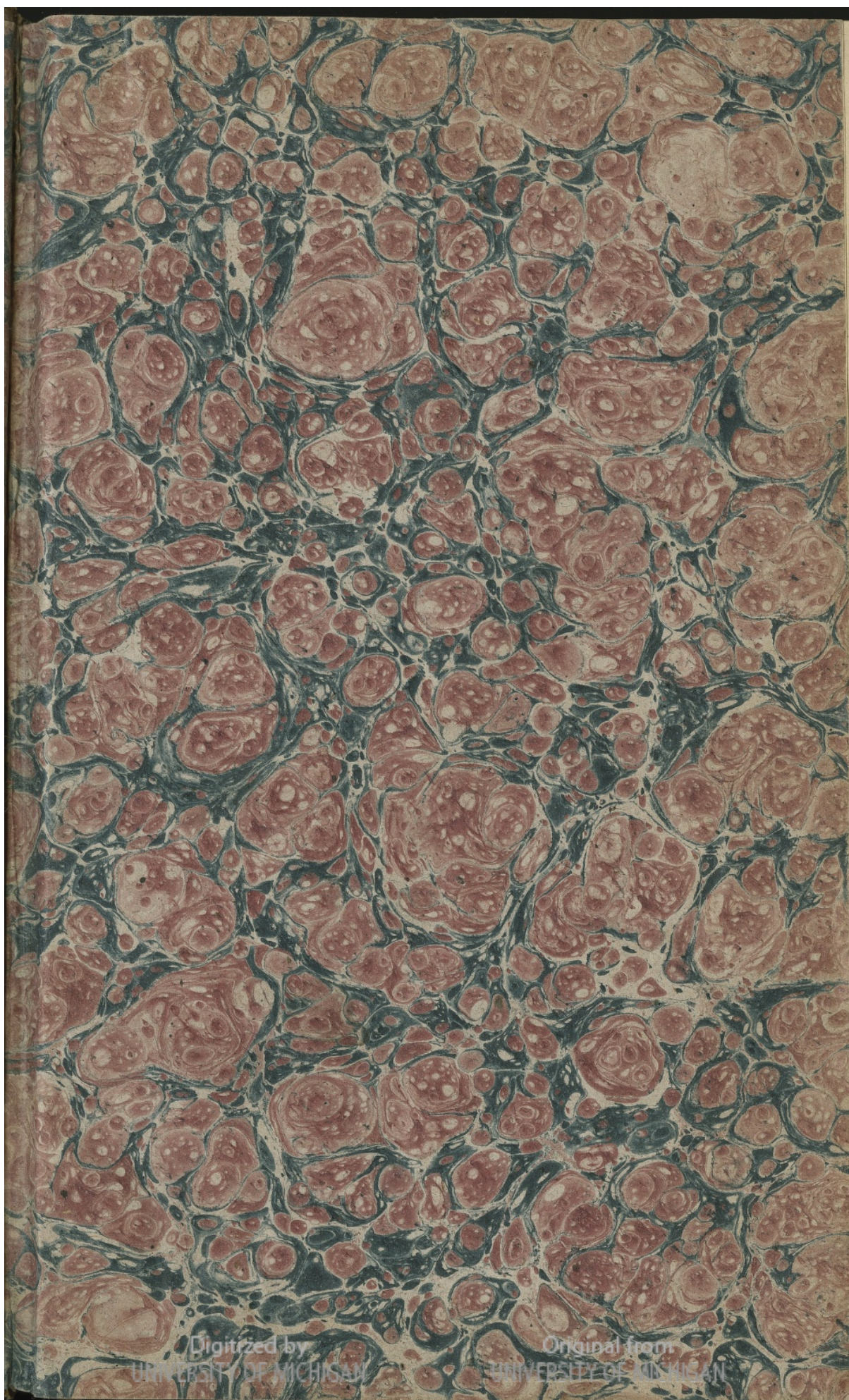
یت
بجای سخن طاهر آودنبدی و از فی الواقع
صدوانده نقره نکوزل ایوانده
یت
طالب دنیا اولانک آلفه اسبابی
کوردم آشنایی عالمده قرغیو مشته



Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

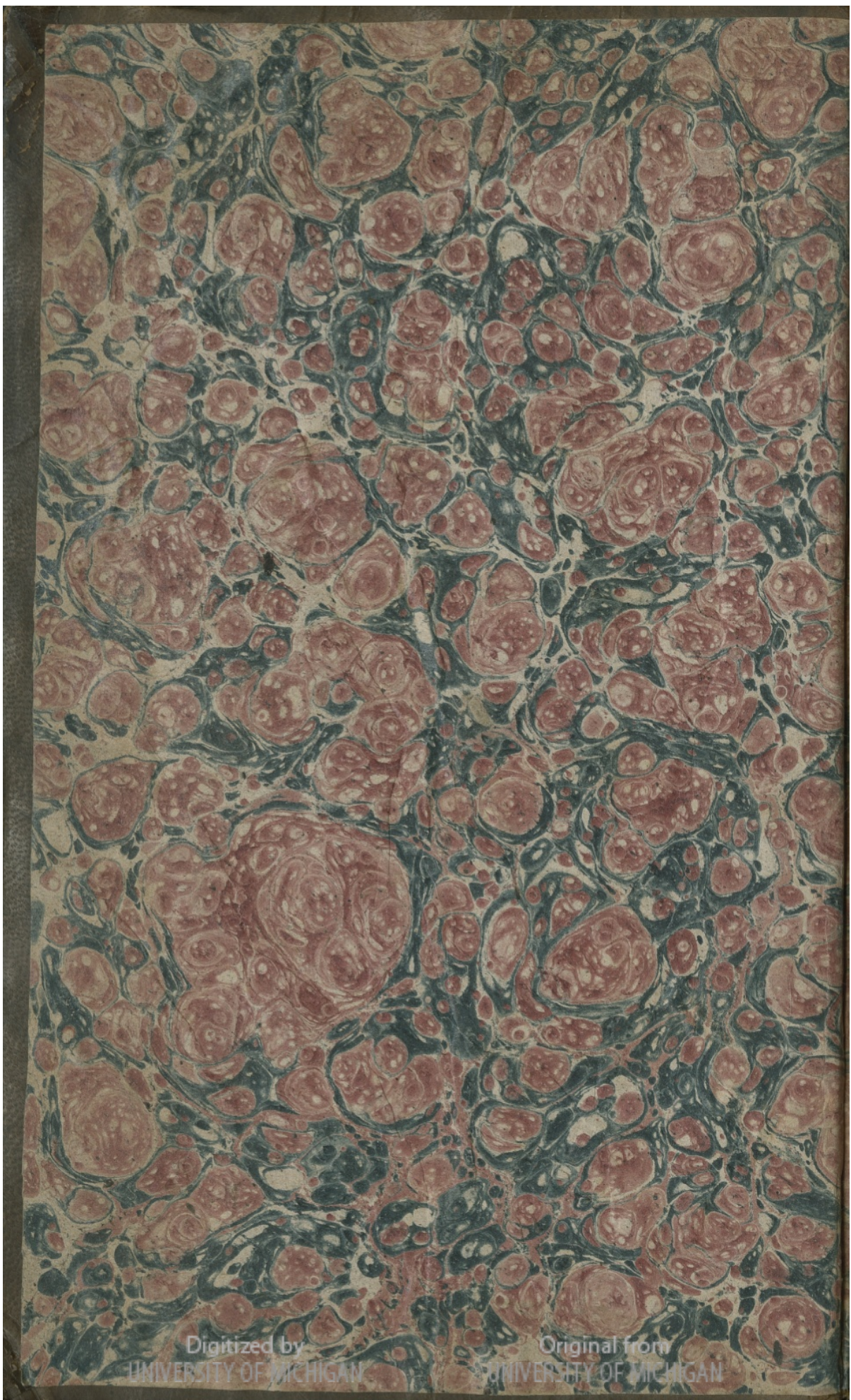
Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN





Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN



Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN



Digitized by
UNIVERSITY OF MICHIGAN

Original from
UNIVERSITY OF MICHIGAN